روزنامه پیام ما
| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۸۲ | چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |
www.payamema.ir

«پیام ما» کلیات بودجه ۲۱ هزار میلیارد تومانی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های بورسی را بررسی می‌کند

## ۲۱ همت پشتِ ویترینِ مسئولیت اجتماعی

۶

فعالان میراث فرهنگی درباره ادامه خاک‌برداری در دولتخانه قزوین هشدار می‌دهند

# دولتخانه صفوی زیر تیغ توسعه گراند هتل

ساخت‌وساز در عرصه و حریم دولتخانه صفوی قزوین ادامه دارد؛ محوطه‌ای که به باور کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی، هرگونه خاک‌برداری و دخل‌وتصرف در آن می‌تواند به لایه‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناختی آسیب بزند. این نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که دولتخانه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های تاریخی کشور، از ظرفیت ثبت جهانی نیز برخوردار است.

۴

## موزه دارآباد از فرسودگی تا امید به احیا

نبود چارت نیروی انسانی و حقوق پایین حضور متخصصان در موزه حیات‌وحش دارآباد را با ابهام روبه‌رو کرده است

نماینده ناظر شهرداری بر موزه دارآباد: در گذشته هیئت علمی برای موزه داشتیم که شامل گیاه‌شناس، جانورشناس، زمین‌شناس و حشره‌شناس می‌شد

۳

## در آستانه فصل سرد واکسن نیست

در آستانه فصل سرما و شیوع بیماری‌های تنفسی، سازمان غذا و دارو از کمبود واکسن آنفلوآنزا می‌گوید

۲

## کمدی که دوباره قصه می‌گوید

روایت «دوباره» از کسب‌وکاری که به لباس‌ها و وسایل فرصت استفاده مجدد می‌دهد

۸

## حمل پسته با کامیون‌های حمل کود

شائبه آلودگی محصول بر اثر حمل غیربهداشتی، سلامت صادرات را تهدید می‌کند

۵

| یادداشت |

## بومی‌سازی یا دگرگون‌سازی علم؟

| مظفر شیروانی |
| مشاور بین‌المللی جنگل و محیط زیست |

۳

| یادداشت |

## چه کسی پاسخگوی بحران‌های صنایع دستی است؟

| حجت‌اله مرادخانی |
| پژوهشگر صنایع دستی |

۴

| یادداشت |

## ارتقای تاب‌آوری شهری با استفاده از ظرفیت‌های مترو

| اسولماز حسینیون |
| دکترای تخصصی طراحی شهری و تاب‌آوری شهری |

روز سه‌شنبه ۳ شهریور، انجمن سازندگان و پیمانکاران مترو استان تهران، همایش تخصصی ملی «افزایش تاب‌آوری با استفاده از ظرفیت‌های مترو» را برگزار کرد. بررسی تحقق تاب‌آوری شهر تهران با به‌کارگیری مترو، اقدامی به‌موقع و ضروری است، اما لازم است بعد شهرسازی در این فرایند به‌صورت پررنگ‌تری مورد توجه قرار گیرد. یکی از نکات مثبت این همایش، دعوت از گروه‌های صنفی به نمایندگی از تخصص‌های مهندسی مختلف بود که فرصتی برای تبادل‌نظر میان رشته‌های مختلف فراهم کرد.

بسیاری از کشورها و شهرها، تاب‌آوری را بخشی از بیانیه چشم‌انداز، اهداف کلان و اولویت‌های خود در طرح‌های شهری قرار داده‌اند. اولویت‌ها و چالش‌های تحقق تاب‌آوری در کشورهای مختلف، متفاوت است. بااین‌حال، براساس نظام‌های فکری جدید، دیگر نمی‌توان به‌صورت جزیره‌ای و مجزا فکر یا اقدام کرد. نکته مهم آن است که تاب‌آوری یک فرایند است.

تمامی شهرها و کشورها بخشی از نظام‌های پیچیده و انعطاف‌پذیر هستند و هر رخداد در یک منطقه می‌تواند سایر مناطق را نیز تحت‌تأثیر قرار دهد. در رویکردهای جدید درباره تاب‌آوری و مدیریت بحران، بر مواجهه با بحران‌های پیچیده و سناریوهای چندمخاطره‌ای تأکید می‌شود.

تاب‌آوری تنها به معنای ساخت زیرساخت‌های حفاظتی جدید نیست، بلکه به معنای شناخت، انطباق و به‌هم‌پیوسته‌کردن ظرفیت‌های موجود شهری، از جمله زیرساخت‌ها نیز هست. متروی تهران یکی از بزرگ‌ترین زیرساخت‌های موجود، زیرزمینی، شبکه‌ای و عمومی شهر تهران است. ظرفیت تاب‌آوری مترو فراتر از نقش آن به‌عنوان پناهگاه است و می‌تواند مجموعه‌ای از کارکردها و ظرفیت‌های مختلف را شامل شود.

یکی از این ظرفیت‌ها، حفاظت از جان شهروندان از طریق استفاده از مترو به‌عنوان پناهگاه است. مترو همچنین می‌تواند برای جابه‌جایی اضطراری، تخلیه و انتقال جمعیت، دسترسی به خدمات حیاتی، پشتیبانی لجستیکی و تأمین اضطراری، ارتباطات و هماهنگی در شرایط بحران و نیز تداوم فعالیت‌های اقتصادی و چرخه زندگی مورد استفاده قرار گیرد.

ظرفیت تاب‌آوری مترو به مجموعه‌ای از عوامل وابسته است که ایمنی سازه‌ای، سیستم‌های اضطراری، دسترسی، خدمات زیربنایی، مدیریت، آمادگی و افزونگی را شامل می‌شود. مترو می‌تواند نه‌تنها در مرحله مواجهه با بحران، بلکه در مراحل مختلف آمادگی، پاسخ و بازیابی نیز نقش داشته باشد. بااین‌حال، جانمایی ایستگاه‌ها، ظرفیت و تعداد آنها ـ بسته به موقعیت، کارکرد و نقششان در شهر ـ و همچنین کاربری‌ها، عملکردها و بارگذاری‌های اطراف آنها، در تدوین برنامه‌های مدیریت بحران مرتبط با شبکه‌های مترو بسیار حیاتی است. بدون توجه به ابعاد پیچیده و چندوجهی و بحران‌های چندگانه، هر طرح و برنامه‌ای تقلیل‌گرایانه و ساده‌انگارانه خواهد بود.

راه‌حل‌های زیادی برای استفاده بهینه از متروی تهران وجود دارد، اما در همه آنها برای استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های مترو، باید به ایجاد یک «شبکه تاب‌آور به‌هم‌پیوسته» توجه کرد. یکی از الزامات اساسی، توجه به تاب‌آوری چندمخاطره‌ای است. مترو باید برای مواجهه با بیش از یک نوع بحران و مخاطره آماده شود و برنامه‌ریزی آن نباید صرفاً بر یک سناریوی خاص متمرکز باشد.

تهران لازم نیست مسیر تاب‌آوری خود را از صفر آغاز کند. بخش قابل‌توجهی از زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های موردنیاز برای ایجاد تاب‌آوری، درحال‌حاضر وجود دارد. مسئله اصلی، شناخت، اتصال، هماهنگ‌سازی و فعال‌کردن این ظرفیت‌ها در قالب یک رویکرد سیستمی است.

برای ارتقای تاب‌آوری شهری تهران، باید از شبکه مترو به‌عنوان ظرفیتی سیستمی، چندلایه و چندعملکردی استفاده کرد. همچنین تغییرات لازم برای فعال‌کردن ظرفیت تاب‌آوری مترو باید مورد توجه قرار گیرد.

نکته‌ای که در زمینه تاب‌آوری مترو کمتر به آن توجه می‌شود، این است که مترو شبکه‌ای زیرزمینی و مستقل نیست که فقط ظرفیت تبدیل‌شدن به پناهگاه را داشته باشد، بلکه روی زمین نیز تناظر و مابه‌ازای فضایی در قالب سازوکارهای شهرسازی دارد. کاربری‌ها، بارگذاری‌های جمعیتی و فعالیتی و شبکه‌های عبوری شهر بر شبکه مترو تأثیر می‌گذارند و از آن تأثیر می‌پذیرند. به‌تبع تغییر فعالیت‌ها و عملکردها، بازه‌های زمانی استفاده از فضاهای شهری نیز تغییر می‌کند. هر تغییری در زیرساخت‌های روی زمین و زیر زمین، چهره شهر را از نظر کالبدی، عملکردی، اجتماعی، اقتصادی و حتی هویتی دگرگون می‌کند.

برای مثال، تغییراتی مانند گران‌شدن بنزین، فشار بر شبکه‌های حمل‌ونقل عمومی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، فشار بر شبکه مترو بیشتر می‌شود و بارگذاری حجمی و جمعیتی نیز تغییر می‌کند. همه اینها نکاتی هستند که هنگام بحث درباره مدیریت بحران، تاب‌آوری و پدافند در ارتباط با شبکه مترو در تهران و دیگر شهرهای ایران باید به آنها توجه شود.

یکی دیگر از تغییرات لازم برای ارتقای تاب‌آوری و ایجاد ظرفیت استفاده از مترو به‌عنوان پناهگاه در زمان جنگ، اصلاح وضعیت موجود ایستگاه‌های مترو است. همین حالا بسیاری از ایستگاه‌های مترو کشش بار جمعیتی واردشده به آنها را ندارند؛ به‌ویژه در ساعات اوج رفت‌وآمد صبح و عصر که مردم به محل کار می‌روند یا از محل کار بازمی‌گردند. در ایام خاص، مانند نوروز یا هنگام برگزاری مراسم ویژه مذهبی و آیینی نیز فشار جمعیتی در بسیاری از ایستگاه‌های مترو به‌شدت افزایش می‌یابد؛ تا جایی که ورود به ایستگاه‌ها، خروج از آنها و حتی سوارشدن به قطارها بسیار دشوار و گاه غیرممکن می‌شود. ایستگاه‌های بازار یا سعدی در روزهای پیش از نوروز، نمونه‌هایی از این وضعیت هستند.

حال تصور کنید در چنین شرایطی، حادثه یا حتی بحران کوچکی رخ دهد؛ این حادثه می‌تواند به یک فاجعه تبدیل شود. ورودی‌ها و خروجی‌های ایستگاه‌های خطوط پرکاربرد مترو به ارتقای کمی و کیفی نیاز دارند تا ظرفیت و ویژگی‌های آنها با آنچه روی زمین و در سطح شهر رخ می‌دهد، منطبق باشد.

علاوه‌براین، شبکه مترو و ایستگاه‌های آن باید با طرح‌های مدیریت بحران شهری، از جمله مسیرها و فضاهای تخلیه اضطراری، مراکز امدادی، بیمارستان‌ها و ایستگاه‌های آتش‌نشانی هماهنگ باشند و ارتباطی اصولی با آنها داشته باشند.

مترو می‌تواند فراتر از یک سیستم حمل‌ونقل یا پناهگاه اضطراری، به‌عنوان بخشی از زیرساخت تاب‌آور شهر و شبکه‌ای برای حفاظت، جابه‌جایی، اتصال، پشتیبانی و بازیابی فعالیت‌های شهری مورد استفاده قرار گیرد.

| یادداشت |

## نقدی بر اینستاگرام

| احسان امینائی چترودی |
| پژوهشگر حوزه توسعه اجتماعی |

شاید برای شبکه فاضلاب هر شهری سخت و توهین‌آمیز باشد که بخواهیم آن را با شبکه اجتماعی اینستاگرام قیاس کنیم؛ زیرا کار اولی، با تاریخی چند هزار ساله و پرفرازونشیب، خروج کثافت و پس‌مانده‌ها از محیط انسانی و کار دومی، با قدمتی ۱۵ساله، ورود انواع بیماری‌های روانی و رفتاری به اجتماعات بشری است. اولی ساختاری ساده و بدون کوچک‌ترین ابهامی دارد، درحالی‌که دومی پیچیده، پرزرق‌وبرق و مبهم است.

شبکه اجتماعی اینستاگرام یکی از پرطرفدارترین شبکه‌های فضای مجازی، با حدود دو میلیارد کاربر، برای اشتراک عکس و فیلم است. شایان ذکر است که شمار انبوه کاربران، طرفداران و استفاده‌کنندگان از هر شیء و مفهومی، دلیلی بر حقانیت و بی‌خطر بودن آن نیست. به‌عنوان مثال، حدود دو میلیارد نفر در جهان سیگاری هستند، ولی کسی نیست که از آثار مخرب آن بر بشر بی‌اطلاع باشد. بنابراین، نمی‌توانیم دچار مغالطه توسل به اکثریت یا مقبولیت عام شویم و بگوییم چون دو میلیارد نفر از این شبکه اجتماعی استفاده می‌کنند، پس بی‌نقص و کم‌خطر است. کمونیسم هم زمانی میلیاردها طرفدار داشت؛ آیا این به‌معنای درست بودن این «ایسم» است؟ مدرن بودن و تازگی این فناوری هم نمی‌تواند دلیلی برای رفع اتهام از آن باشد؛ چون مدرنیته در کنار بهبود برخی زوایای زندگی، مسائل و گرفتاری‌های بی‌شماری نیز به همراه داشته است. پس به‌راحتی می‌توان سراغ این طاعون جذاب عصر جدید در کشورمان رفت.

باید بررسی کنیم که هدیه و خروجی این فضای ایجادشده برای منِ ایرانی چیست؟ در یک کلام: «جنون خودنمایی».

آنچه نگارنده از این پلتفرم استنباط کرده، جز این نیست. در این بستر به هر کاری دست می‌زنیم تا بدون جلب توجه و تأیید نمانیم. در اینستاگرام و فضاهای مشابه با دنیایی سطحی و غیرواقعی مواجه می‌شویم، به‌زودی به آن اعتیاد پیدا می‌کنیم و در پایان، با سرخوردگی تمام از آن خارج می‌شویم. این بازی توهم‌زا هر روز تکرار و بازتکرار می‌شود. جملات افراد، فارغ از تجربه و تحصیلات آنان و مرتبط یا نامرتبط بودن گفته‌هایشان، اغلب ملاک تصمیم‌گیری ما می‌شوند. این پلتفرم و موارد مشابه آن‌چنان ما را مسحور و به خود وابسته می‌کنند و چنان انرژی انسان را می‌گیرند که توان هرگونه کار سازنده، مفید و پرچالش را سلب می‌کنند و انسانی توخالی، ناراضی و خشمگین بر جا می‌گذارند. اینستاگرام همانند قمارخانه‌ای جذاب و پررنگ‌ولعاب است که هر لحظه از روز، بدون نیاز به کمترین تفکری، ما را به‌سوی دنیای دروغین خود جلب می‌کند و پس از تخریب روح و روان ما و به خطر انداختن بنیان خانواده، درهای خروج را نشانمان می‌دهد. در این فضای غیرواقعی، افراد به‌یک‌باره با پیدا کردن دنبال‌کننده، به مرجع و معیار تبدیل می‌شوند و ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین، برخی از معایب بی‌شمار این بستر خوش‌ظاهر را می‌توان اتلاف زمان، کاهش تمرکز، افت بهره‌وری و اعتیاد شدید به آن برشمرد. اختلال خواب و کاهش ارتباطات عمیق حضوری را نیز بعداً به آن اضافه کنید. قطعاً طرفداران دوآتشه این شبکه، در حمایت از آن، از ایجاد اشتغال و رونق کسب‌وکار در این شبکه می‌گویند. بنده نیز در پاسخ می‌گویم: به چه قیمتی؟ تجارت مواد مخدر و سکس هم می‌تواند بسیار اشتغال‌زا باشد! صنایع آلاینده و مخرب محیط زیست هم می‌توانند عده زیادی را از بیکاری نجات دهند، ولی به چه بهایی؟ متأسفانه حاکمیت با فیلترینگ این شبکه‌ها بیشترین کمک را به طبع کنجکاو و عصیانگر ما ایرانیان کرده و در نتیجه، باعث گرایش و استفاده بیشتر از آن‌ها شده است. در این زمینه، مانند بسیاری از موارد دیگر، نمی‌توان روی دولت حساب کرد؛ چون اغلب به‌جای یافتن راه‌حل، دنبال حذف، انکار و پاک کردن صورت مسئله است. باید از صاحب‌نظران حوزه ارتباطات و علوم اجتماعی یاری جست تا به داد جامعه برسند. باید مضرات شبکه‌های اجتماعی از سنین پایین آموزش داده شود. باید فعالیت‌های فیزیکی و ارتباطات واقعی اجتماعی ترویج شود. باید شهروندان کشور را از این خورنده روح و روان و زمان و این مخل و ویرانگر نظام خانواده آگاه ساخت. باید بار دیگر به کتاب و ارزش‌های مطالعه بازگردیم. ارزش مطالعه یک صفحه کتاب، ده‌ها برابر مهملات و خزعبلات اغلب سرگرم‌کننده فضای مجازی پوچ و بی‌انتهاست.

دنیای پرخطر مجازی با هوش مصنوعی غیرواقعی‌تر و ترسناک‌تر شده است و در این شرایط نباید جامعه، به‌ویژه کودکان، را تنها گذاشت. انگار همه عوامل دست‌به‌دست هم داده‌اند تا از ما انسانی تهی از واقعیت و ارزش و دائم‌القیاس بسازند که از هیچ چیز راضی نیست و نخواهد شد. پیام دیگر این شبکه‌ها، ترویج و تبلیغ مصرف‌گرایی است؛ یعنی من زمانی دارای هویت، شخصیت و اعتبار هستم که بتوانم بیشتر بخرم، بپوشم، بخورم و مصرف کنم؛ در غیر این صورت، به خیال خود، دچار طرد اجتماعی می‌شوم. حاصل این بازی بدخیم و بی‌پایان، در نهایت، ایجاد شبه‌انسان‌هایی عروسک‌نما، سرگشته و مضطرب است. با جدی‌تر شدن معایب این بسترهای ارتباطی، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، همچون استرالیا و بریتانیا، احساس خطر کرده و برای استفاده نوجوانان از فضای مجازی محدودیت‌هایی اعمال کرده‌اند؛ محدودیتی آگاهانه و از روی تدبیر، نه از روی ترس، با دلایل سیاسی و بدون نظرخواهی از مردم.

ما نیز تا دیر نشده است، باید به‌دنبال راه‌حل باشیم. باید اعتمادسازی کنیم و همچون مواجهه با دیگر معضلات، از مردم و صاحب‌نظران کمک بخواهیم. باید آزمون‌وخطاهای سایر کشورها را بررسی کنیم، متناسب با شرایط موجود راهکار پیشنهاد دهیم، نتایج را رصد و اطلاع‌رسانی کنیم.


## آگهی مناقصه عمومی دومرحله‌ای

به همراه ارزیابی فنی و بازرگانی پروژه خرید مصالح، تجهیزات و انجام عملیات بهسازی، تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها و محوطه‌ها و شبکه روشنایی معابر و تأسیسات مکانیکی و برقی شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر

شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر در نظر دارد، پروژه خرید مصالح، تجهیزات و انجام عملیات بهسازی، تعمیر و نگهداری ساختمان‌ها و محوطه‌ها و شبکه روشنایی معابر و تأسیسات مکانیکی و برقی خود را به شرکت‌های پیمانکاری ذیصلاح دارای حداقل رتبه ۵ در رشته ابنیه و دارای سوابق مرتبط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید، جهت اخذ اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ به سایت این شرکت به آدرس www.ggz.ir مراجعه نمایند.

۱- آخرین زمان ارائه پاکت‌ها و پیشنهادات: ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
۲- شرکت، در قبول یا رد پیشنهادات مختار است.
۳- سپرده شرکت در مناقصه: ۱۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (چهارده میلیارد و پانصد میلیون ریال)
۴- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۵- کلیه مشخصات لازم در اسناد مناقصه ذکر گردیده است.
۶- تاریخ بازدید از پروژه: روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ راس ساعت ۱۰ صبح
۷- محل تحویل اسناد، پیشنهادات: استان کرمان، شهرستان سیرجان، کیلومتر ۵۰ جاده محور سیرجان - شیراز، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر ساختمان‌های هلدینگ مستقر بر تپه، بلوک شماره ۵ (دبیرخانه شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر) یا شهرستان سیرجان، بلوار ولیعصر (عج) روبروی ورزشگاه گهر روش جنب درمانگاه سیب، دارالقرآن طبقه اول - دبیرخانه شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر.
۸- تلفن جهت هر نوع هماهنگی: ۰۹۱۳۲۴۵۷۴۰۲ آقای شامحمدی (به‌غیراز ایام تعطیل)

مدیریت حقوقی و قراردادها شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل‌گهر

فارس

در آستانه فصل سرما و شیوع بیماری‌های تنفسی، سازمان غذا و دارو از کمبود واکسن آنفلوآنزا می‌گوید

# در آستانه فصل سرد، واکسن نیست

**در آستانه فصل شیوع بیماری‌های تنفسی، واکسن آنفلوآنزا که قرار بود یکی از ابزارهای پیشگیری از بیماری باشد، اکنون خود به کالایی کمیاب در ایران تبدیل شده است. به گفته مسئولان، امسال تنها بخش محدودی از نیاز کشور تأمین شده است. یک مقام سازمان غذا و دارو می‌گوید از یک سو محدودیت‌های شدیدی در واردات واکسن وجود دارد و از سوی دیگر، تولیدکنندگان داخلی نیز تمایلی به تولید آن ندارند. با وجود این مشکلات، پرسش این است که این تعداد محدود چگونه و با چه سازوکاری در اختیار مردم قرار می‌گیرد؛ آیا واکسن به دست کسانی می‌رسد که توان و دسترسی بیشتری دارند یا گروه‌های پرخطر و نیازمند در اولویت توزیع قرار می‌گیرند؟**

| یاسر مختاری |
| روزنامه‌نگار |

**یک منبع آگاه در سازمان غذا و دارو: از یک سو شرکت‌های خارجی به ما واکسن نمی‌فروشند و از سوی دیگر، تولیدکننده‌های داخلی رغبتی برای تولید این واکسن ندارند**

چندین سال است که هم‌زمان با روزهای پایانی تابستان و آغاز پاییز، بسیاری از مردم در تدارک تهیه و تزریق واکسن آنفلوآنزا هستند تا خود را در برابر سویه‌های جدید این بیماری مسری واکسینه کنند و مقاومت بدنشان را در برابر آن افزایش دهند. طی سال‌های اخیر، تهیه و تدارک این واکسن همواره با مشکلاتی روبه‌رو بوده است؛ اگرچه در نهایت، بسیاری از افرادی که خواهان تزریق آن بودند، موفق به تهیه واکسن می‌شدند. اما امسال به نظر می‌رسد این واکسن نیز مانند سایر داروها دچار کمبود شده و تأمین آن با اختلال روبه‌روست.

### آنفلوآنزا و چرایی تزریق واکسن

آنفلوآنزا بیماری ویروسی است که در بسیاری از افراد با علائم موقتی و قابل‌کنترل همراه است و پس از چند روز و با رفع این علائم، فرد مبتلا بهبود می‌یابد. اما در گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند سالمندان، افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای، کودکان و زنان باردار، آنفلوآنزا می‌تواند به بیماری شدید و حتی بستری‌شدن در بیمارستان منجر شود. ازاین‌رو، واکسن آنفلوآنزا با آماده‌کردن سیستم ایمنی بدن در برابر سویه‌های این ویروس، یکی از مهم‌ترین ابزارهای پیشگیری از بیماری محسوب می‌شود.

هدف اصلی واکسیناسیون، کاهش احتمال ابتلا و مهم‌تر از آن، کاهش خطر بروز بیماری شدید، عوارض و بستری‌شدن است. به همین دلیل، واکسن برای گروه‌هایی که احتمال بروز عوارض جدی در آنها بیشتر است، اهمیت بیشتری دارد. آنفلوآنزا با سرماخوردگی معمولی تفاوت دارد و می‌تواند در برخی افراد عوارض جدی ایجاد کند. یکی از مهم‌ترین این عوارض، عفونت‌های دستگاه تنفسی، از جمله ذات‌الریه، است. واکسیناسیون می‌تواند احتمال بروز چنین پیامدهایی را کاهش دهد و با کاهش انتقال ویروس، از افراد آسیب‌پذیر جامعه نیز محافظت کند.

برخلاف برخی واکسن‌ها که تزریق آنها می‌تواند ایمنی طولانی‌مدتی ایجاد کند، واکسن آنفلوآنزا باید هر سال تزریق شود. ویروس‌های آنفلوآنزا دائماً در حال تغییر هستند و ترکیب واکسن نیز هر سال براساس ویروس‌هایی که انتظار می‌رود در فصل آینده بیشتر در گردش باشند، به‌روزرسانی می‌شود. از سوی دیگر، سطح ایمنی ایجادشده پس از واکسیناسیون نیز با گذشت زمان کاهش می‌یابد.

نکته دیگر این است که واکسن بلافاصله پس از تزریق، ایمنی کامل ایجاد نمی‌کند و معمولاً حدود دو هفته زمان لازم است تا پاسخ ایمنی مناسب در بدن شکل بگیرد. بنابراین، زمان تزریق نیز اهمیت دارد. به همین دلیل، نهادهای سلامت و متخصصان بیماری‌های عفونی توصیه می‌کنند واکسیناسیون پیش از اوج‌گرفتن فصل سرما و شیوع بیماری‌های تنفسی انجام شود.

اگرچه واکسن آنفلوآنزا تضمین نمی‌کند که فرد به این بیماری مبتلا نشود، می‌تواند از شدت بیماری و بروز اشکال شدیدتر آن بکاهد.

### زمان تزریق واکسن

به گفته یک متخصص بیماری‌های عفونی، اثربخشی تقریبی واکسن آنفلوآنزا حدود یک سال است، اما پس از شش ماه از اثربخشی آن تا حدودی کاسته می‌شود. به همین دلیل، بهترین زمان تزریق واکسن موقعی است که اثربخشی آن با اوج شیوع بیماری هم‌زمان باشد.

محمدحسین زمانیان می‌گوید: «با توجه به اینکه ما هر سال پیک شیوع آنفلوآنزا را در آبان تا دی داریم، بهتر است افراد در نیمه شهریور تا نیمه مهر واکسن آنفلوآنزا را تزریق کنند. البته این واکسن در سایر ایام نیز می‌تواند تزریق شود، اما اثربخشی کافی را در ایام پیک بیماری نخواهد داشت.»

به گزارش «پیام ما» و به نقل از ایسنا، زمانیان با بیان اینکه بهتر است همه افراد جامعه واکسن آنفلوآنزا را تزریق کنند، می‌افزاید: «اما با توجه به محدودیت‌هایی که در تعداد واکسن وجود دارد باید برخی از گروه‌ها در اولویت تزریق واکسن باشند. برای نمونه کودکان زیر چهار یا پنج سال و خصوصاً کودکانی که نقص مادرزادی یا اکتسابی سیستم ایمنی دارند، کودکان مبتلا به سرطان و یا آنهایی که شیمی‌درمانی می‌شوند، کودکانی که داروهای نقص سیستم ایمنی مصرف می‌کنند، کودکان دیابتی و کودکانی که مشکلات مادرزادی قلب، ریه، کبد و کلیه دارند باید در اولویت باشند.»

به گفته این پزشک متخصص، بزرگسالان بالای ۶۰ تا ۶۵ سال، زنان باردار، افرادی که نقص سیستم ایمنی دارند، بیماران مبتلا به سرطان، بیماران قلبی‌وعروقی، بیماران دیابتی، افرادی که کورتون با دوز بالا دریافت می‌کنند و کسانی که شاخص توده بدنی آنها بیش از ۴۰ است نیز باید واکسن آنفلوآنزا را تزریق کنند. او می‌گوید: «برای کودکان زیر هشت سال که قبلاً تزریق واکسن آنفلوآنزا نداشتند این واکسن باید دو نوبت و در فاصله چهار هفته تزریق شود و برای کودکان زیر شش سال هم توصیه بر این است که در دو نوبت و در هر نوبت نیم‌دوز تزریق شود.»

### موجودی بسیار پایین واکسن

درحالی‌که به گفته این پزشک متخصص، بهترین زمان تزریق واکسن آنفلوآنزا در حال فرارسیدن است، به نظر می‌رسد موجودی این واکسن در کشور بسیار پایین باشد. مشکلات تأمین دارو به‌دلیل جنگ، تحریم و بسته‌شدن مسیرهای دریایی، گریبان واکسن آنفلوآنزا را نیز گرفته است و نهادهای متولی هنوز نتوانسته‌اند نیاز کشور در این حوزه را تأمین کنند.

هادی احمدی، سخنگوی انجمن داروسازان ایران، درباره تأمین‌نشدن واکسن به ایلنا می‌گوید: «به دلیل مسدودشدن راه‌های ارسال کالا از مدت‌ها پیش و همچنین عدم امکان انتقال ارز، سازمان غذا و دارو نتوانسته است واکسن را به تعداد موردنیاز وارد کشور کند. در نتیجه، تنها تعداد اندکی واکسن وارد شده که آن نیز صرفاً برای مراکز بیمارستانی و مراکز خاص در نظر گرفته شده است.»

او می‌افزاید: «اما برای سایر مردم، تا این لحظه متأسفانه واکسنی وارد نشده است و به‌تدریج زمان را از دست می‌دهیم. براساس اطلاعاتی که در دست دارم، واکسن به‌شکل عمده وارد نشده است و دلیل آن نیز بحث تحریم‌ها و عدم امکان انتقال ارز بوده است. متأسفانه امکان واردات واکسن به تعداد موردنیاز که تقریباً سالانه سه میلیون دوز بوده، فراهم نشده است.»

احمدی ادامه می‌دهد: «امسال نیز به‌دلیل تحریم‌ها و بسته‌شدن مسیرهای ارسال، امکان واردات واکسن فراهم نشده است، مگر آنکه بخواهند آن را به‌شکل فوری وارد کنند که این کار نیز به این سادگی نیست. چراکه برای واردات واکسن، باید شش تا هشت ماه قبل سفارش داده شود تا تولیدکننده بتواند آن را تولید کند؛ زیرا سویه واکسن هر سال تغییر می‌کند و باید براساس ویروس‌های جدید ساخته شود.»

سخنگوی انجمن داروسازان ایران درباره تولید داخلی واکسن آنفلوآنزا نیز توضیح می‌دهد: «واکسن در داخل کشور حتی یک عدد هم تولید نشده است، چون نیاز به ماده اولیه دارد. تولید واکسن در داخل کشور نیازمند پیش‌نیازهایی است که واردات برخی مواد جانبی را ضروری می‌سازد و متأسفانه در این زمینه نیز موفق به واردات نشده‌ایم.»

### محدودیت سازمان غذا و دارو

به گفته یک منبع آگاه در سازمان غذا و دارو، سالانه ۳.۵ میلیون دوز واکسن آنفلوآنزا از طریق واردات و تولید داخلی تأمین می‌شود، اما امسال به‌دلیل مشکلات موجود، تنها تعداد بسیار محدودی واکسن تأمین شده است.

این منبع آگاه در گفت‌وگو با «پیام ما» اظهار می‌کند: «از یک سو شرکت‌های خارجی به ما واکسن نمی‌فروشند و از سوی دیگر تولیدکننده‌های داخلی رغبتی برای تولید این واکسن ندارند. از یک سو نگران هستند که مردم تمایلی برای تزریق واکسن ایرانی نداشته باشند و از سوی دیگر، ممکن است در زمان تولید بازار اشباع شود و تاریخ مصرف واکسن‌های آنها بگذرد.»

او توضیح می‌دهد: «واکسن آنفلوآنزا نیز دچار همان مشکلاتی است که سایر اقلام دارویی دارند. اگرچه تعداد محدودی تهیه شده و این سازمان سعی دارد تعداد دیگری را نیز تا پاییز تهیه کند، تمام تلاش سازمان غذا و دارو این است که راه‌های مختلفی را برای تأمین این واکسن پیدا کرده و دوزهای موردنیاز را تأمین کند. اما واقعیت آن است که برخلاف سال‌های گذشته، تعداد واکسن بسیار محدود بوده و باید افراد را برای دریافت آن اولویت‌بندی کرد.»

این مقام سازمان غذا و دارو تأکید می‌کند: «برنامه سازمان غذا و دارو این است که به سمت فرهنگ‌سازی در تزریق این واکسن برود؛ مثلاً تأکید کنیم که همه افراد جامعه به تزریق آن نیاز ندارند و افرادی مانند سالمندان، مادران باردار و بیماران دارای بیماری‌های زمینه‌ای را باید در اولویت تزریق گذاشت.»

### جایگاه عدالت در توزیع واکسن

در شرایطی که واکسن آنفلوآنزا کمیاب شده، مشخص نیست آیا تا پایان شهریور یا اواسط مهر، دوزهای موردنیاز تأمین می‌شود یا خیر. مسئله این است که همین تعداد محدود چگونه و براساس چه سازوکاری توزیع می‌شود؟

وقتی ظرفیت واکسیناسیون پاسخ‌گوی نیاز همه نیست، باید سازوکاری شفاف برای توزیع عادلانه وجود داشته باشد تا واکسن، به‌جای آنکه نصیب کسانی شود که دسترسی، توان مالی یا ارتباط بیشتری دارند، در مرحله نخست به سالمندان، زنان باردار، کودکان و بیماران دارای بیماری‌های زمینه‌ای برسد.

سازمان غذا و دارو باید میزان واکسن موجود، سهم مراکز مختلف و اولویت‌های توزیع را به‌طور شفاف اعلام کند و بر روند عرضه آن در داروخانه‌ها و مراکز درمانی نظارت داشته باشد. کمبود واکسن نباید به بازاری برای تبعیض در دسترسی تبدیل شود. در شرایط محدودیت، عدالت در توزیع نه یک انتخاب، بلکه حداقل انتظار از سیاست‌گذاران حوزه سلامت است.

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک شفت**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۶۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۳۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مرضیه رضازاده عثماوندانی فرزند غلامعلی شماره شناسنامه ۱۵ صادره از شفت در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر یکباب انباری به مساحت ۸۲/۵۳ مترمربع می‌باشد.

به شماره پلاک ثبتی فرعی ۸۹۷ مجزی شده از پلاک ۲۳۴ فرعی واقع در قریه عثماوندان شفت سنگ اصلی ۲۲ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی غلامعلی رضازاده عثماوندانی گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت**
**از طرف ابوذر زرین‌پور حسن کیاده**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۱۳۰۷ م الف: ۹۵۹**

---

نوبت اول

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک شفت**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۲۸۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم افسانه آزاد فلاح فرزند نبی اله شماره شناسنامه ۴۹۵۶ صادره از تهران در ششدانگ یکبابخانه و محوطه به مساحت ۹۰۸/۷۴ متر مربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۳۹۳ مجزی شده از پلاک ۱۹ فرعی واقع در قریه شالماء شفت سنگ اصلی ۵ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی رضا محمدزاده گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۳**
**تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸**
**نعمت ذوقی**
**رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت**
**از طرف ابوذر زرین‌پور حسن کیاده**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۹۰۸۴**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک ماسال**
**از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال**
**به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال**

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۳۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم مهربان امیرپور شالکه فرزند شامار بشماره شناسنامه ۷۳۱ صادره از ماسال در شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۲۵۰/۶۴ مترمربع پلاک فرعی ۲۴۹۹ از اصلی ۲۵ بخش ۲۶ گیلان واقع در میله سرای ماسال مفروزی از ۲ فرعی خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷**
**تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**یداله شهبازی چلمه سرا**
**سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال**
**از طرف صائمه امجدی**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۲۲۷۰ م الف: ۱۲۲۲**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک منطقه دوساری**

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۰۸۹۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۱ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه پیروز کریمی لقب فرزند جبار قلی به شماره ملی ۲۶۹۱۰۸۰۰۲۱ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی باغی به پلاک ۲۷۶۷ فرعی به مساحت ۲۱۲/۵۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱ اصلی واقع در قریه فیروزکنده بخش ۵ ثبت ساری

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**یاسر ملکی - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری**
**شناسه آگهی: ۲۲۴۸۹۹۷**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک منطقه دوساری**

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی شهرستان ساری

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۰۴۵۶۰۱۲۲۱۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه دو ساری تحت تصرفات مالکانه معصومه متمسک فرزند مرادعلی به شماره ملی ۱۷۵۴۳۲۴۱۶۹ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین زراعی باغی به پلاک ۲۲۷۷ فرعی به مساحت ۲۲۱/۶۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵ اصلی واقع در قریه قاجار خیل بخش ۵ ثبت ساری

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**یاسر ملکی**
**مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو ساری**
**شناسه آگهی: ۲۲۴۹۰۱۶**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک ماسال**
**از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال**
**به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال**

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۳۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم فرشته چرمچی فرزند علی به شماره شناسنامه ۳۶۹ صادره از ماسال در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۲۵۰ مترمربع پلاک فرعی ۲۵۰۱ از اصلی ۲۵ بخش ۲۶ گیلان واقع در میله سرای ماسال مفروزی از ۲ فرعی خریداری از مالک رسمی و... محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال**
**از طرف صائمه امجدی**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۲۳۰۱ م الف: ۱۲۲۰**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر آرای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۱۹۴ و رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۱۹۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امیر یوسفی کلوانی فرزند بهرام شماره شناسنامه ۲۴۵۱ صادره از شفت و آقای ارسلان سالاری درودخانی فرزند محمد شماره شناسنامه ۱۱۹۷ صادره از شفت مشاعاً بالسویه در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر اعیان احداثی به مساحت ۲۸۴۴/۴۱ مترمربع شماره پلاک فرعی ۳۹۳ مجزی شده از پلاک ۳۵ فرعی واقع در قریه لپوندان شهرستان شفت سنگ اصلی ۸ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی آقای علی مظلوم (زارع صاحب نسق) محرز گردیده است، لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب اصلاحی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه محلی و کثیرالانتشار آگهی می‌گردد درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی در حوزه ثبتی شفت اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت یک ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شفت**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۲۱۸۰ م الف: ۹۶۲**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک شفت**

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۳۱۵۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم سیده زهرا هاشم نیا فرزند سید حسن شماره شناسنامه ۴۸۲ صادره از رشت در ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۲۹۱/۵ مترمربع می‌باشد.

به شماره پلاک ثبتی فرعی ۸۳۰ مجزی شده از پلاک ۵ فرعی واقع در قریه گوراب لیشاوندان شفت سنگ اصلی ۶۱ بخش ۲۴ گیلان خریداری از مالکیت رسمی آقایان یوسف پورحسینی و مهدی حسین‌زاده گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت**
**از طرف ابوذر زرین‌پور حسن کیاده**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۲۷۱۶ م الف: ۹۶۴**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**حوزه ثبت ملک ماسال**
**از: اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان ماسال**
**به: اداره ارشاد اسلامی شهرستان ماسال**

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و تبصره ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۲۲۰۰۶۳۶۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ماسال تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم مهربان امیرپور شالکه فرزند شامار بشماره شناسنامه ۷۳۱ صادره از ماسال در شش‌دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر انباری به مساحت ۲۵۰/۲۴ مترمربع پلاک فرعی ۲۵۰۰ از اصلی ۲۵ بخش ۲۶ گیلان واقع در میله سرای ماسال خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**یداله شهبازی چلمه سرا - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماسال**
**از طرف صائمه امجدی**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۲۲۳۷ م الف: ۱۲۲۱**

---

نوبت دوم

**سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور**
**اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان گیلان**
**اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شفت**

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۴۱۹۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/ خانم رویا شیرزاد چناری فرزند سلیم بشماره شناسنامه ۲۵۸۰۲۷۷۷۳۰ صادره از رشت در ششدانگ یکقطعه زمین باغی به مساحت ۳۰۰ مترمربع پلاک ۱۳۸۰ فرعی از ۳۵ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۴۸ فرعی ۳۵ اصلی بخش ۲۱ گیلان واقع در قریه چماچاه خریداری از مالک رسمی آقای عباس شیرزاد چماچائی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

**تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱**
**نعمت ذوقی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک شفت**
**شناسه آگهی: ۲۲۵۱۵۸۷ م الف: ۹۶۱**

نبود چارت نیروی انسانی و حقوق پایین، حضور متخصصان در «موزه حیات‌وحش دارآباد» را با ابهام روبه‌رو کرده است

# موزه دارآباد؛ از فرسودگی تا امید به احیا

## نماینده ناظر شهرداری بر موزه دارآباد: در گذشته هیئت علمی برای موزه داشتیم که شامل گیاه‌شناس جانورشناس، زمین‌شناس و حشره‌شناس می‌شد

| پیام ما |

**مار بوآ دور گردن «الوند محمدعلی‌زادگان» است، او در تقلاست تا موهایش را خلاص کند، مار اما همین‌جور پیچ می‌خورد. بالاخره موهایش را به‌زحمت بیرون می‌کشد و سرش را بلند می‌کند. زمانی که این خزنده‌شناس بخش خزندگان «موزه حیات‌وحش دارآباد» را تحویل گرفت، همین مار بدنش پر از زخم و عفونت و مهره‌هایش شکسته بود، حالا همه آن زخم‌ها ترمیم شده است.**

**در ماه‌های گذشته موزه حیات‌وحش دارآباد از شهرداری به بخش خصوصی سپرده و با ورود گروهی از متخصصان جوان، تغییراتی در بخش‌های مختلف آن آغاز شده است. اما آیا این نیروها می‌توانند در طولانی‌مدت در این مجموعه کار کنند؟**

| فاطمه باباخانی |
| روزنامه‌نگار |

اغلب کسانی که به موزه حیات‌وحش دارآباد می‌آیند، پس از ورود به سالن اصلی پرسش اولشان از راهنمای موزه این است که تاکسیدرمی‌ها واقعی هستند یا مجسمه؟ آنها درباره شیوه تاکسیدرمی سؤال می‌کنند، اینکه با برق کار انجام می‌شود یا به شیوه دیگری. بسیاری از آنها وقتی از سالن خارج می‌شوند، تازه نگاهی به بالای سرشان می‌اندازند و ببر و موس را می‌بینند. عاج فیل‌ها هم همان وقت خروج توجهشان را جلب می‌کند.

کاریبو (گوزن شمالی در آمریکای شمالی) و گوزن مشک با آن دندان‌های خنجری، دو گونه جذاب دیگر هستند که حتماً درباره آنها سؤال می‌شود. ماهان سلمانپور، کارشناس دهه‌هشتادی حیات‌وحش، می‌خندد و می‌گوید: «همه اینها به کنار و مار پیتون به کنار. درباره این مار دو بار سؤال می‌پرسند، گاهی هم برای اینکه حس نکنند بی‌سواد جلوه می‌کنند، می‌گویند که این مار که الکی است دیگر! پاسخ ما منفی است و درباره گونه برایشان توضیح می‌دهیم.»

با انتقال مدیریت موزه به بخش خصوصی و با توصیه عبدالله سالاری، کارشناس حیات‌وحش، نیما قاسمی، محمدامین غفاری، ماهان سلمانپور و الوند محمدعلی‌زادگان جذب این مجموعه شدند. محمدعلی‌زادگان در بخش خزندگان کارش را شروع کرد. در ابتدای ورودش اوضاع فاجعه‌بار بود و هیچ سیستم تنظیم دمایی برای خزندگان وجود نداشت، کف محفظه فرش پهن کرده بودند و سال‌به‌سال کسی آنجا را تمیز نکرده بود.

این خزنده‌شناس می‌گوید: «مار بوآ که دمای زیر ۲۷ درجه را ندیده، باید در دمای ۱۲ درجه زمستان تاب می‌آورد.»

با مدیریت محمدعلی‌زادگان جایگاه خزندگان بهبود یافت و دمای محفظه نگهداری بوآ روی ۳۲ درجه ثابت ماند. او تیمار مار بوآیی را که دنده‌هایش شکسته بود، عفونت دستگاه تنفسی داشت و بدنش پر از زخم بود نیز به‌عهده گرفت و توانست وضعیت این گونه را بهبود دهد.

همان وقت که این خزنده‌شناس در حال تیمار و پیگیری وضعیت بخش خزندگان و ماهیان بود، سلمانپور سراغ بازدیدکنندگانی می‌رفت که به سالن اصلی می‌آمدند و بی‌توجه به پرندگان، از کنارشان عبور می‌کردند. «تلاش من این است که به آنها بگویم تمام این گونه‌ها در ایران زیست می‌کنند و باور غلطشان را درباره هما اصلاح کنم.»

تفکیک میان انواع گربه‌سانان، توضیح درباره انقراض و روند طبیعی این پدیده از دیگر فعالیت‌های سلمانپور در این موزه است.

در ساختمان کناری، یعنی در بخش مرتبط با گیاهان، حشرات و خزندگان هم محمدامین غفاری، حفاظ‌تگر دهه‌هفتادی، انواع گونه‌های پروانه را که برای بازدیدکنندگان جذاب است، شرح می‌دهد. «گونه‌های بزرگ‌جثه برای مخاطبان غیرتخصصی که اکثریت بازدیدکنندگان را شامل می‌شوند، جذابیت بیشتری دارند. تعداد کمی به گونه‌های گیاهی توجه می‌کنند. در مقابل، سراغ زرافه و گورخر که در این سالن هستند می‌روند. در میان حشرات هم پروانه‌ها برایشان جذاب‌ترند.»

### انتخاب اجباری محیط زیست

عمده بازدیدکنندگان موزه حیات‌وحش دارآباد افراد غیرمرتبط با حوزه حیات‌وحش هستند. قاسمی، محمدعلی‌زادگان، سلمانپور و غفاری در این چند ماه به خاطر ندارند که یک دانشجوی محیط زیست برای دیدن نمونه‌ها آمده باشد. سلمانپور و قاسمی دلیل این موضوع را به شیوه انتخاب رشته مرتبط می‌دانند؛ اینکه بسیاری از ورودی‌های رشته محیط زیست، پیش از ورود به دانشگاه و تحصیل در این رشته، اصلاً نمی‌دانستند محیط زیست چیست. مشاور و مدرسه برایشان انتخاب رشته کرده‌اند و چون رتبه‌شان برای ورود به برخی رشته‌های پزشکی و... خوب نبوده، به‌ناچار دانشجوی محیط زیست شده‌اند.

اساتید جامعه‌شناسی مانند عباس کاظمی برنامه‌های سینما و پیاده‌روی در شهر با دانشجویانشان دارند، آیا در این مدت شاهد بودید که استادی برنامه‌ای برای بازدید از موزه با دانشجویان داشته باشد؟ محمدعلی‌زادگان و سلمانپور هر دو به این پرسش پاسخ منفی می‌دهند، اما در توضیح این موضوع اختلاف نظر دارند. سلمانپور مسئله را در بی‌علاقگی دانشجویان به‌واسطه اجبار در تحصیل در این رشته می‌داند و محمدعلی‌زادگان ارتباط میان دانشجو و استاد را مسئله می‌داند که باعث شده، برخلاف علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، رابطه‌ای فراتر از کلاس درس میانشان شکل نگیرد. دلیل هرچه باشد، نتیجه‌اش این شده که دانشجویان محیط زیست نه‌تنها به موزه سر نزنند، بلکه از جمع ۲۷ نفر دوره آنها تنها ۱۴ نفر در این رشته باقی بمانند و بقیه تصمیم به خروج بگیرند.

به گفته قاسمی، گرچه جوانان اشتیاق کمتری برای بازدید از موزه دارند، اما در نوجوانان وضعیت متفاوت است. یک‌بار نوجوان ۱۲ساله‌ای به موزه آمد که تمام انواع دایناسورها و سایر گونه‌ها را می‌شناخت. «این نوجوان استثنا نیست، بارها با کودکان و نوجوانانی مواجه شده‌ام که با میل و علاقه زیاد درباره گونه‌ها سؤال می‌پرسند.»

در این سال‌ها انواع و اقسام مؤسسه‌ها دوره‌های طبیعت‌گردی را برگزار می‌کنند، اما آنها هم به‌شکل برنامه‌ریزی‌شده چنین بازدیدهایی را برای شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها ندارند. این در حالی است که به گفته سلمانپور، در موزه حیات‌وحش می‌توان یک گونه و تفاوت آن با سایر گونه‌ها را از نزدیک مشاهده کرد. غفاری هم در این‌باره می‌گوید: «ما با یک سیستم برنامه‌ریزی‌شده از سوی مؤسسه‌های آموزشی مواجه نیستیم. برخی اساتید مانند علیرضا نادری برای درس حشره‌شناسی دانشجویان را به موزه می‌آورند، اما اگر استاد این درس عوض شود، ممکن است این بازدیدها تعطیل شود.»

پرهام بیهقی، خزنده‌شناس، تنها کسی است که تورهای خود را به مقصد موزه حیات‌وحش دارآباد تعریف می‌کند. آن روز هم که در موزه بودیم، او را دیدیم که در حال معرفی موزه و گونه‌ها به جمعی از کودکان بود. بچه‌ها هیجان‌زده از دیدن حیات‌وحش، از او سؤال می‌پرسیدند. بیهقی هم معتقد است از وقتی تیم جدید کارشناسان به موزه پیوسته‌اند، شرایط بهبود پیدا کرده، حیوانات نه‌تنها مریض نمی‌شوند، بلکه آنها که دچار بیماری هستند نیز درمان شده‌اند. تابلوها و جایگاه‌های نگهداری و نظارت بر غذادهی خزندگان هم بهتر شده است. «قبلاً تابلوها اشتباه بود. مثلاً به‌جای افعی گرزه نوشته بودند افعی گل‌گز.»

### حقوق پایه کافی نیست

آیا این شرایط ادامه پیدا می‌کند؟ نگاهی به وضعیت حقوق و درآمد این کارشناسان نشان می‌دهد نمی‌توان چندان هم به حضور آنها امیدوار بود. حقوقی که این کارشناسان دریافت می‌کنند، همان حقوق وزارت کار است، در عین حال بیمه‌ای هم که برای آنها رد می‌شود کامل نیست و تنها یک هفته از ماه را شامل می‌شود. با توجه به موقعیت مکانی موزه، عملاً این رقم صرف رفت‌وآمد و... می‌شود. همین موضوع آینده چنین فضایی را مبهم می‌کند. امیرحسین چیذری، ناظر انتخاب‌شده شهرداری بر فعالیت بخش خصوصی در این موزه، در این‌باره با اشاره به اینکه مسئله حقوق از حدود اختیارات شهرداری خارج است، می‌گوید: «برای موزه مهم است که نیروها ماندگار باشند. کسی که سال‌ها در موزه خدمت کرده، از تاریخچه مطلع است. ساعت ورود مخاطبان و علایق آنها را می‌داند. ولی من به‌عنوان ناظر شهرداری نمی‌توانم اجباری درباره حقوق و مزایا به بخش خصوصی داشته باشم و در این زمینه تصمیم‌گیر نیستم.»

راه‌حل از نظر محمدعلی‌زادگان، پیوستن موزه به نهادهای بین‌المللی است. در گذشته موزه عضو ایکوم بود و از کمک‌های بین‌المللی صندوق کمک‌های کوچک سازمان ملل بهره می‌گرفت. به گفته او، می‌توان از انجمن باغ‌وحش‌ها و آکواریوم‌های اروپا (EAZA) مشاوره‌هایی نظیر استانداردسازی مرکز، آموزش کارکنان، طراحی محوطه و نگهداری، ارتباط با متخصصان و مراکز اروپایی و برنامه‌های حفاظت و تکثیر گونه‌ها گرفت. «همه اینها مستلزم رعایت مجموعه‌ای از ضوابط و استانداردها، نظیر چارت نیروی انسانی مشخص است.»

چارت نیروی انسانی چالشی است که در موزه وجود دارد. چیذری هم این موضوع را می‌پذیرد. «در حال حاضر چنین چارتی وجود ندارد و چیده نشده است. بهترین کار این است که هیئت علمی قوی برای موزه داشته باشیم تا چارت طراحی و مسیر درست ترسیم شود. کمااینکه در گذشته هیئت علمی برای موزه داشتیم که شامل گیاه‌شناس، جانورشناس، زمین‌شناس، حشره‌شناس و... می‌شد.»

او برای درآمدزایی موزه هم پیشنهادهایی دارد. این پیشنهادها شامل برگزاری جشنواره‌ها، بازارچه‌ها و مواردی از این قبیل می‌شود که در موزه‌های دیگر نظیر سعدآباد امتحان شده و توانسته منابع مالی برایشان به همراه داشته باشد.

راهکار غفاری برای درآمدزایی بیشتر موزه و حفظ نیروی متخصص، اختصاص بخشی از درصد فروش بلیت به مسئولان سالن‌های موزه است. «در حال حاضر، چه یک نفر و چه هزار نفر مراجعه‌کننده داشته باشیم، حقوق یکسانی می‌گیریم. اما اگر بدانیم که به‌ازای هر مخاطب درآمدمان افزایش پیدا می‌کند، در صفحات شخصی‌مان در شبکه‌های اجتماعی موزه را تبلیغ می‌کنیم و به شیوه‌ای توضیحات را ارائه می‌دهیم تا بازدیدکنندگان، دیگران را به آمدن به موزه تشویق کنند. این راه‌حل در واقع هم به نفع بخش خصوصی است و هم به نفع مسئولان موزه.»

اگر این راهکارها جواب بدهد و چارت برای آن طراحی و اجرا شود و موزه هم به‌اندازه تم‌پارک و بقیه اهمیت داشته باشد، هم فضایی برای اشتغال دانش‌آموختگان محیط زیست و تنوع زیستی به وجود می‌آید و هم درخواست چاپ یک لیبل چند ماه طول نمی‌کشد. به‌علاوه، امکان سرقت از اموال موزه با دوربین‌گذاری از بین می‌رود و اتفاقی که چند سال قبل درباره گربه پالاس افتاد که معلوم نیست تاکسیدرمی گورخر سال‌ها قبل آسیب ببیند نیز تعمیر خواهد شد. تنوع پروانه‌ها هم بیشتر می‌شود. این کارشناسان هم در موزه می‌مانند و جای آنها را کسانی نمی‌گیرند که نه تنوع زیستی ایران را می‌شناسند و نه فسیل‌هایش را. مار بوآ حالا سالم است و دیگر خبری از زخم‌های روی بدنش نیست. اما ماندن قاسمی، محمدعلی‌زادگان، سلمانپور و غفاری در موزه همچنان در ابهام قرار دارد.

**نماینده ناظر شهرداری بر موزه حیات‌وحش دارآباد: برای موزه مهم است که نیروها ماندگار باشند. کسی که سال‌ها در موزه خدمت کرده از تاریخچه مطلع است ساعت ورود مخاطبان و علایق آنها را می‌داند ولی من به‌عنوان ناظر شهرداری نمی‌توانم اجباری درباره حقوق و مزایا به بخش خصوصی داشته باشم و در این زمینه تصمیم‌گیر نیستم**

**محمدامین غفاری: ما با یک سیستم برنامه‌ریزی‌شده از سوی مؤسسه‌های آموزشی مواجه نیستیم برخی اساتید مانند «علیرضا نادری» برای درس حشره‌شناسی دانشجویان را به موزه می‌آورند، اما اگر استاد این درس عوض شود ممکن است این بازدیدها تعطیل شود**

| یادداشت |

نقدی بر انتقال مفهوم جنگل‌شناسی نزدیک به طبیعت به جنگل‌های هیرکانی

# بومی‌سازی یا دگرگون‌سازی علم؟

| مظفر شیروانی |
| مشاور بین‌المللی جنگل و محیط زیست |

یکی از ویژگی‌های قابل تأمل در فرایند انتقال علم و فناوری از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه، پدیده‌ای است که می‌توان آن را «بومی‌سازی» نامید. بومی‌سازی در ذات خود پدیده‌ای منفی نیست؛ زیرا هیچ دانش یا فناوری را نمی‌توان بدون توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی جامعه مقصد، عیناً از کشوری به کشور دیگر منتقل کرد. مسئله از جایی آغاز می‌شود که در جریان این انتقال، نه‌تنها روش اجرا، بلکه اصول و فلسفه‌ای که دانش بر پایه آن شکل گرفته است نیز تغییر کند؛ به‌گونه‌ای که محصول نهایی تنها نامی مشابه دانش اولیه داشته باشد، اما از نظر محتوا و هدف، با آن تفاوت اساسی پیدا کند.

این وضعیت را می‌توان در بسیاری از حوزه‌های فناوری و علوم مشاهده کرد. جامعه‌ای که در تولید و تکامل یک فناوری نقش اصلی نداشته است، معمولاً ابتدا با محصول نهایی مواجه می‌شود و سپس می‌کوشد آن را با شرایط خود سازگار کند. اگر این فرایند بدون شناخت کافی از اصول علمی، محدودیت‌ها و پیش‌شرط‌های فناوری انجام شود، ممکن است بخشی از اجزای پیچیده و تعیین‌کننده آن در مسیر انتقال حذف شود. در نتیجه، آنچه به‌عنوان «نسخه بومی» عرضه می‌شود، ممکن است در واقع نسخه‌ای ساده‌شده و دگرگون‌شده از دانش اولیه باشد. این مسئله تنها به فناوری‌های صنعتی محدود نیست و در علوم نظری و کاربردی نیز می‌تواند اتفاق بیفتد. یکی از نمونه‌های قابل بررسی، انتقال مفاهیم جدید جنگل‌داری اروپایی به ایران و به‌ویژه کاربرد مفهوم جنگل‌داری نزدیک به طبیعت (Naturgemäße Waldwirtschaft) در جنگل‌های هیرکانی است.

### جنگل؛ سامانه‌ای پویا، نه مجموعه‌ای از درختان

یکی از تفاوت‌های بنیادی میان جنگل‌داری کلاسیک و رویکردهای نزدیک به طبیعت، نحوه نگاه به جنگل است. در رویکرد نزدیک به طبیعت، جنگل اکوسیستمی پیچیده، پویا و چندلایه تلقی می‌شود که در آن فرایندهای طبیعی مانند رقابت، مرگ و زادآوری، تجدید نسل، جانشینی گونه‌ها، تجزیه مواد آلی و تعامل میان اجزای زنده و غیرزنده، به‌طور مداوم جریان دارند. در ادبیات جنگل‌داری نزدیک به طبیعت اروپای مرکزی، جنگل نه توده‌ای ایستا، بلکه اکوسیستمی دائمی و چندشکل در نظر گرفته می‌شود. هدف آن است که بخشی از فرایندهایی که طبیعت به‌صورت خودکار انجام می‌دهد، در خدمت مدیریت جنگل قرار گیرد و در عین حال، ساختار، پایداری و کارکردهای اکولوژیک جنگل حفظ شود.

بنابراین، «نزدیک به طبیعت» به معنای «عدم دخالت انسان» نیست. اتفاقاً یکی از ویژگی‌های مهم این رویکرد، دخالت انسانی هدفمند و محدود است؛ دخالتی که می‌کوشد به‌جای مقابله با فرایندهای طبیعی، از آنها استفاده کند.

این تمایز بسیار مهم است؛ زیرا اگر «کار کردن با طبیعت» به «رها کردن طبیعت» ترجمه شود، فلسفه مدیریت نزدیک به طبیعت از اساس تغییر می‌کند.

جنگل‌داری نزدیک به طبیعت؛ بیش از یک شیوه جنگل‌شناسی اصطلاح جنگل‌داری نزدیک به طبیعت در اروپا را نمی‌توان صرفاً معادل «جنگل‌شناسی همگام با طبیعت» یا «نزدیک به طبیعت» مورد نظر ایرانیان دانست، مگر آنکه مجموعه اصول و اهداف آن نیز همراه با اصطلاح منتقل شود.

در سنت جنگل‌داری اروپا، رویکرد جنگل‌داری نزدیک به طبیعت بر ایجاد جنگل‌های پایدار، مختلط، ناهمسال و ساختاریافته تأکید دارد و در عین حال، اهداف اقتصادی، اکولوژیک و اجتماعی را در یک نظام مدیریتی واحد دنبال می‌کند. انجمن آلمانی جنگل‌داری نزدیک به طبیعت (ANW) نیز در اصول رسمی خود تصریح می‌کند که در همان عرصه‌ای که زیستگاه طبیعی حفظ و توسعه می‌یابد، تولید و برداشت پایدار چوب نیز می‌تواند انجام شود.

این نکته در ادبیات کلاسیک این رویکرد نیز آشکار است. در بررسی تجربه جنگل‌داری نزدیک به طبیعت در اروپای مرکزی، تبدیل تدریجی جنگل‌های همسال به جنگل‌های ساختاریافته، جایگزینی قطع وسیع با برداشت و پرورش تک‌درختی، استفاده از زادآوری طبیعی، حفظ پوشش جنگلی، تبدیل توده‌های خالص به توده‌های آمیخته و تولید درختان قطور، به‌ویژه پهن‌برگان با کیفیت، از جمله اصول مطرح‌شده‌اند.

از این منظر، اقتصاد و اکولوژی دو مفهوم متضاد نیستند. هدف آن است که با استفاده بیشتر از فرایندهای طبیعی، هزینه‌های ایجاد و پرورش جنگل کاهش یابد و در عین حال، تولید مستمر چوب و سایر خدمات جنگل امکان‌پذیر باشد. بنابراین، حذف بعد اقتصادی از این مفهوم می‌تواند به برداشت ناقصی از ماهیت آن منجر شود.

### اقتصاد؛ بخش فرعی یا یکی از ارکان فلسفه؟

در برداشت‌های جدید از جنگل‌داری نزدیک به طبیعت، گاهی چنین تصور می‌شود که هرگونه برداشت چوب با فلسفه «همگام با طبیعت» در تضاد است. این برداشت با بخش مهمی از سنت اروپایی این رویکرد سازگار نیست.

در اسناد رسمی امروزی PRO SILVA، اهداف اقتصادی صراحتاً در کنار اهداف اکولوژیک قرار گرفته‌اند. حتی تأکید شده است که تولید و برداشت ماده خام تجدیدشونده، یعنی چوب، می‌تواند در همان عرصه‌ای انجام شود که ویژگی‌های طبیعی و زیستگاهی جنگل حفظ یا توسعه می‌یابد. همچنین در مطالعات مربوط به جنگل‌داری نزدیک به طبیعت در اروپای مرکزی، کاهش هزینه‌های جنگل‌کاری و پرورش از طریق استفاده بیشتر از زادآوری طبیعی و فرایندهای خودتنظیمی جنگل، یکی از مزایای اقتصادی این شیوه دانسته شده است. تولید درختان قطور و باارزش نیز در برخی تجربیات اروپایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد واحد جنگل‌داری داشته است.

ازاین‌رو، اگر در فرایند انتقال این دانش، «تولید پایدار و برداشت چوب» از نظام فکری آن حذف شود و تنها حفاظت، عدم دخالت یا رهاسازی جنگل باقی بماند، دیگر نمی‌توان با اطمینان از انتقال کامل همان نظام جنگل‌داری سخن گفت.

### ترجمه؛ وقتی واژه جای مفهوم را می‌گیرد

یکی از مسائل مهم در انتقال دانش، ترجمه اصطلاحات تخصصی است. ترجمه علمی زمانی موفق است که تنها واژه منتقل نشود، بلکه مفهوم، زمینه تاریخی، هدف و حدود کاربرد آن نیز انتقال یابد. در مورد Naturgemäße Waldwirtschaft نیز ترجمه یک اصطلاح آلمانی به «جنگل‌شناسی نزدیک به طبیعت» یا هر اصطلاح دیگری، به‌خودی‌خود مشکلی ندارد؛ مشروط بر آنکه محتوای علمی اصطلاح حفظ شود. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که ترجمه جدید به‌تدریج به‌عنوان مفهومی مستقل تعریف شود و ارتباط آن با نظام فکری و اقتصادی مبدأ قطع شود.

به عبارت دیگر، مسئله اصلی نه صرفاً حذف یک کلمه از ترجمه، بلکه حذف بخشی از «معنای عملی» آن است.

اگر «نزدیک به طبیعت» به این معنا تفسیر شود که انسان باید تا حد امکان از جنگل کنار برود، درحالی‌که در مفهوم اصلی، هدف استفاده هوشمندانه از فرایندهای طبیعی برای دستیابی هم‌زمان به پایداری اکولوژیک و اقتصادی است، در آن صورت یک جابه‌جایی مفهومی اتفاق افتاده است.

### انتقال یک روش به محیطی با شرایط متفاوت

مسئله اساسی‌تر از ترجمه، انتقال یک نظام جنگل‌داری از یک زمینه اکولوژیک و اقتصادی به زمینه‌ای کاملاً متفاوت است.

**ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.**

**«نزدیک به طبیعت» به معنای «عدم دخالت انسان» نیست اتفاقاً یکی از ویژگی‌های مهم این رویکرد دخالت انسانی هدفمند و محدود است دخالتی که می‌کوشد به‌جای مقابله با فرایندهای طبیعی از آنها استفاده کند**

نوبت دوم

## فراخوان ارزیابی کیفی

جهت برگزاری مناقصه عمومی شماره ۱۶۵/ج م /۱۴۰۵

مربوط به خرید ۸ قلم انواع شیرآلات سایز ۱ الی ۹ اینچ - درخواست شماره ۰۴۰۱۳۸۹

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران
«سهامی خاص»

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه خرید ۸ قلم انواع شیرآلات سایز ۱ الی ۹ اینچ به شماره (۲۰۰۵۰۹۲۶۶۰۰۰۰۳۱۹) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ الی ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ می‌باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می‌باشد.

شرکت‌ها و موسسات دانش‌بنیان در مناقصات و عرضه کالاهای دانش‌بنیان ساخت داخل دستگاه‌های اجرایی حائز اولویت می‌باشند.

مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۵/۰۷/۳۱
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۵/۰۷/۱۴
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار: آدرس: گچساران - فلکه الله - شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران - تلفن: ۳۲۲۲۴۴۱۲ - ۳۱۹۲۱۸۲۶ - ۰۷۴
مرکز تماس سامانه ستاد: ۴۱۹۳۴-۰۲۱
دفتر ثبت نام سامانه ستاد: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ — شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران

شناسه آگهی: ۲۲۶۲۹۹۴

## "آگهی مزایده عمومی شهرداری ازنا (نوبت دوم)"

شهرداری ازنا در نظر دارد از طریق برگزاری مزایده در مورد پروژه ذیل اقدام نماید لذا از کلیهٔ متقاضیان دعوت بعمل می‌آید حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز کاری پس از انتشار این آگهی به آدرس www.setadiran.ir سامانه ستاد مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت نموده و پس از تکمیل آن و قبل از انقضای مهلت قانونی مندرج در اسناد مزایده در پاکت مهر و موم شده (سپرده) به دبیرخانه شهرداری تحویل نمایند.

۱- مزایده فروش ۲۸ واحد از ساختمانهای پاسارگاد
شرایط و مدارک لازم:
۱- دادن برگه پیشنهاد قیمت بهمراه سپرده نقدی یا ضمانتنامه معتبر بانکی بنام شهرداری ازنا که نباید از ۵٪ مبلغ کل برآورد اولیه کمتر باشد. شماره حساب ۰۱۰۶۷۷۱۳۳۷۰۰۶ نزد بانک ملی ازنا
۲- سپرده برندگان اول ودوم در صورت انصراف به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.
۳- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پشنهادات مختار می‌باشد.
۴- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در سامانه ستاد موجود می‌باشد.
۵- پرداخت کلیه هزینه‌های قانونی و غیره ... بعهده برنده میباشد
۶-زمان اولین انتشار آگهی: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴
۷- مهلت دریافت اسناد: ۱۴۰۵/۰۶/۱۲
۸-مهلت ارسال پاکت های پیشنهادی: ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
۹-زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴
۱۰-زمان اعتبار پیشنهاد: ۱۴۰۵/۰۷/۲۴
تلفن تماس شهرداری ازنا ۰۶۶۴۳۴۲۰۵۷۱

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ — منوچهر حسنی گرپی -شهردار ازنا

نوبت اول

## سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
## اداره کل ثبت اسناد و املاک مرکزی
## اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت تفرش

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۳۰ اسامی اشخاص حقیقی و حقوقی و افرادیکه نسبت به مورد تقاضای آنان رای مبنی بر صدور سند رسمی صادر شده است برای اطلاع عمومی آگهی درصورتی‌که اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند و ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نموده و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد و در صورت عدم اعتراض و عدم گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت نموده و صدور سند مالکیت نیز مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمی‌باشد.
رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۲۰۰۵۶۴۹ - ۱۴۰۵/۶/۳ آقای علی آبائی فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی محصور به مساحت ۴۰۴/۶۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۱۲۴۴ اصلی واقع در مرکزی بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک تفرش

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱
تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۸
رئیس ثبت تفرش - معزی نیا
شناسه آگهی: ۲۲۶۷۹۴۹

دریافتی

### فعالان میراث فرهنگی درباره ادامه خاک‌برداری در دولتخانه قزوین هشدار می‌دهند

# دولتخانه صفوی زیر تیغ توسعه گراند هتل

**ساخت‌وساز در عرصه و حریم دولتخانه صفوی قزوین ادامه دارد؛ محوطه‌ای که به باور کارشناسان و فعالان میراث فرهنگی، هرگونه خاک‌برداری و دخل‌وتصرف در آن می‌تواند به لایه‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناختی آسیب بزند. این نگرانی زمانی جدی‌تر می‌شود که دولتخانه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های تاریخی کشور، از ظرفیت ثبت جهانی نیز برخوردار است.**

| صبا رضایی |
| روزنامه‌نگار |

دولتخانه صفوی، یادگار دوره‌ای است که قزوین پایتخت ایران بود و مجموعه‌ای از بناها و باغ‌های تاریخی، از جمله سردر عالی‌قاپو و کاخ چهل‌ستون، را در خود جای داده است. بااین‌حال، طرح توسعه گراند هتل و آنچه فعالان میراث فرهنگی واگذاری بخشی از عرصه دولتخانه با عنوان «گاراژ اقتصاد» می‌خوانند، بار دیگر موضوع حفاظت از این محوطه را به یکی از بحث‌های جدی میراث فرهنگی تبدیل کرده است. حدود دقیق این بخش، عنوان رسمی ملک و چگونگی واگذاری آن از جمله موضوعاتی است که به گفته منتقدان باید با اسناد ثبتی و قرارداد مربوط روشن شود.

عملیات اجرایی توسعه گراند هتل در شرایطی ادامه دارد که درباره نحوه واگذاری عرصه، مجوزهای صادرشده و پیامدهای احتمالی خاک‌برداری و ساخت‌وساز، پرسش‌هایی مطرح شده است. کنشگران میراث فرهنگی، با استناد به برداشت خود از هدف آزادسازی دولتخانه و مصوبه سال ۱۳۸۲، این اقدام را با آن مصوبه ناسازگار می‌دانند و معتقدند عرصه و حریم چنین مجموعه‌ای نباید محل ساخت‌وساز باشد. بااین‌حال، داوری قطعی درباره این ناسازگاری به بررسی متن مصوبه، محدوده اجرای آن و مجوزهای بعدی نیاز دارد. در مقابل، متولیان میراث فرهنگی تأکید دارند که پروژه در چارچوب ضوابط و مصوبات فنی اجرا می‌شود.

**مهدی مجابی باستان‌شناس: اگر این اقدامات بدون مجوز لازم یا خارج از ضوابط مصوب عرصه و حریم انجام شده باشد با الزامات حفاظتی محوطه‌های تاریخی سازگار نیست**

**علیرضا ایزدی مدیرکل ثبت آثار وزارت میراث فرهنگی: اگر قرار بود خاک‌برداری انجام شود، بهتر بود ناظر میراث فرهنگی در محل حضور داشته باشد تا روند کار را کنترل کند**

### چه کسی مجوز ساخت‌وساز را صادر کرد؟

پیش‌تر در برخی روایت‌ها گفته شده بود که مجوز ساخت‌وساز و مرمت گراند هتل در دوره ریاست علی‌اصغر مونسان و از سوی محمدحسن طالبیان، معاون سابق میراث فرهنگی کشور، صادر شده است؛ ادعایی که طالبیان آن را به‌طور کامل رد می‌کند. در اسناد ارائه‌شده به این گزارش نیز مدرکی که صدور مجوز از سوی طالبیان را اثبات کند، وجود ندارد و روشن‌شدن مرجع صادرکننده مجوز به انتشار اصل نامه‌ها و صورت‌جلسه‌های مربوط نیاز دارد.

### خاک‌برداری و ورود ماشین‌آلات سنگین

«مهدی مجابی»، عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه و مستندساز ایران، درباره وضعیت ساخت‌وساز در عرصه دولتخانه قزوین و توسعه گراند هتل به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «براساس عکس‌ها و اطلاعات پراکنده منتشرشده، در این محدوده خاک‌برداری انجام شده و حتی ماشین‌آلات سنگین نیز وارد محوطه شده‌اند. براساس گزارش‌ها، عکس‌ها و اطلاعاتی که افراد مختلف منتشر کرده‌اند، ممکن است عملیات مربوط به اجرای فونداسیون نیز در حال انجام باشد یا حتی از این مرحله فراتر رفته باشد.»

این باستان‌شناس می‌گوید درصورتی‌که این اقدامات بدون مجوز لازم یا خارج از ضوابط مصوب عرصه و حریم انجام شده باشد، با الزامات حفاظتی محوطه‌های تاریخی سازگار نیست. به اعتقاد او، مسئولان باید مجوزها، نقشه‌ها، محدوده عملیات و شیوه اجرای آن را بررسی کنند و پس از روشن‌شدن وضعیت، اقدام لازم را انجام دهند.

مجابی درباره ارزش تاریخی این محدوده می‌گوید: «این اثر از نظر تاریخی بسیار باارزش است و باید از آن حفاظت شود؛ چنان‌که تاکنون نیز چنین بوده است. موضوعی که اکنون مطرح است، به خاک‌برداری و ساخت‌وساز برای توسعه جدید گراند هتل و بزرگ‌تر کردن هتل مربوط می‌شود. اصل موضوع این است که اگر تعمیرات ضروری باشد، باید انجام شود؛ اما تعمیرات نیز بحث جداگانه‌ای دارد، نیازمند طرح مصوب است و باید مراحل قانونی خود را طی کند.»

او ادامه می‌دهد: «این محدوده از نظر تاریخی اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا قزوین در دوره صفویه پایتخت بوده است. آنچه امروز به نام دولتخانه می‌شناسیم، بخشی از شهر شاهی دوره صفویه بوده و آثار و بناهای متعددی در اینجا وجود داشته است. حدود ۱۷ بنای تاریخی در این مجموعه وجود داشته و در هر یک از باغ‌های تاریخی نیز چندین عمارت باارزش قرار داشته است.»

این عضو بازنشسته هیئت علمی دانشگاه می‌گوید: «در دوره صفویه، شهر بزرگی در این محدوده وجود داشته که از آن با عنوان جعفرآباد نیز یاد شده است. بخشی از این محدوده در سال‌های اخیر به‌صورت مختصر بررسی شده، اما بررسی آن کامل نبوده است و باید این کار انجام شود.»

### دولتخانه متعلق به دوره صفویه است

مجابی در پاسخ به پرسشی درباره اهمیت تاریخی این محدوده می‌گوید: «دولتخانه متعلق به دوره صفویه است و پس از آن نیز بناهای مختلفی در این محدوده احداث شده است. پس از انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان، همچنان آثار مربوط به دوره نخست صفوی در این محدوده باقی ماند و باید بناها، آثار و اشیای بیشتری از آن دوره را در همین محدوده جست‌وجو کرد.»

او می‌افزاید: «گراند هتل تقریباً آخرین بنای باارزشی است که در این محوطه ساخته شده و به دوره قاجار مربوط می‌شود. احداث آن نیز با تغییراتی که در بافت تاریخی شهر ایجاد شده، ارتباط دارد. بااین‌همه، توسعه گراند هتل به‌عنوان یک فعالیت هتلی نباید با حفاظت از این محدوده تاریخی مغایرت داشته باشد.»

او ادامه می‌دهد: «در چنین پروژه‌ای باید یک طرح جامع وجود داشته باشد. این طرح جامع است که سرنوشت پروژه‌های دیگر را روشن می‌کند. باید مشخص شود که آیا چنین طرحی اساساً وجود دارد یا نه و اگر وجود ندارد، چه کسی و در چه زمانی باید آن را تهیه کند. این مسئله از نظر شهرسازی، معماری و حفاظت از آثار تاریخی اهمیت زیادی دارد.»

این باستان‌شناس درباره آسیب‌های احتمالی این پروژه می‌گوید: «باید مشخص شود این پروژه دقیقاً چه آسیبی وارد می‌کند. ممکن است لایه‌ها و اشیایی از بین بروند و اطلاعات مربوط به نقشه‌ها و شکل‌های مختلف نیز از دست برود. به‌ویژه لایه‌هایی که به‌صورت منظم و تاریخی در این محدوده شکل گرفته‌اند و مبنای مطالعات هستند، اهمیت زیادی دارند.»

او درباره کاوش‌های انجام‌شده در این محدوده می‌گوید: «در سال‌هایی که کاوش‌هایی انجام شد، من نیز در جریان بودم و از نزدیک مشاهده کردم که لایه‌های تاریخی این محدوده بسیار غنی است. این محوطه باید در سال‌های مختلف و دوره‌های متعدد مطالعه شود. بررسی‌هایی که تا امروز انجام شده، چه بررسی‌های اولیه و چه مطالعات بعدی، کفایت نمی‌کند. این محوطه حداقل حدود ۱۳ هکتار وسعت دارد و شاید محدوده تاریخی آن به ۱۵ یا ۱۶ هکتار نیز برسد. این محدوده باید از نظر تاریخی به‌طور کامل بررسی شود.»

### ظرفیت ثبت جهانی دولتخانه

مجابی درباره ظرفیت ثبت جهانی این محدوده می‌گوید: «این محوطه با این میزان اهمیت، ظرفیت ثبت جهانی دارد و باید برای این موضوع اقدام شود. البته این موضوع در دست بررسی است و قرار نیست فقط همین محدوده در نظر گرفته شود.»

او می‌افزاید: «برنامه و طرح مورد بررسی، این محدوده، خیابان جعفرآباد، باغ جعفرآباد و خیابانی را شامل می‌شود که امروز به نام خیابان شهدا شناخته می‌شود. مسجد جامع و بازار نیز از دیگر عناصر این مجموعه هستند. این عناصر در کنار یکدیگر می‌توانند در قالب یک طرح جامع مورد توجه قرار گیرند و ظرفیت ثبت جهانی داشته باشند.»

### نگرانی از تداوم تخریب در دولتخانه قزوین

«سمیه مراقی»، کارشناس مرمت و میراث فرهنگی، درباره وضعیت ساخت‌وساز در عرصه گراند هتل قزوین به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید عملیات در عرصه دولتخانه با عنوان توسعه و مرمت گراند هتل صورت گرفته است. به ارزیابی او، احتمال دارد بخشی از اطلاعات تاریخی دولتخانه در جریان این عملیات از بین رفته باشد. مراقی می‌گوید تصاویر و بازدیدهای انجام‌شده از محل، پرسش‌های جدی درباره انطباق عملیات با ضوابط مصوب ایجاد کرده است. تشخیص قطعی تخلف و میزان آسیب به بررسی مجوزها، گزارش ناظر و ارزیابی رسمی باستان‌شناسی نیاز دارد؛ اما از نظر او، نگرانی درباره ادامه روند همچنان جدی و پابرجاست.

او می‌افزاید: «نگرانی ما از ادامه این روند جدی است. با توجه به طرح‌های ارائه‌شده و شواهد و اسناد موجود، به نظر می‌رسد موضوع فقط به طرح توسعه هتل در عرصه محدود نمی‌شود و مسیری وجود دارد که ظاهراً قرار است این روند در بخش‌های دیگری نیز ادامه پیدا کند.»

او با اشاره به سابقه طرح ملی آزادسازی دولتخانه می‌گوید: «دولتخانه سال‌ها پیش، از دهه ۸۰، یک طرح ملی آزادسازی داشت و این طرح تا حدودی نیز اجرا شد. به‌خاطر اجرای این طرح می‌توان گفت تاریخ قزوین تاوان داده و بخشی از حافظه تاریخی خود را از دست داده است.»

به گفته مراقی، تخریب ساختمان هلال‌احمر و مدارسی مانند مدرسه محمد قزوینی و علامه دهخدا، بخشی از این روند بوده است. او می‌افزاید: «تعداد زیادی از اهالی شهر در این مدارس تحصیل کرده بودند و این بناها بخشی از حافظه تاریخی قزوین بودند. ما به‌نوعی بخشی از حافظه تاریخی شهر را فدا کردیم تا دولتخانه را آزادسازی کنیم.»

او می‌گوید در یکی دو سال گذشته، بناها و ارزش‌هایی برای اجرای طرح آزادسازی کنار رفتند، اما در نهایت بخشی از محدوده در اختیار سرمایه‌گذار قرار گرفت تا در آن عملیات توسعه انجام شود. همین تغییر مسیر برای منتقدان پرسش برانگیز است. به اعتقاد مراقی، اسناد مزایده، قرارداد واگذاری، حدود ملک و تعهدات سرمایه‌گذار باید منتشر شود تا معلوم شود این تصمیم دقیقاً بر چه مبنایی گرفته شده است. او معتقد است اگر قرار بود این بناها برای اقامت یا کاربری‌های دیگری استفاده شوند، امکان حفظ و بهره‌برداری از آنها وجود داشت و نیازی نبود بخشی از حافظه معاصر شهر از میان برود.

### چرا یک بنا را تخریب و عرصه را به دیگران واگذار کنیم؟

مراقی با اشاره به مدرسه پاسداران می‌گوید: «اکنون می‌توان مدرسه پاسداران را حفظ کرد و از آن بهره برد. سؤال این است که چرا باید یک بنا را تخریب کنیم و بعد عرصه را به افراد دیگری واگذار کنیم؟ این یک تضاد است.»

او می‌افزاید: «اگر جبهه شرقی و غربی دولتخانه را با یکدیگر مقایسه کنیم، یک تضاد رفتاری وجود دارد. در یک بخش، مدرسه پاسداران را داریم که هرچند بنای جدیدی است، اما بخشی از حافظه تاریخی شهر محسوب می‌شود و نمی‌توانیم به‌راحتی درباره آن تصمیم بگیریم. اگر دیدگاه‌هایی که امروز داریم، چند سال پیش وجود داشت، اجازه نمی‌دادیم آن مدارس تخریب شوند. آن مدارس بخشی از معماری معاصر کشور بودند و حتی ساختمان هلال‌احمر نیز به‌راحتی قابلیت ثبت در فهرست آثار ملی را داشت. بااین‌حال، این بناها را تخریب کردیم و اکنون در ضلع شرقی نیز تخریب انجام می‌دهیم و در ضلع غربی واگذاری صورت می‌گیرد.»

### پیامد دخل‌وتصرف‌ها

مراقی درباره پیامدهای این دخل‌وتصرف‌ها می‌گوید علاوه بر تغییراتی که در عرصه ایجاد شده و منتقدان حدود و مجوز آن را محل پرسش می‌دانند، مشکلات زیادی ممکن است در ادامه پدید آید؛ مشکلاتی که برای پاسخ به آنها احتمال دارد تخریب‌های بیشتری در بافت انجام شود. به گفته او، وقتی در قسمت غربی برای ورود گردشگر برنامه‌ریزی می‌شود، موضوع پارکینگ و مسائل دیگری نیز مطرح می‌شود. چنین پروژه‌هایی به مطالعات و پیوست‌های اجتماعی نیاز دارند، اما آنچه تاکنون از روند طرح دیده شده، برای اطمینان از انجام کامل این مطالعات کافی نیست. انتشار عمومی این پیوست‌ها می‌تواند بخشی از ابهام موجود را برطرف کند.

### لایه‌های قاجاری و صفوی

مراقی با اشاره به شواهد باستان‌شناسی موجود در این محدوده می‌گوید: «نتایج کاوش‌هایی که در مقاطع مختلف انجام شده‌اند، منتشر شده است. این محدوده دارای لایه‌های قاجاری و صفوی است. برای اثبات این امر می‌توان به مقاله آقای امان‌اللهی نیز رجوع کرد که در این محور کار کرده و مطالعات خود را منتشر کرده است.»

او ادامه می‌دهد: «در دوره‌های مختلف، افراد متعددی در دولتخانه کاوش کرده‌اند و نتایج این کاوش‌ها وجود دارد. علاوه بر این، در خود سازمان میراث فرهنگی و اداره‌کل میراث فرهنگی نیز اسناد و نتایج کاوش‌ها موجود است. بنابراین، اطلاعات و مستندات مربوط به این محدوده وجود دارد.»

### مطالعه در قالب طرح ملی آزادسازی دولتخانه

مراقی می‌گوید: «قرار بود در قالب طرح ملی آزادسازی دولتخانه، این محدوده را مطالعه کنیم. دولتخانه ظرفیت بسیار زیادی برای مطالعه و بازخوانی دارد و هنوز اطلاعات کافی درباره این محوطه نداریم. اینکه بدون شناخت کافی دست به چنین تخریب‌هایی بزنیم، با لودر وارد شویم و خاک‌برداری و گودبرداری کنیم، بسیار نکوهیده است.»

او تأکید می‌کند شواهد موجود از نظر کارشناسی برای طرح این نگرانی جدی کافی است که شاید بخشی از عملیات با ضوابط حفاظتی و الزامات عرصه و حریم سازگار نباشد. تشخیص حقوقی نهایی بر عهده مرجع صالح است، اما به اعتقاد مراقی، وزارت میراث فرهنگی باید پیش از ادامه کار، مجوزها و نحوه اجرای عملیات را بررسی کند و اگر تخلفی احراز شد، از ادامه همان بخش ممانعت کند.

این کارشناس میراث فرهنگی درباره نقش سرمایه‌گذار می‌گوید در سال‌های گذشته و در بسیاری از نقاط، این نگرانی شکل گرفته است که با ورود سرمایه‌گذار، برخی نهادها برای نگه‌داشتن او با خواسته‌هایی همراه شوند که ممکن است از ظرفیت یا ضوابط اولیه طرح فراتر برود. به اعتقاد او، درباره دولتخانه قزوین نیز باید روشن شود آیا همه درخواست‌های سرمایه‌گذار در محدوده قرارداد و ضوابط مصوب بوده است یا نه؛ به‌خصوص اگر سرمایه‌گذار تجربه و شناخت کافی از حساسیت‌های میراث فرهنگی نداشته باشد.

او می‌افزاید اگر برای جلوگیری از زیان سرمایه‌گذار یا خروج او از پروژه، ملاحظات حفاظتی در اولویت بعدی قرار گیرد، در نهایت بسیاری از ارزش‌ها فدا می‌شوند. از نظر مراقی، اسناد فنی و قرارداد باید منتشر شود تا مشخص شود آیا در این پروژه چنین عقب‌نشینی‌ای رخ داده است یا نه. به اعتقاد او، هر عقب‌نشینی احتمالی از ضوابط، بهای سنگینی برای میراث فرهنگی دارد و آثار آن ممکن است جبران‌پذیر نباشد.

مراقی درباره سرمایه‌گذار این پروژه می‌گوید براساس اطلاعاتی که در اختیار او قرار گرفته، سرمایه‌گذار شرکتی است که در حوزه فروش لاستیک و فعالیت‌های مرتبط با آن نیز کار می‌کند؛ هرچند موضوع فعالیت ثبتی و سوابق کامل شرکت باید با اسناد رسمی تطبیق داده شود. او درباره فرایند انتخاب سرمایه‌گذار، حدود امتیازهای قراردادی و تصمیم‌های گرفته‌شده در داخل بدنه پرسش‌هایی دارد و معتقد است احتمال برخورداری از امتیاز ویژه یا ایجاد منافع مشترک باید بررسی شود. مراقی وقوع رانت یا انتفاع شخص مشخصی را به‌عنوان واقعیت اثبات‌شده مطرح نمی‌کند، اما می‌گوید نهادهای نظارتی باید این احتمال را با بررسی اسناد روشن کنند.

مراقی ادامه می‌دهد اگر نهادهای نظارتی و بازرسی وارد شوند، می‌توانند با بررسی قراردادها، مجوزها و گزارش‌های فنی موضوع را مشخص کنند. او با توجه به ابعاد و مدت اجرای پروژه، بی‌اطلاعی همه مسئولان مرتبط از عملیات دولتخانه را بعید می‌داند، اما می‌گوید هنوز روشن نیست چرا در برابر اعتراض‌ها و ابهام‌های مطرح‌شده توضیح عمومی و روشنی ارائه نشده است. به گفته او، مسئله علت این سکوت و حدود مسئولیت هر دستگاه است و نمی‌توان بدون سند، منفعت یا تبانی را به شخص یا نهادی نسبت داد.

### مشارکت مردمی در قزوین پایین است

او درباره واکنش مردم محلی به این اتفاقات نیز می‌گوید: «به‌طور کلی، سطح مشارکت مردمی در قزوین پایین است. اینکه مردم برای یک مسئله متحد، هم‌صدا و هم‌فکر شوند و موضوعی را پیگیری کنند، جریان چندان رایجی نیست.»

به گفته مراقی، بخشی از کارشناسان نیز با وجود مخالفت با چنین اقداماتی، یا امیدی ندارند که اعتراضشان نتیجه داشته باشد یا ضرورتی برای اعتراض نمی‌بینند. او احتمال می‌دهد عده‌ای نیز به این دلیل سکوت کنند که هزینه‌های حرفه‌ای یا اداری اعتراض را برای خود بالا می‌بینند. مراقی تأکید دارد این برداشت او از فضای موجود است و درباره انگیزه شخص مشخصی حکم قطعی نمی‌دهد.

### لایه‌های تاریخی از بین رفته‌اند

مراقی درباره وضعیت کنونی بخش توسعه‌یافته گراند هتل می‌گوید این بخش گودبرداری شده است و شواهد میدانی، از نظر او، از احتمال از بین رفتن یا جابه‌جایی بخشی از لایه‌های تاریخی حکایت دارد. تعیین دقیق نوع و میزان آسیب به گزارش رسمی باستان‌شناسی و مستندات ناظر نیاز دارد؛ بااین‌حال، او آنچه را در محل دیده شده برای ایجاد نگرانی جدی کافی می‌داند. نگرانی اصلی مراقی این است که پیش از روشن‌شدن نتیجه بررسی‌ها، این روند در بخش‌های دیگری از دولتخانه ادامه پیدا کند.

او می‌افزاید در قسمت جنوبی دولتخانه نیز محدوده‌ای وجود دارد که براساس اطلاعات و پیگیری‌های او، هیئت‌امنای مرتبط با برخی موافقت‌های میراث فرهنگی خواهان واگذاری بخش باقی‌مانده آن است. برای داوری قطعی درباره این موضوع باید صورت‌جلسه‌ها، درخواست واگذاری و حدود موافقت‌های صادرشده منتشر شود. مراقی می‌گوید پیش از انجام این اقدامات، برای آن محدوده طرح مطالعاتی تعریف کرده و برخی مطالعات نیز روی آن انجام شده بود. به اعتقاد او، همین نشانه‌ها این نگرانی را ایجاد می‌کند که طرح‌های مداخله ممکن است در همین نقطه متوقف نشود.

### ساخت‌وساز باید با رعایت عرصه و حریم باشد

«جلیل گلشن»، کارشناس باستان‌شناسی، درباره ساخت هتل در مجاورت یک بنای تاریخی به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «طبق ضوابط میراث فرهنگی، ساخت‌وساز در کنار بناهای تاریخی باید با رعایت عرصه و حریم اثر انجام شود؛ درحالی‌که هتلی که در کنار این بنا در حال ساخت است، با فاصله‌ای بسیار اندک از بنای تاریخی احداث می‌شود.»

او می‌افزاید: «بناهای تاریخی معمولاً دارای عرصه و حریم مشخص هستند. این حریم تعیین و رعایت می‌شود تا ساخت‌وسازها و فعالیت‌های عمرانی در مجاورت آثار تاریخی به پی و ساختار بنا آسیب وارد نکنند.»

به گفته او، «ساخت هتل در فاصله بسیار نزدیک از این بنای تاریخی می‌تواند به ساختار آن آسیب وارد کند؛ چراکه عملیات عمرانی پروژه، به‌ویژه خاک‌برداری و گودبرداری با استفاده از تجهیزات مکانیکی، می‌تواند به پی و ساختار بنای تاریخی صدمه بزند.»

این کارشناس باستان‌شناسی درباره ساخت هتل در مجاورت بنایی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، می‌گوید: «معاونت میراث فرهنگی مسئول این موضوع است و هرگونه ساخت‌وساز در جوار آثار تاریخی باید مطابق ضوابط عرصه و حریم انجام شود. این ضوابط از نظر ارتفاع، فاصله و سایر الزامات ساخت‌وساز باید رعایت شوند.»

### ایزدی: استحکام‌بخشی گراند هتل بدون این اقدامات امکان‌پذیر نبود

«علیرضا ایزدی»، مدیرکل ثبت آثار و حفظ و احیای میراث معنوی و طبیعی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «گراند هتل در ابتدا یک ساختمان دوطبقه بوده که در عرصه تاریخی دولتخانه صفوی و در اواخر دوره قاجار و دوران پهلوی احداث شده است. در دوران پهلوی دوم، سازه‌ای تحت عنوان طبقه سوم به بنا اضافه شد؛ سازه‌ای که از استحکام کافی برخوردار نبود و احتمالاً با هدف افزایش فضاهای اقامتی ایجاد شده بود.» او می‌افزاید: «در طول سال‌های گذشته و در جریان مرمت و بازسازی بنا، متأسفانه مشکلاتی در ستون‌های ساختمان ایجاد شد؛ اما خوشبختانه تیم مرمت، استحکام‌بخشی و مقاوم‌سازی توانست این مسائل را برطرف کند و از تخریب کامل بنا جلوگیری کند.» ایزدی می‌گوید: «در اواخر دهه ۹۰، طرح مرمت گراند هتل مطابق روال واگذاری‌هایی که صندوق توسعه و احیای بناهای تاریخی انجام می‌دهد، تهیه شد. صندوق براساس ضوابط مشخص مزایده برگزار می‌کند و سرمایه‌گذاری که طبق قانون برنده می‌شود، موظف است اقدامات خود را براساس طرح و ضوابط تأییدشده انجام دهد.»

او تأکید می‌کند: «در مورد گراند هتل، سرمایه‌گذار نخست پس از گذشت دو یا سه سال نتوانست پروژه را به سرانجام برساند و در نهایت کنار گذاشته شد. پس از آن، پروژه دوباره به مزایده گذاشته شد و سرمایه‌گذار دیگری برنده شد. این سرمایه‌گذار کار را براساس ضوابطی آغاز کرد که در شورای فنی صندوق توسعه و احیا به تصویب رسیده بود.»

ایزدی با اشاره به اینکه به‌تازگی از پروژه بازدید کرده است، بیان می‌کند: «من شخصاً از محل پروژه بازدید کرده‌ام و به‌تازگی به همراه آقای طالبیان و تعدادی از دوستان درباره وضعیت بنا صحبت کردیم. نکته مهم این است که گراند هتل از نظر سازه‌ای، پیش از آغاز این اقدامات، وضعیت مناسبی نداشت و به استحکام‌بخشی جدی نیاز داشت.» او می‌افزاید: «به همین دلیل، سرمایه‌گذار و پیمانکار پروژه، اقدامات استحکام‌بخشی را به‌صورت مرحله‌به‌مرحله در طبقه اول، حیاط، طبقه همکف و طبقه دوم انجام داده‌اند. برای طبقه سوم نیز که از خیابان در تراز طبقه دوم و از سمت حیاط در تراز طبقه سوم قرار می‌گیرد، عملیات استحکام‌بخشی سازه‌ای انجام شده است.»

**ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.**

---

یادداشت

# چه کسی پاسخگوی بحران‌های صنایع‌دستی است؟

| حجت‌اله مرادخانی |
| پژوهشگر صنایع‌دستی |

در امور مربوط به مدیریت عمومی، لزوماً هر تغییری نشانه اصلاح نیست؛ همان‌طور که هر برنامه جدیدی لزوماً نشانه تحولی تازه نیست. گاهی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های مدیریت کارآمد یک ساختار، نه تعداد طرح‌ها، برنامه‌ها و تغییرات جدید، بلکه توانایی آن مدیریت در حل مسائل و چالش‌های قدیمی و انباشته‌ای است که سال‌ها بدون رسیدگی بر زمین مانده‌اند.

این وضعیت دقیقاً شرایط فعلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی را توصیف می‌کند؛ وزارتخانه‌ای که با انباشتی جدی از مسائل و مشکلات روبه‌روست، اما مدیریت ارشد آن، به‌جای اتخاذ تصمیمی برای حل آنها، در تلاش است چالش‌های جدیدی خلق کند. برای نمونه، معاونت صنایع‌دستی نزدیک به پنج ماه است که با سرپرست اداره می‌شود و وزارتخانه به‌جای تعیین تکلیف این معاونت، به‌دنبال جابه‌جایی پژوهشکده هنرهای سنتی است.

حال پرسش مهم این است که در شرایط پرتلاطم فعلی، مسئله اصلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و شخص وزیر چه باید باشد؟ آیا این نهاد دولتی با کمبود ساختار مواجه است یا چالش اصلی آن، ضعف در اجرای قوانین و اسناد و استفاده از ظرفیت‌های موجود است؟ آیا حل مشکلات فعلی نباید یکی از اولویت‌های مهم این وزارتخانه باشد؟

این پرسش را می‌توان با بررسی اتفاقات فعلی وزارتخانه بهتر تشریح کرد. همان‌طور که اشاره شد، اخیراً بحث جابه‌جایی اموال پژوهشکده هنرهای سنتی مطرح شد. ابتدا سعدآباد و سپس موزه ملی ایران به‌عنوان مقصد این اموال معرفی شدند؛ موضوعی که با موجی از انتقادهای متخصصان و صاحب‌نظران مواجه شد. جالب اینکه در توضیحات رسمی وزارتخانه تأکید شد که قرار نیست پژوهشکده هنرهای سنتی منحل یا منتقل شود.

اما حتی اگر این توضیحات را بپذیریم، پرسش مهم‌تری باقی می‌ماند: چرا در شرایط فعلی که معاونت صنایع‌دستی در تعلیق قرار دارد، اولویت وزیر باید جابه‌جایی اموال و ایجاد تغییر در یک نهاد تخصصی باشد؟ درحالی‌که یک‌چهارم از عمر دولت فعلی سپری شده، معاونت صنایع‌دستی هنوز مدیر ندارد و معاون توسعه مدیریت وزارتخانه، بدون تجربه لازم و با حفظ سمت، سرپرست آن است.

آیا رفع بلاتکلیفی این معاونت راهبردی وزارتخانه، موضوع مهمی نیست که وزیر یا یکی از دستیاران و مدیرانش به آن بپردازند یا پاسخی درباره وضعیت متزلزل آن بدهند؟ به‌راستی در وضعیت فعلی چه کسی پاسخگوی مشکلات و مسائل هنرمندان و فعالان صنایع‌دستی ایران است؟ بحران تعطیلی کارگاه‌های صنایع‌دستی و مشکلات پیچیده بیمه و، اخیراً، مالیات کارگاه‌های صنایع‌دستی را کدام متولی باید پیگیری و رفع کند؟

از سوی دیگر، در ماه‌های اخیر شایعاتی درباره بازآرایی ساختاری در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی مطرح شده است. برای مثال، زمزمه‌های غیررسمی از ایجاد مراکز جدید میراث فرهنگی و تغییراتی در ساختار اداری وزارتخانه حکایت دارند. بدیهی است که اصل اصلاح ساختار اداری، در مواردی، نه‌تنها مذموم نیست، بلکه ممکن است ضروری هم باشد. اما بدیهی‌تر آنکه هر اصلاح ساختاری باید از تعریف دقیق یک مسئله آغاز شود، نه از میل وزیر یا مدیر ارشد آن ساختار به تغییر. وقتی این تغییرات در وزارت میراث فرهنگی مطرح می‌شود، حساسیت موضوع به‌واسطه اهمیت میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، غنای صنایع‌دستی و فرصت‌های گردشگری ایران، بیشتر می‌شود. ازآنجاکه این تصمیم‌ها و تغییرات به میراث ملی مردم ایران و نسل‌های آینده کشور مربوط است، هرگونه تغییر و تصمیم‌گیری درباره آن الزاماً باید شفاف، مشخص و تحت نظارت متخصصان انجام شود.

این میل مبهم به اعمال تغییرات در وزارتخانه، پرسش‌های دیگری را نیز به ذهن می‌آورد. برای مثال، چرا وزارتخانه به‌جای صرف انرژی برای جابه‌جایی اموال پژوهشکده هنرهای سنتی و اصرار زیاد بر اجرای آن، پیگیر اجرایی شدن قانون حمایت از هنرمندان و استادکاران صنایع‌دستی ایران، مصوب ۱۳۹۶، نمی‌شود؟ قانونی که در صورت اجرای فراگیر، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از مشکلات امروز صنایع‌دستی ایران را برطرف می‌کند. آیا حل مشکلات هزاران نفر از هنرمندان و استادکاران صنایع‌دستی در اقصی نقاط ایران، در محدوده وظایف حاکمیتی وزارت میراث فرهنگی نیست؟ چرا وزیر تاکنون هیچ‌یک از مشکلات و مسائل ریزودرشت صنایع‌دستی ایران را به‌اندازه جابه‌جایی پژوهشکده هنرهای سنتی پیگیری نکرده است؟ چه اهمیتی در مسئله پژوهشکده هنرهای سنتی و انتقال و جابه‌جایی اموال و کارکنان آن وجود دارد که ما از آن بی‌اطلاع هستیم؟ این پرسش‌ها و بسیاری پرسش‌های دیگر، اگر به‌طور واضح پاسخ داده نشوند، هرگونه اصلاح در ساختار وزارت میراث فرهنگی نه‌تنها اتفاق مثبتی نیست، بلکه ممکن است خود به مسئله‌ای جدید تبدیل شود.

### وزارتخانه‌ای با انباشت چالش‌های قدیمی

با نگاهی به حوزه‌های مختلف مأموریتی وزارت میراث فرهنگی می‌بینیم که مسائل بنیادین هنوز کم نیستند. بسیاری از پایگاه‌های ملی و جهانی با مسائل مربوط به اعتبار، نیروی انسانی و امکانات مواجه‌اند. شمار قابل‌توجهی از محوطه‌ها و بافت‌های تاریخی همچنان نیازمند حفاظت جدی و مداخلات مؤثرند. در حوزه صنایع‌دستی، مسائل مربوط به تولید، آموزش، بازار، صادرات، بیمه، مواد اولیه، تأمین مالی، زنجیره ارزش و جایگاه نهادی این حوزه همچنان پابرجاست و مشخص نیست چه کسی متولی و مسئول رفع آنهاست.

جالب اینکه در همین وضعیت بحرانی، زمزمه‌هایی درباره ارائه طرح‌های جدید برای اصلاح و توسعه صنایع‌دستی نیز از سوی تیم مدیریتی وزیر مطرح شده است. مگر همین سال گذشته، سند توسعه صنایع‌دستی با هیاهوی رسانه‌ای بسیار تصویب و ابلاغ نشد؟ تکلیف اجرایی شدن مفاد آن سند یا تلاش و برنامه مدیران ارشد وزارت میراث فرهنگی برای تحقق دست‌کم یک بند از آن چه می‌شود؟

آیا مسئله اصلی صنایع‌دستی و هنرهای سنتی ایران، فقدان برنامه‌ای جدید است یا اجرا نشدن کامل ظرفیت‌های قانونی و برنامه‌های موجود که به حال خود رها شده‌اند؟ اگر قوانین و اسناد موجود به‌درستی اجرا نشده‌اند، نخستین اقدام منطقی، آسیب‌شناسی چرایی اجرا نشدن قوانین و برنامه‌هاست، نه اینکه به‌دنبال راه‌اندازی برنامه‌ای جدید باشیم. این یک اصل رایج در سیاست‌گذاری است که پیش از اضافه کردن یک لایه جدید به نظام تصمیم‌گیری، باید بررسی کرد که مشکل از نبود ابزار است یا از استفاده نکردن درست از ابزارهای موجود.

**ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.**

### شائبه آلودگی محصول بر اثر حمل غیربهداشتی، سلامت صادرات را تهدید می‌کند

# حمل پسته با کامیون‌های حمل کود

## مسئولان انتساب قطعی آلودگی به این کامیون‌ها را رد می‌کنند

| مهر |

**استفاده از کامیون‌های حمل کود برای جابه‌جایی پسته در یزد، موجی از نگرانی درباره شیوع آفلاتوکسین ایجاد کرده است. درحالی‌که بخش خصوصی نسبت به این خطر هشدار می‌دهد، مدیر حفظ نباتات جهادکشاورزی استان تأکید می‌کند که نمی‌توان استفاده از این خودروها را به‌تنهایی عامل قطعی آلودگی محصول دانست و باید جوانب مختلف آن را سنجید. طرح موضوع استفاده از خودروهایی که پیش‌تر برای حمل کود به کار رفته‌اند، بحث‌های متعددی درباره استانداردهای صادراتی در یزد برانگیخته است. حسین پهلوان‌پور، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی یزد، اخیراً نسبت به استفاده از این ناوگان و افزایش خطر آفلاتوکسین هشدار داد، اما یداله جوادپور، مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی استان، نگاهی متفاوت دارد. او بدون رد کامل این احتمال توضیح می‌دهد که نمی‌توان صرفاً براساس سابقه کاربری یک کامیون، آن را عامل قطعی آلودگی دانست. به گفته او، زمان‌بندی برداشت پسته در تابستان با فصل حمل‌ونقل کود، که عمدتاً در پاییز و زمستان است، هم‌پوشانی ندارد و نوع ناوگان مورد استفاده برای محصول نیز با کامیون‌های کمپرسی حمل کود متفاوت است؛ بنابراین، رعایت اصول بهداشتی هنگام حمل، بیش از حدس‌وگمان درباره نوع خودرو اهمیت دارد.**

**در کنار این موضوع، فقدان آزمایشگاه تخصصی تشخیص آفلاتوکسین در یزد، صادرات پسته را با بحرانی جدی مواجه کرده است. صادرکنندگان ناچارند برای اطمینان از رعایت استانداردهای جهانی، نمونه‌های محصول خود را به استان‌های دیگر، ازجمله کرمان، ارسال کنند. این فرایند، علاوه بر تحمیل هزینه‌های اضافی، ریسک‌های مالی را نیز افزایش می‌دهد. آفلاتوکسین که می‌تواند از مرحله باغ تا فراوری تشدید شود، با یک نتیجه آزمایشگاهی در استانی دیگر، سرنوشت کل محموله صادراتی را تغییر می‌دهد و مانعی بزرگ در مسیر تولیدکنندگان یزدی ایجاد می‌کند.**

| راحیل حسینیان |
| روزنامه نگار |

در یزد ۱۸۴ واحد فرآوری پسته فعالیت می‌کنند که بنابر آمار اداره جهاد کشاورزی استان، همه آنها مجوز دارند. با وجود رتبه بالای یزد در تولید محصول صادراتی پسته، براساس گزارش‌های منتشرشده در مرداد ۱۴۰۵، آزمایشگاه تخصصی پسته در یزد، با وجود آماده‌بودن تجهیزات، هنوز به بهره‌برداری نرسیده است و صادرکنندگان برای آزمایش محموله‌های خود به خارج از استان وابسته‌اند.

حسین پهلوان‌پور، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی یزد، نبود آزمایشگاه تخصصی در استان را یکی از موانع زنجیره صادرات پسته می‌داند. او توضیح می‌دهد که برای بررسی هر محموله در معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، حدود ۳۰ میلیون تومان دریافت و حدود ۲۰ کیلوگرم نمونه تحویل گرفته می‌شود تا فقط پنج کیلوگرم آن در فرایند آزمایش مورد بررسی قرار گیرد.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی یزد نیز آزمایش‌های آفلاتوکسین را به‌نوعی متمرکز در کرمان توصیف می‌کند، اما توضیح می‌دهد که یزد طی دو سال گذشته برای راه‌اندازی آزمایشگاه اقدام کرده است. به گفته عباس حاجی‌حسینی، درباره تعداد دستگاه‌های مورد نیاز آزمایشگاه اختلاف‌هایی وجود دارد. هزینه تجهیز هر دستگاه حدود ۲۰ میلیارد تومان است و با وجود انجام اقدامات لازم، آزمایشگاه هنوز به مرحله بهره‌برداری نرسیده است.

اما در وزارت جهاد کشاورزی، نگاه به وضعیت آزمایشگاه‌های آفلاتوکسین متفاوت است. مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید که در حال حاضر سه آزمایشگاه مرجع غذا و دارو در تهران، کرمان و رفسنجان وجود دارد که مورد تأیید اتحادیه اروپا هستند.

به گفته داریوش سالم‌پور، برای تسهیل فرایند و کاهش حجم کار این سه آزمایشگاه، آزمایشگاه آذربایجان شرقی نیز وارد فرایند شده است تا پسته تولیدشده در شمال غرب کشور مسیر کوتاه‌تری برای انجام آزمایش داشته باشد.

او درباره یزد نیز تصریح می‌کند که این استان یکی از قطب‌های تولید پسته است و پیشنهاد شده آزمایشگاه یزد وارد این فرایند شود. به گفته سالم‌پور، دانشگاه علوم پزشکی یزد و اتاق بازرگانی استان اعلام آمادگی کرده‌اند، موضوع در جلسات ستاد مربوط تصویب شده و نامه‌نگاری‌های لازم با سازمان غذا و دارو نیز انجام شده است. آن‌طور که سالم‌پور توضیح می‌دهد، آزمایشگاه یزد در حال تجهیز است و پس از تجهیز و دریافت استانداردها و تأییدیه‌های لازم، وارد مدار فرایند حفظ و آزمون می‌شود.

این اظهارات نشان می‌دهد مسئله آزمایشگاه در یزد فقط کمبود دستگاه نیست، بلکه به هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف، اعتبار آزمایشگاه، الزامات سازمان غذا و دارو و پذیرش نتایج آزمایش در بازارهای هدف مربوط می‌شود.

### قصه از باغ آغاز می‌شود

آزمایشگاه مرحله پایانی است؛ مرحله‌ای که محصول با عبور از فیلتر آن می‌تواند به بازارهای جهانی راه پیدا کند. اما پیش از آزمایشگاه چه فرایندی در جریان است؟ مسئله، آلودگی محصول و شیوه آلوده‌شدن آن است. آفلاتوکسین‌ها که ممکن است پسته‌های صادراتی را آلوده کنند، سموم قارچی هستند که عمدتاً گونه‌هایی از قارچ‌های جنس Aspergillus آنها را تولید می‌کنند. در میان آنها، آفلاتوکسین B1 اهمیت ویژه‌ای دارد و آژانس بین‌المللی تحقیقات سرطان (IARC) آن را در گروه عوامل قطعی سرطان‌زا برای انسان طبقه‌بندی کرده است.

مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی یزد می‌گوید قارچی که می‌تواند عامل ایجاد آفلاتوکسین باشد، تقریباً در همه خاک‌ها، از جمله خاک باغ‌های پسته، وجود دارد. به گفته یداله جوادپور، پوست سبز پسته مهم‌ترین لایه محافظ مغز محصول است و هرگاه این پوست دچار شکاف یا ترک شود، امکان انتقال آلودگی به مغز افزایش پیدا می‌کند.

او به «پیام ما» می‌گوید: «نخستین کانون‌های احتمالی ورود آلودگی به پسته می‌تواند از باغ شکل بگیرد، اما پس از برداشت هم محصول وارد چرخه‌ای می‌شود که هرگونه تأخیر، فشردگی، افزایش دما و رطوبت یا رعایت‌نکردن اصول بهداشتی می‌تواند ریسک آلودگی آن را بیشتر کند.»

مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی نیز تأکید می‌کند که آفلاتوکسین فقط مسئله یک مرحله از تولید نیست. به گفته داریوش سالم‌پور، قارچ‌های تولیدکننده این سم به‌صورت طبیعی در خاک و محیط وجود دارند و اگر محصول در شرایط نامناسب تولید، برداشت، فرآوری یا نگهداری شود و رطوبت و دما به‌شکل مناسب کنترل نشود، امکان رشد قارچ و تولید آفلاتوکسین افزایش پیدا می‌کند.

به این ترتیب، آزمایشگاه در انتهای زنجیره قرار دارد، اما کنترل آفلاتوکسین باید بسیار زودتر، یعنی از باغ، آغاز شود.

### زمان طلایی برداشت

مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی یزد در توضیح شرایط مناسب پیشگیری از آلودگی پسته به سم آفلاتوکسین پس از برداشت، یک نکته مهم را مطرح می‌کند که باید از دیگر اعداد مربوط به زمان فرآوری تفکیک شود. به گفته یداله جوادپور، زمان‌های مختلفی برای فرآوری پسته مطرح شده است، اما زمان طلایی از لحظه چیدن تا پوست‌گیری، هشت ساعت است.

او تأکید دارد که هرچه محصول بیشتر در شرایط نامناسب باقی بماند، به‌ویژه زمانی که پسته‌ها روی هم تلنبار شوند، احتمال افزایش رطوبت و گرما و در نتیجه ایجاد شرایط مناسب برای رشد قارچ بیشتر می‌شود.

این موضوع با یافته‌های یک پژوهش ایرانی نیز همخوان است. در مطالعه‌ای در سال ۲۰۲۲ در ایستگاه تحقیقات پسته کرمان، اثر زمان برداشت و تأخیر در پوست‌گیری بر میزان آفلاتوکسین بررسی شد. پژوهشگران این آزمایش را در یک باغ یک‌هکتاری از رقم اوحدی انجام دادند و تأخیرهای صفر، دو، ۱۲، ۲۴ و ۴۸ ساعته را بررسی کردند. نتایج نشان داد تأخیرهای ۱۲، ۲۴ و ۴۸ ساعته با افزایش معنی‌دار آفلاتوکسین همراه بوده است.

مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی یزد همچنین از زمان طلایی دیگری صحبت می‌کند و می‌گوید اگر پسته‌ها در ترمینال روی هم تلنبار شوند، محصول نباید بیش از حدود سه ساعت در ورودی ترمینال باقی بماند. او بر برداشت روزانه و متناسب با ظرفیت فرآوری، انتقال سریع محصول به ترمینال، استفاده از سبدهای منفذدار، خودداری از حمل پسته در شرایط فشرده و نگهداری محصول زیر نور مستقیم آفتاب تأکید دارد. به گفته او، محل فرآوری باید پیش از شروع فصل برداشت به‌طور کامل پاک‌سازی شود و آب مصرفی نیز باید تمیز باشد.

پس از فرآوری نیز خطر آلودگی از بین نمی‌رود. به گفته جوادپور، رطوبت پسته باید در این بخش به زیر هشت درصد برسد. انبارها نیز باید از تهویه مناسب برخوردار باشند و دما و رطوبت آنها به‌طور مستمر کنترل شود. او همچنین بر ضرورت خروج سریع پوست و ضایعات فرآوری از محیط ترمینال و انبار تأکید می‌کند.

جوادپور یکی دیگر از عوامل خطر را تأخیر در برداشت می‌داند؛ مشکلی که به گفته او، گاهی به‌دلیل کمبود نیروی کار رخ می‌دهد. او همچنین قطع برق در فصل برداشت را یکی از چالش‌هایی می‌داند که می‌تواند فرایند فرآوری را مختل کند.

### محصولی صادرات‌محور

فراتر از مواردی که احتمال آلودگی را در محموله پسته افزایش می‌دهد، آلودگی به سم آفلاتوکسین محدود به پسته نیست. محصولات علوفه‌ای، ذرت، خشکبار و هر محصولی که به‌صورت خشک فرآوری و سپس نگهداری شود، ممکن است در معرض آلودگی قرار گیرد. اما چرا این موضوع درباره پسته اهمیت بیشتری دارد؟ پسته یکی از مهم‌ترین محصولات باغبانی و صادراتی ایران است. حدود ۶۴۵ هزار هکتار باغ پسته در کشور وجود دارد و تولید آن، بسته به شرایط هر سال، بین ۲۵۰ هزار تا ۳۵۰ هزار تن متغیر است.

مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید سال گذشته بیش از ۱۳۰ هزار تن انواع پسته، به ارزش حدود یک میلیارد دلار، به ۶۳ کشور دنیا صادر شده است.

به گفته داریوش سالم‌پور، حدود دو سوم پسته تولیدی کشور صادر می‌شود. این محصول، علاوه بر بازارهای مختلف جهان، در ۱۸ کشور عضو اتحادیه اروپا نیز مشتری دارد. همین وابستگی به بازارهای خارجی باعث شده کنترل آفلاتوکسین به موضوعی فراتر از سلامت محصول تبدیل شود؛ موضوعی که مستقیماً با تداوم صادرات و اعتبار پسته ایران ارتباط دارد.

### مسئله‌ای فراتر از یک استان

آفلاتوکسین اما مسئله یزد به‌تنهایی نیست. کرمان مهم‌ترین قطب تولید پسته کشور است و شهرستان‌هایی مانند رفسنجان در تولید و فرآوری این محصول جایگاه ویژه‌ای دارند. رئیس هیئت‌مدیره انجمن پسته ایران به‌تازگی اعلام کرده است که کرمان در سال زراعی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ حدود ۱۰۳ هزار تن پسته تولید کرده است و با در اختیار داشتن حدود ۲۷۲ هزار هکتار باغ پسته، رتبه نخست کشور را دارد. پس از کرمان، خراسان رضوی از مهم‌ترین مراکز تولید پسته کشور است و یزد نیز یکی از قطب‌های مهم تولید و صادرات به شمار می‌رود. این پراکندگی جغرافیایی یک نکته مهم را نشان می‌دهد: کنترل آفلاتوکسین مسئله یک باغ، یک ترمینال یا حتی یک استان نیست. اگر قرار است صادرات پسته ایران پایدار بماند، کنترل باید در سراسر زنجیره و در همه قطب‌های تولید انجام شود.

مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید که در سال‌های گذشته، برنامه‌ای برای مدیریت تولید پسته سالم و دارای حداقل میزان آفلاتوکسین، با همکاری وزارت جهاد کشاورزی، سازمان غذا و دارو، تشکل‌های تخصصی، اتحادیه صادرکنندگان خشکبار و انجمن پسته تدوین و اجرا شده است.

به گفته داریوش سالم‌پور، این برنامه که در قالب طرح TCP پسته و با کمک مشاوران داخلی و بین‌المللی و سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) اجرا شد، استان‌های پایلوت کرمان، یزد و خراسان رضوی را دربر گرفت و شامل مراحل باغ، برداشت، فرآوری و نظارت‌های آزمایشگاهی بود. به گفته او، در این طرح دستورالعمل‌ها و استانداردهای مرتبط به‌روزرسانی شد و دوره‌های آموزشی برای باغداران و فعالان صنعت برگزار شد تا الزامات جدید بازارهای بین‌المللی و راهکارهای بهینه تولید، فرآوری و نظارت آموزش داده شود.

> یکی از موضوعاتی که درباره احتمال آلودگی پسته مطرح می‌شود، استفاده از کامیون‌هایی است که پیش‌تر برای حمل کود یا دیگر محموله‌های کشاورزی استفاده شده‌اند. حسین پهلوان‌پور، رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی یزد، چند هفته پیش این موضوع را در نشست این کمیسیون مطرح کرده و گفته بود استفاده از خودروهایی که پیش‌تر برای حمل کود به کار رفته‌اند، برای جابه‌جایی محصول پسته، زمینه ایجاد آلودگی و افزایش خطر آفلاتوکسین را فراهم می‌کند.
>
> مدیر حفظ نباتات سازمان جهاد کشاورزی یزد اما دراین‌باره توضیح می‌دهد که این موضوع را نمی‌توان به‌صورت کلی و بدون در نظر گرفتن شرایط حمل، عامل آلودگی پسته دانست.
>
> به گفته یداله جوادپور، حمل کود عمدتاً در پاییز و زمستان انجام می‌شود و فصل برداشت پسته در تابستان است؛ بنابراین، نمی‌توان فرض کرد کامیونی که در فصل برداشت برای حمل پسته استفاده می‌شود، لزوماً پیش از آن کود حمل کرده باشد.
>
> او همچنین با اشاره به نوع کامیون‌های مورد استفاده برای حمل پسته توضیح می‌دهد که برای انتقال محصول از کامیون‌های کمپرسی استفاده نمی‌شود و نمی‌توان براساس سابقه استفاده از یک کامیون، احتمال آلودگی پسته را مطرح کرد.
>
> او تأکید می‌کند که در زمان حمل محصول، رعایت اصول بهداشتی و اطمینان از مناسب‌بودن وسیله حمل اهمیت دارد و نمی‌توان این موضوع را به‌شکلی سطحی به «حمل قبلی کود» تقلیل داد.

دریافت می‌کند که امکان ردیابی آن را در مراحل مختلف فراهم می‌کند. اگر محصولی در بازار مقصد اخطار دریافت کند، می‌توان با استفاده از این کد مشخص کرد محصول چه مسیری را طی کرده، باغ آن کجا بوده، در کجا فرآوری شده، کجا بسته‌بندی شده و از کجا صادر شده است. در چنین سیستمی، یک اخطار صادراتی فقط به معنای برگشت‌خوردن یا توقف یک محموله نیست؛ می‌تواند به شناسایی نقطه‌ای منجر شود که در آن احتمال بروز مشکل بیشتر است.»

برآوردهای تولید نشان می‌دهد امسال حدود ۲۰۰ هزار تن پسته با پوست سخت در ایران تولید می‌شود؛ رقمی که حدود ۱۸ درصد تولید جهانی است. بنابراین، هر عاملی که باعث کاهش کیفیت یا عدم انطباق محصول با استانداردهای بازارهای هدف شود، می‌تواند مستقیماً بر صادرات پسته ایران اثر بگذارد. در نهایت، مسئله آفلاتوکسین را نمی‌توان با یک آزمایش در پایان مسیر حل کرد. اگر قرار است پسته ایران جایگاه خود را در بازارهای جهانی حفظ کند، کنترل باید از باغ شروع شود؛ از برداشت به‌موقع و جلوگیری از آسیب محصول گرفته تا انتقال سریع، پوست‌گیری، خشک‌کردن، انبارداری، نمونه‌برداری و آزمایش معتبر.

### استاندارد بازار جهانی

اهمیت این شبکه زمانی روشن‌تر می‌شود که به الزامات بازارهای هدف نگاه کنیم. اتحادیه اروپا در مقررات EU ۹۱۵/۲۰۲۳ برای آفلاتوکسین پسته حدود مشخصی تعیین کرده است. برای پسته‌ای که قرار است پیش از عرضه به مصرف‌کننده تحت مرتب‌سازی یا عملیات فیزیکی قرار گیرد، حداکثر میزان AFB1 برابر با ۱۲ میکروگرم در کیلوگرم و مجموع آفلاتوکسین‌ها برابر با ۱۵ میکروگرم در کیلوگرم است. برای پسته عرضه‌شده به مصرف‌کننده نهایی یا مورد استفاده به‌عنوان ماده اولیه غذایی، این حدود به‌ترتیب هشت و ۱۰ میکروگرم در کیلوگرم است.

اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته نیز کنترل‌های ویژه‌ای بر پسته ایران اعمال کرده است. تجربه سال‌های قبل نشان داد که ارتقای شرایط تولید، برداشت و پس از برداشت می‌تواند میزان عدم انطباق محموله‌ها را کاهش دهد. مطالعه مربوط به سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ نیز همین روند بهبود را در پسته‌های مورد بررسی برای صادرات به اروپا ثبت کرده بود.

مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی نیز می‌گوید افزایش اخطارهای عدم انطباق در سال‌های گذشته باعث شد برنامه‌ای جامع برای مدیریت تولید پسته سالم اجرا شود. به گفته او، از اول ژانویه ۲۰۲۶ تاکنون، تعداد اخطارهای عدم انطباق آفلاتوکسین به کمتر از سه درصد کل محموله‌های صادراتی رسیده است.

داریوش سالم‌پور این میزان را موفقیت‌آمیز می‌داند و می‌گوید این موضوع در جلسات وبیناری و حضوری با اعضای کمیسیون بهداشت اتحادیه اروپا نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

### آزمایش کافی است؟

یکی از نکات مهم در کنترل آفلاتوکسین، نحوه نمونه‌برداری است. پسته محصولی ناهمگن است و به گفته مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی، یک محموله ۲۰ تنی می‌تواند شامل هزاران و حتی ده‌ها هزار پسته باشد. ممکن است بخشی از دانه‌ها آلوده باشند و همین مسئله تشخیص آلودگی را دشوار کند.

براساس آمار، یک دانه پسته آلوده به سم قارچی آفلاتوکسین می‌تواند تا حدود ۴٫۵ کیلوگرم پسته اطراف خود را نیز آلوده کند. بااین‌حال، به گفته سالم‌پور، نمی‌توان یک محموله پسته را مانند یک محصول مایع، با یک نمونه کوچک به‌طور کامل نمایندگی کرد. از سوی دیگر، حتی پس از آزمایش نیز امکان تغییر شرایط محصول در مراحل مختلف حمل‌ونقل، تخلیه، فرآوری و نگهداری وجود دارد.

به همین دلیل، در برنامه اقدام وزارت جهاد کشاورزی، علاوه بر یک آزمون، دو مرحله نمونه‌برداری و آزمایش برای محموله‌های صادراتی در نظر گرفته شده است. سالم‌پور می‌گوید که در ایران، بسته به شرایط، ۵۰ درصد و گاهی تا ۱۰۰ درصد محموله‌ها آزمایش می‌شوند. همچنین یک نمونه سوم نیز به‌صورت ناشناس و به‌عنوان نمونه شاهد به آزمایشگاه همکار منتقل می‌شود تا نتایج با یکدیگر تطبیق داده شوند.

اگر نتایج مورد تأیید قرار گیرد، گواهی بهداشتی صادر می‌شود و محموله براساس آن گواهی به بازار مقصد می‌رود.

### مقصر کیست؟

گرچه مدیرکل دفتر امور میوه‌های سردسیری و خشک وزارت جهاد کشاورزی در صحبت‌های خود تأکید می‌کند که تعداد اخطارهای عدم انطباق به کمتر از سه درصد کل محموله‌های صادراتی رسیده است، اما همچنان سؤال اینجاست که اگر امروز یک محموله پسته ایرانی به‌دلیل آفلاتوکسین در بازار اروپا رد شود، مسئولیت این اتفاق بیشتر متوجه باغدار است یا واحد فرآوری، نظام نظارت یا سیاست‌گذاری؟

داریوش سالم‌پور می‌گوید: «وزارت جهاد کشاورزی برای ارتقای بهره‌وری در باغ‌های پسته، برنامه‌هایی دارد که هر ساله در قالب اصلاح و احیای باغ‌های پسته اجرا می‌شود. همچنین برنامه‌ای در قالب بند «خ» ماده ۷۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور وجود دارد که براساس آن، باغ‌های پسته در شمار محصولات اولویت‌دار برای شناسنامه‌دارشدن قرار گرفته‌اند. تاکنون حدود ۲۳۰ هزار هکتار از باغ‌های پسته در استان‌ها شناسایی شده و در فرایند صدور شناسنامه قرار گرفته‌اند.»

اما شناسایی باغ‌ها چه ارتباطی با حذف آلودگی از محموله‌ها دارد؟ سالم‌پور توضیح می‌دهد: «حسن این کار این است که به صدور شناسه محصول منجر می‌شود. هر محصول یک کد QR

> **با وجود رتبه بالای یزد در تولید پسته نبود آزمایشگاه تخصصی در استان، صادرکنندگان را ناچار به فرستادن نمونه‌ها به کرمان می‌کند؛ مسئله‌ای که هزینه‌ها و ریسک‌های زنجیره صادرات را افزایش می‌دهد**

> **از مدیریت زمان طلایی برداشت در باغ‌ها تا چالش‌های تجهیز آزمایشگاه، کنترل سم آفلاتوکسین نیازمند هماهنگی میان دستگاه‌ها و رعایت دقیق اصول بهداشتی در تمام مراحل تولید و فرآوری است**

| خبر |

## جنگ چه بر سر کسب‌وکارهای یزد آورد؟

آخرین نتایج طرح پایش محیط کسب‌وکار نشان می‌دهد استان یزد، به‌رغم نامساعدترشدن محیط کسب‌وکار کشور طی یک سال گذشته، از رتبه بیست‌ونهم به جایگاه هفتم بهترین محیط کسب‌وکار صعود کرده است. یزد همچنین در فصل بهار به‌عنوان سومین استان با کمترین تأثیرپذیری از شرایط جنگ معرفی شده است.

محیط کسب‌وکار مجموعه‌ای از شرایط بیرونی است که اگرچه مدیران نمی‌توانند مستقیماً آن‌ها را تغییر دهند، عملکردشان به‌شدت تحت‌تأثیر آن‌هاست؛ عواملی مانند قوانین حاکم، شرایط آب‌وهوایی یا فرهنگ منطقه که در هر نقطه از جهان و در هر دوره‌ای متفاوت است.

امروزه بهبود این محیط، یکی از عوامل اصلی پیشرفت اقتصادی کشورهاست؛ به‌طوری‌که هرچه فضای کسب‌وکار مساعدتر باشد، کارآفرینان بهتر می‌توانند از فرصت‌ها استفاده کنند و این زنجیره در نهایت به رشد اقتصادی و افزایش ثروت جامعه منجر می‌شود.

اما رسیدن به چنین فضایی اتفاقی نیست و به برنامه‌ریزی هوشمندانه و نظارت مداوم نیاز دارد. از همین رو، طرح ملی پایش محیط کسب‌وکار از اواخر سال ۱۳۹۵ از سوی اتاق بازرگانی ایران و با همکاری اتاق‌های تعاون و اصناف ایران اجرا می‌شود تا با سنجش مستمر وضعیت، زیرساخت‌های لازم برای بهبود این فضا فراهم شود.

براساس آخرین نتایج منتشرشده از این طرح، نمره محیط کسب‌وکار استان یزد در بهار سال جاری، با ۰٫۲ درصد بهبود نسبت به زمستان سال گذشته و ۳٫۰۳ درصد بهبود نسبت به بهار سال گذشته، به ۶٫۰۶ رسیده است. در این ارزیابی، نمره ۱۰ نشان‌دهنده بدترین وضعیت است.

این بهبود جزئی در حالی در استان یزد رقم خورده است که وضعیت کل کشور از نامطلوب‌ترشدن محیط کسب‌وکار حکایت دارد.

وضعیت محیط کسب‌وکار کشور در بهار ۱۴۰۵ با نمره ۶٫۲۳، کمی نامطلوب‌تر از زمستان سال گذشته با نمره ۶٫۲۰ و نامساعدتر از بهار سال گذشته با نمره ۵٫۹۵ گزارش شده است.

استان یزد در بهار سال جاری با اختلاف ۰٫۱۷ نسبت به میانگین کشوری این شاخص، پس از استان‌های قم، اصفهان، زنجان، مرکزی، خراسان جنوبی و آذربایجان غربی و همراه با استان‌های البرز و قزوین، در رتبه هفتم بهترین وضعیت محیط کسب‌وکار قرار گرفت.

براساس این گزارش، وضعیت محیط کسب‌وکار استان یزد با وجود مطلوب‌تربودن نسبت به سراسر کشور، طی چهار سال گذشته همسو با روند کشوری نامساعدتر شده است؛ به‌طوری‌که نمره آن از ۵٫۶۵ در سال ۱۴۰۰ به ۶٫۱۷ در سال ۱۴۰۴ رسیده است. مثبت‌بودن درصد تغییرات به‌معنای بدترشدن وضعیت است.

بااین‌حال، مقایسه بهار سال جاری با بهار سال گذشته نشان می‌دهد استان یزد در بهار ۱۴۰۴، به‌طور مشترک با استان سمنان و با نمره ۶٫۲۵، در جایگاه بیست‌ونهم کشور قرار داشت. به‌عبارت دیگر، فقط استان‌های فارس و هرمزگان، به‌ترتیب با نمره‌های ۶٫۴۸ و ۶٫۲۸، وضعیتی نامطلوب‌تر از یزد را تجربه کرده بودند. اما در بهار امسال، استان یزد با صعودی چشمگیر، خود را به رتبه هفتم بهترین محیط کسب‌وکار رسانده است.

طبق آمارهای منتشرشده در بهار سال جاری، از نظر فعالان اقتصادی یزدی مشارکت‌کننده در این ارزیابی، سه مؤلفه «غیرقابل‌پیش‌بینی‌بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه» با نمره ۷٫۷۸، «دشواری تأمین منابع مالی از بانک‌ها» با نمره ۷٫۲۴ و «بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر محیط کسب‌وکار» با نمره ۷٫۱، سه مانع اصلی کسب‌وکار در این استان بوده‌اند.

همچنین سه مؤلفه «محدودیت دسترسی به آب» با نمره ۴٫۹۳، «نحوه استقبال مشتریان از نوآوری و ابتکار در ارائه خدمات و محصولات» با نمره ۴٫۷۸ و «تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی‌رغبتی به خرید محصولات ایرانی» با نمره ۴٫۷، در اولویت‌های آخر فعالان اقتصادی استان قرار گرفته‌اند.

براساس نتایج این پایش در بهار ۱۴۰۵، در کل کشور وضعیت محیط کسب‌وکار در بخش کشاورزی با نمره ۶٫۲۳، در مقایسه با بخش خدمات با نمره ۶٫۲۱ و بخش صنعت با نمره ۶٫۱۳، نامناسب‌تر ارزیابی شده است.

در اجرای این دوره از طرح در بهار سال جاری، تأثیر جنگ بر محیط کسب‌وکار نیز بررسی شد. نتایج نشان داد این مؤلفه با نمره ۷٫۸۷، تأثیری مستقیم و منفی بر فضای کسب‌وکارها گذاشته است.

در این شاخص، استان یزد با نمره ۶٫۹۳، پس از کرمان و گلستان با نمره‌های ۵٫۶۸ و ۶٫۸۰، سومین استانی بود که تأثیر کمتری از جنگ پذیرفته است. در مقابل، استان‌های لرستان با نمره ۹٫۳۷، ایلام با نمره ۸٫۹۷ و بوشهر با نمره ۸٫۹۶، نامناسب‌ترین وضعیت را از نظر تأثیر جنگ بر کسب‌وکارها گزارش کرده‌اند. | ایسنا

| خبر |

## ساماندهی مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی

نخستین نشست شورای راهبردی مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی کشور با هدف انسجام‌بخشی، رصد و پایش فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی در حوزه مسئولیت اجتماعی و امور خیر برگزار شد. این شورا با هماهنگ‌سازی اقدامات فعالان اقتصادی، از موازی‌کاری در این حوزه جلوگیری می‌کند و زمینه شکل‌گیری فعالیت‌هایی منسجم و متناسب با نیازهای جامعه را فراهم می‌آورد.

شورای راهبردی مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی کشور با ابتکار کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی و تصویب هیئت‌رئیسه اتاق ایران شکل گرفته است. براساس دستورالعمل مصوب، رئیس اتاق ایران ریاست شورا را بر عهده دارد. یکی از اعضای هیئت‌رئیسه، دبیرکل اتاق ایران و پنج نفر از چهره‌های شاخص حوزه مسئولیت اجتماعی بنگاهی نیز در این شورا حضور دارند. محمد نهاوندیان، محسن جلال‌پور، فریال مستوفی، سعید ترکمان، اشکان تقی‌پور و محمدحسن داوودی از اعضای شورا هستند. محمود اولیایی، رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران نیز دبیری شورا را بر عهده دارد. «صمد حسن‌زاده»، رئیس اتاق ایران، در این نشست با اشاره به شرایط سخت جامعه گفت: «فعالیت‌های خیرخواهانه و اقداماتی که در چارچوب مسئولیت اجتماعی انجام می‌شوند، در وضعیت کنونی اهمیت زیادی دارند و ساماندهی این بخش از فعالیت‌های بخش خصوصی ضروری است.» او بر استفاده از تجربه‌های جامعه نیکوکاری ابرار تأکید کرد و گفت: «این مجموعه در حوادث غیرمترقبه، مدرسه‌سازی، امور آموزشی و حمایت از جوامع کم‌برخوردار اقدامات ارزشمندی انجام داده است و شورای راهبردی می‌تواند با تکیه بر این تجربه‌ها، اهداف خود را دنبال کند.» «پیام باقری»، نایب‌رئیس اتاق ایران نیز با اشاره به روند شکل‌گیری شورا گفت: «ایده تأسیس آن دو سال قبل و در جریان نشستی در کرمان مطرح شد.» به گفته او، ظرفیت شورا باید برای تجمیع و تنظیم اقدامات این حوزه به کار گرفته شود و اجرای فعالیت‌ها بر عهده جامعه نیکوکاری ابرار باشد. «محمد نهاوندیان» رئیس اسبق اتاق ایران و عضو شورای راهبردی مسئولیت اجتماعی بخش خصوصی، نیز با تأکید بر پرهیز از دوباره‌کاری گفت: «شورای راهبردی نباید وارد امور اجرایی شود و بهتر است از ظرفیت جامعه نیکوکاری ابرار برای اجرا استفاده کند.» او سوءاستفاده از عنوان مسئولیت اجتماعی برای فساد را یکی از مسائل موجود دانست و گفت: «هرچند چنین مواردی در بخش خصوصی اندک و انگشت‌شمار است، شورا می‌تواند با همکاری کمیسیون مسئولیت اجتماعی اتاق ایران و تعامل با سه قوه، با اقدامات فسادبرانگیز مقابله کند.» نهاوندیان همچنین به بازتاب‌نیافتن فعالیت‌های خیرخواهانه بنگاه‌ها در تصویر عمومی بخش خصوصی اشاره کرد و گفت: «بنگاه‌ها به‌صورت جداگانه کار خیر انجام می‌دهند، اما اعتبار این اقدامات به کلیت بخش خصوصی بازنمی‌گردد. ازاین‌رو، استفاده از ابزارهایی مانند جامعه نیکوکاری ابرار می‌تواند به انسجام و معرفی این فعالیت‌ها کمک کند.» همچنین «محمود اولیایی»، رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران در این جلسه توضیح داد: «شورای راهبردی زیرمجموعه هیئت‌رئیسه اتاق ایران است و ساختاری متناظر با آن در اتاق‌های استانی شکل می‌گیرد.» کمیته مدیریت بحران، کمیته توسعه و ترویج، کمیته تعیین اولویت‌ها و شوراهای استانی از زیرمجموعه‌های این شورا هستند. کمیته مدیریت بحران نیز موظف است حداکثر تا ۲۴ ساعت پس از وقوع هر حادثه تشکیل جلسه دهد. به گفته اولیایی، تجربه همه‌گیری کرونا نشان داد که با وجود اقدامات گسترده اتاق ایران و فعالان بخش خصوصی، گزارش مستند و پایش دقیقی از این فعالیت‌ها وجود ندارد. شورای راهبردی با هدف رفع همین پراکندگی و ایجاد امکان رصد سهم بخش خصوصی در فعالیت‌های اجتماعی و خیرخواهانه تشکیل شده است. او مسئولیت اجتماعی بنگاهی را متفاوت از کار خیر دانست و گفت: «هر بنگاه در قبال محیط زیست و جامعه مسئولیت‌هایی دارد که با فعالیت‌های خیرخواهانه مبتنی بر سود بنگاه تفاوت دارد.» این شورا هر دو حوزه را پیگیری می‌کند و در کنار ایجاد ارتباطی مدون میان اتاق ایران، حاکمیت و مردم، فعالان اقتصادی پیشرو در مسئولیت اجتماعی و امور نیکوکارانه را معرفی و از آنان تجلیل می‌کند.

**آگهی ابلاغ**

**آقای دکتر علیرضا تاجر**
**با کد ملی ۷۶۱۵۳۶۱۸**

نظر به این که پرونده جنابعالی به علت غیبت غیر موجه متوالی در هیئت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان سازمان انتقال خون ایران مورد بررسی قرار گرفته و منجر به صدور رای قابل پژوهش شده است، و باتوجه‌به گزارش اداره کل انتقال خون استان اصفهان مبنی بر عدم دسترسی به جنابعالی، خواهشمند است حداکثر تا ده روز پس از درج این آگهی، جهت دریافت رای به دفتر این هیئت به نشانی تهران - بزرگراه شیخ فضل‌الله نوری - تقاطع بزرگراه شهید همت جنب برج میلاد بلوک C طبقه همکف مراجعه نمایید.
بدیهی است پس از انقضاء مهلت مقرر رای صادره لازم‌الاجرا خواهد بود.

**شناسه آگهی: ۲۲۶۳۴۵۳ م الف: ۱۷۸۹**
**سازمان انتقال خون ایران**

ارکا | پیام ما

«پیام ما» کلیات بودجه ۲۱ هزار میلیارد تومانی مسئولیت اجتماعی شرکت‌های بورسی را بررسی می‌کند

# ۲۱ همت پشت ویترین مسئولیت اجتماعی

**| پیام ما | روی کاغذهای مجمع، همه‌چیز تمیز و مرتب است. نام شرکت در بالای صفحه می‌آید، عددها در ستون‌ها می‌نشینند و کنار یکی از ردیف‌ها نوشته می‌شود: «بودجه مسئولیت اجتماعی». امسال رقم این ردیف در ۴۰ شرکت بورسی از ۲۱ هزار میلیارد تومان گذشته است. بیرون از صورت‌های مالی اما مسئولیت اجتماعی شکل دیگری دارد. آنجا دیگر فقط با یک عدد سروکار نداریم؛ پای آب‌وهوا، سلامت کارگران، ایمنی جاده‌ها، مدرسه‌های فرسوده و آینده شهرها و روستاهایی در میان است که در کنار معدن، فولاد، پتروشیمی یا پالایشگاه رشد کرده‌اند.**

برای مردمی که در مجاورت صنایع و معادن زندگی می‌کنند، مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) یک اصطلاح مدیریتی نیست. اثر آن باید در زندگی روزمره دیده شود. صنعت از آب، خاک، انرژی و نیروی انسانی یک منطقه استفاده می‌کند و در مقابل، رد حضورش را بر محیط و اقتصاد محلی باقی می‌گذارد. مسئولیت اجتماعی از همین رابطه آغاز می‌شود؛ از جایی که شرکت باید آثار فعالیت خود را بشناسد، زیان‌ها را کاهش دهد و سهمی روشن و قابل سنجش در بهبود زندگی جامعه میزبان داشته باشد.

بررسی اطلاعیه‌ها و مصوبات مجامع ۴۰ شرکت بورسی نشان می‌دهد مجموع ارقامی که این شرکت‌ها برای سال ۱۴۰۵ ذیل مسئولیت اجتماعی اعلام کرده‌اند، به ۲۱ هزار و ۱۵۱ میلیارد تومان رسیده است. این رقم نسبت به سال قبل ۱۲۵ درصد رشد دارد. شرکت ملی صنایع مس ایران با بودجه ۱۰ هزار میلیارد تومانی در صدر فهرست قرار گرفته است و فولاد مبارکه نیز یکی دیگر از شرکت‌هایی است که بودجه بزرگی به این حوزه اختصاص داده‌اند.

عددها در نگاه نخست از افزایش توجه بنگاه‌ها به جامعه خبر می‌دهند، اما با کمی فاصله گرفتن از جدول، تصویر پیچیده‌تر می‌شود. بخشی از این مبالغ، بودجه مصوب برای سال پیش‌روست و هنوز هزینه نشده است. بخشی دیگر، عملکردی است که شرکت‌ها از سال قبل گزارش کرده‌اند. در بعضی موارد نیز هزینه‌های ورزشی، تبلیغاتی، مناسبتی و کمک‌های موردی در کنار پروژه‌های محیط‌زیستی، درمانی و زیرساختی قرار گرفته‌اند. نتیجه، جدولی است که حجم پول را نشان می‌دهد، اما درباره ماهیت و اثر آن اطلاعات کافی در اختیار نمی‌گذارد.

این ۲۱ هزار و ۱۵۱ میلیارد تومان نیز مجموع بودجه همه شرکت‌های بورسی نیست و فقط به ۴۰ شرکت بررسی‌شده مربوط می‌شود. بنابراین، نمی‌توان آن را نماینده رفتار کل بازار سرمایه دانست. از سوی دیگر، بودجه مصوب با پول پرداخت‌شده و پول پرداخت‌شده با اثر اجتماعی یکسان نیست. ممکن است شرکتی رقم بزرگی تصویب کند، اما فقط بخشی از آن را هزینه کند. همچنین ممکن است تمام بودجه خرج شود، اما پروژه انتخاب‌شده ارتباط اندکی با مسائل اصلی جامعه یا آثار فعالیت شرکت داشته باشد.

> **محمود اولیایی: آمیختن کار خیر با مسئولیت اجتماعی نخستین خطا در فهم این مفهوم است اختصاص بخشی از سود فعالیت اقتصادی به امور خیریه به‌خودی‌خود مسئولیت اجتماعی نیست**

### وقتی یک اصلاحیه، صورت مسئله را تغییر می‌دهد

ماجرای فولاد مبارکه نمونه روشنی از آشفتگی در طبقه‌بندی هزینه‌هاست. در گزارش‌های اولیه، رقم ۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به‌عنوان بودجه مسئولیت اجتماعی این شرکت بازتاب یافت. بعدتر، در اصلاحیه منتشرشده در سامانه کدال، ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان کمک تبلیغاتی به باشگاه سپاهان از ۲ هزار میلیارد تومان بودجه مسئولیت اجتماعی جدا شد.

این تفکیک اهمیت داشت. باشگاه سپاهان می‌تواند در ورزش حرفه‌ای، پرورش استعدادها و هویت شهری نقش داشته باشد، اما بخشی از هزینه آن ماهیت تبلیغاتی و تجاری دارد. اگر چنین رقمی بدون توضیح در کنار هزینه‌های محیط‌زیستی، درمانی یا توسعه روستاهای پیرامون کارخانه قرار گیرد، مرز میان مسئولیت اجتماعی و منافع تجاری شرکت محو می‌شود.

بودجه مسئولیت اجتماعی فولاد مبارکه در سال ۱۴۰۵ از هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان به ۲ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. شرکت اعلام کرده که ۹۰۰ میلیارد تومان افزایش بودجه را با هدف مشارکت در بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ در نظر گرفته است. این اقدام می‌تواند پاسخی به یک نیاز فوری باشد، اما برای ارزیابی آن باید محل هزینه، گروه‌های دریافت‌کننده، شیوه انتخاب پروژه‌ها و نتیجه نهایی نیز منتشر شود.

اصلاحیه فولاد مبارکه نکته دیگری را هم روشن کرد. وقتی فقط عدد نهایی دیده شود، ممکن است رشد بودجه بیش از میزان واقعی به نظر برسد. به همین دلیل، حتی رقم ۲۱ هزار و ۱۵۱ میلیارد تومان نیز بدون بررسی اسناد اصلاحی و تعریف دقیق سرفصل‌ها، تنها یک برآورد اولیه است.

در سوی دیگر، بعضی شرکت‌های بزرگ بودجه‌ای برای این حوزه تعیین نکرده‌اند. برای نمونه، بودجه مسئولیت اجتماعی شرکت مبین انرژی خلیج فارس در مجمع سالانه صفر اعلام شد. پالایش نفت اصفهان نیز ۲۴۶ میلیارد تومان هزینه مربوط به عملکرد سال قبل را افشا کرد، اما هنگام انتشار گزارش، بودجه سال ۱۴۰۵ آن هنوز تعیین نشده بود.

صفر بودن یک ردیف در صورت‌جلسه مجمع، به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که شرکت هیچ رفتار مسئولانه‌ای نداشته است؛ همان‌طور که ثبت چند هزار میلیارد تومان نیز گواه مسئولیت‌پذیری نیست. ممکن است یک شرکت بدون پرداخت کمک‌های گسترده، استانداردهای بالایی در ایمنی، حقوق کار، کاهش آلودگی و مصرف منابع داشته باشد. در مقابل، شرکتی می‌تواند پول زیادی میان پروژه‌های مختلف توزیع کند و هم‌زمان درباره آثار اصلی فعالیت خود پاسخ روشنی ندهد.

این تفاوت‌های شدید نشان می‌دهد شرکت‌ها هنوز مسئولیت اجتماعی را با یک زبان مشترک گزارش نمی‌کنند. یک بنگاه هزینه باشگاه‌داری را در این ردیف می‌گذارد، دیگری کمک به مراسم مذهبی را ثبت می‌کند، شرکتی ساخت جاده را مسئولیت اجتماعی می‌داند و شرکت دیگری فعالیت مربوط به کاهش آلودگی فرایند تولید را در همین سرفصل می‌آورد. حاصل کار، مجموعه‌ای از ارقام است که مقایسه آنها دشوار است.

### خیریه می‌تواند مفید باشد، اما جای مسئولیت را نمی‌گیرد

در بسیاری از گزارش‌های شرکتی، مسئولیت اجتماعی با ساخت مدرسه، تهیه بسته معیشتی، حمایت از یک مراسم یا کمک به مؤسسه‌ای خیریه شناخته می‌شود. این اقدامات ممکن است برای خانواده‌ها و گروه‌های دریافت‌کننده ارزشمند باشند. مسئله زمانی شکل می‌گیرد که شرکت، کمک موردی را جایگزین اصلاح رفتار اصلی خود کند.

محمود اولیایی، رئیس کمیسیون مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی اتاق ایران، در دومین همایش توسعه پایدار در صنعت معدن‌کاری، آمیختن کار خیر با مسئولیت اجتماعی را نخستین خطا در فهم این مفهوم دانست. از نظر او، اختصاص بخشی از سود فعالیت اقتصادی به امور خیریه، به‌خودی‌خود مسئولیت اجتماعی نیست. تعبیر روشن او از مسئولیت اجتماعی شرکتی، «تولید مسئولانه» است.

تفاوت این دو را می‌توان در نقطه آغاز اقدام دید. کار خیریه معمولاً از نیاز یک گروه یا وقوع یک بحران شروع می‌شود. شرکت مبلغی می‌پردازد، کالایی اهدا می‌کند یا هزینه ساخت یک بنا را بر عهده می‌گیرد. این کمک می‌تواند ضروری و حتی نجات‌بخش باشد، اما لزوماً به فعالیت اصلی شرکت ارتباط ندارد.

مسئولیت اجتماعی از آثار خود بنگاه شروع می‌شود. یک شرکت معدنی باید مصرف آب، تخریب زمین، باطله‌ها، گردوغبار، ایمنی کارگران، وضعیت پیمانکاران، اشتغال بومی و آینده منطقه پس از پایان استخراج را بسنجد. برای یک فولادساز، مصرف انرژی و آب، انتشار آلاینده‌ها، پسماند صنعتی و سلامت نیروی کار در مرکز مسئولیت قرار دارد. پتروشیمی و پالایشگاه نیز باید درباره انتشار آلاینده‌ها، سلامت جامعه پیرامونی، خطرهای صنعتی و شرایط زنجیره تأمین پاسخ‌گو باشند.

محمد حب‌وطن، از کارشناسان حاضر در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران درباره قوانین مسئولیت اجتماعی، این تفاوت را با مثالی روشن توضیح داده است. به گفته او، اگر یک شرکت پتروشیمی هوا را آلوده کند و سپس مدرسه بسازد، ساخت مدرسه به معنای انجام مسئولیت اجتماعی آن شرکت نیست. مدرسه اقدام مفیدی است، اما جای کاهش آلودگی را نمی‌گیرد. این همان مرزی است که در بسیاری از گزارش‌های رسمی محو می‌شود. شرکتی که بخشی از درآمدش را میان پروژه‌های خیرخواهانه توزیع می‌کند، همچنان باید درباره کیفیت تولید، حقوق کارکنان، مصرف منابع و آثار محیط‌زیستی خود توضیح دهد. انجام کار خیر، شرکت را از جبران یا کاهش زیان‌های ناشی از فعالیتش معاف نمی‌کند.

مسئولیت اجتماعی با روابط عمومی نیز تفاوت دارد. تعداد خبرهای منتشرشده، مراسم افتتاح، بنرها و لوح‌های تقدیر، اثر اجتماعی را نشان نمی‌دهد. ممکن است یک پروژه بارها در رسانه‌ها دیده شود، اما پس از افتتاح، بودجه نگهداری یا نیروی متخصص نداشته باشد. همچنین ممکن است ساختمانی ساخته شود که در اولویت جامعه محلی نبوده یا در جایی قرار گرفته باشد که دسترسی به آن دشوار است. در چنین شرایطی، هزینه ثبت و عکس‌ها منتشر شده‌اند، اما تغییر پایداری در زندگی مردم رخ نداده است.

استاندارد ISO ۲۶۰۰۰ نیز مسئولیت اجتماعی را به آثار تصمیم‌ها و فعالیت‌های سازمان بر جامعه و محیط‌زیست پیوند می‌دهد. این استاندارد گواهینامه‌ای برای نصب روی دیوار شرکت نیست، بلکه راهنمایی برای تبدیل اصول مسئولیت‌پذیری به عمل است. چارچوب گزارش‌دهی GRI هم از شرکت‌ها می‌خواهد مهم‌ترین آثار اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی خود را شناسایی کنند و توضیح دهند که چگونه آنها را مدیریت می‌کنند. در چنین گزارشی، شرکت فقط از کارهای مثبت خود نمی‌نویسد. میزان مصرف آب، انتشار آلاینده‌ها، حوادث شغلی، تأثیر بر جوامع محلی و روند جبران خسارت نیز باید دیده شود. گزارش پایداری، بروشور افتخارات شرکت نیست؛ سندی است که امکان داوری درباره رفتار بنگاه را فراهم می‌کند.

### مسئولیت صنایع از درون خط تولید آغاز می‌شود

اثر فعالیت صنایع بزرگ پشت دیوار کارخانه نمی‌ماند. کامیون‌های حامل مواد معدنی از جاده‌های عمومی عبور می‌کنند. کارخانه‌ها از منابع آب و انرژی استفاده می‌کنند. معدن، شکل زمین و اقتصاد محلی را تغییر می‌دهد. پالایشگاه و پتروشیمی نیز با خطرهای صنعتی و انتشار آلاینده‌ها سروکار دارند. تصمیم یک شرکت درباره محل تأمین کالا، استخدام نیرو یا مدیریت پسماند می‌تواند زندگی هزاران نفر را در مناطق پیرامونی تغییر دهد.

به همین دلیل، مسئولیت اجتماعی یک معدن باید با برنامه استخراج و تولید آن پیوند داشته باشد. کاهش مصرف و آلودگی آب، مدیریت باطله، احیای زمین، ایمنی کارگران و پیمانکاران، استفاده از تأمین‌کنندگان محلی و آموزش نیروی بومی در همین چارچوب قرار می‌گیرند. معدن همچنین باید برای روزی که ذخیره اقتصادی آن پایان می‌یابد، برنامه داشته باشد. منطقه‌ای که سال‌ها اقتصادش به یک معدن وابسته بوده است، نباید پس از کاهش تولید با بیکاری، مهاجرت و زیرساخت‌های بدون استفاده تنها بماند.

در صنایع فولادی، پالایشی و پتروشیمی نیز مسیر مشابهی وجود دارد. مسئولیت از رعایت قانون فراتر می‌رود، اما نمی‌تواند جای اجرای قانون را بگیرد. پرداخت پول برای پروژه‌های اجتماعی، مجوز آلودگی بیشتر یا نادیده گرفتن حقوق کارگران نیست. ابتدا باید از آسیب پیشگیری کرد یا آن را کاهش داد؛ سپس شرکت می‌تواند برای توسعه اجتماعی و اقتصادی منطقه سرمایه‌گذاری کند.

علی ربیعی، جامعه‌شناس و وزیر پیشین تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در نشست انجمن جامعه‌شناسی ایران گفته بود شرکت‌ها باید آثار اقدام‌های خود و تأثیرشان بر جامعه را ببینند. او همچنین هشدار داده بود که بودجه مسئولیت اجتماعی در برخی شرکت‌های دولتی و خصولتی به ابزاری برای امتیاز دادن به ذی‌نفعان ناحق تبدیل شده است.

این هشدار به یکی از نقاط آسیب‌پذیر بودجه‌های اجتماعی اشاره دارد. وقتی معیار و سازوکار شفافی وجود ندارد، فهرست پروژه‌ها ممکن است زیر فشار مقام‌های محلی، مدیران، گروه‌های بانفوذ یا درخواست‌های پراکنده شکل بگیرد. پروژه‌ای که قدرت چانه‌زنی بیشتری پشت آن قرار دارد، سهم بزرگ‌تری می‌گیرد و نیازهای گروه‌هایی که صدای کمتری دارند، کنار می‌ماند.

**ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.**

| اطلاع رسانی |

اسنپ در طرح مسئولیت اجتماعی جدید خود به بازسازی پس از جنگ در هرمزگان می‌پردازد

# خانه‌ای برای بازگشت کودکان

**خانه برای ۲۰ زن سرپرست خانوار در هرمزگان، فقط چند دیوار آسیب‌دیده و سقفی نیست که باید دوباره ساخته شود؛ کودکان این خانواده‌ها اکنون به‌طور موقت دور از محیط خانواده زندگی می‌کنند و بازگشتشان به فضایی امن در کنار خانواده، به فراهم‌شدن سرپناهی امن گره خورده است. در چنین وضعیتی، بازسازی خانه بخشی از مسیری طولانی‌تر است؛ مسیری که باید خانواده را دوباره کنار هم بنشاند و امکان ادامه زندگی را به آن‌ها بازگرداند.**

**اسنپ با اختصاص سه میلیارد تومان، هزینه تأمین یا بازسازی خانه ۲۰ زن سرپرست خانوار آسیب‌دیده از جنگ را در هرمزگان بر عهده گرفته است؛ طرحی که نتیجه آن باید فراتر از ساخت دیوار و سقف، در بازگشت کودکان و بازیابی زندگی خانواده‌ها دیده شود.**

اسنپ با همکاری موسسه خیریه «نفس آفتاب» اجرای طرحی را با عنوان «این راه به خونه می‌رسه» آغاز کرده است. بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی اسنپ، سه میلیارد تومان برای تأمین دوباره یا بازسازی خانه ۲۰ زن سرپرست خانوار در استان هرمزگان اختصاص می‌یابد. این خانه‌ها در بندرعباس، خمیر، میناب، سیریک، جاسک، بندرلنگه و رودان قرار دارند و در جریان جنگ ۳۹ روزه آسیب دیده‌اند. ارزیابی‌های میدانی موسسه نفس آفتاب نشان می‌دهد بیش از ۱۰۰ خانوار آسیب‌دیده از جنگ در هرمزگان به حمایت نیاز دارند. برخی از آن‌ها خانه خود را از دست داده یا با خسارت جدی محل سکونت روبه‌رو شده‌اند. بعضی نیز به‌دلیل مشکلات معیشتی یا از دست رفتن منبع درآمد، امکان ادامه زندگی در شرایط پیشین را ندارند. پیامد این وضعیت برای تعدادی از خانواده‌ها، زندگی موقت اعضای خانواده دور از یکدیگر بوده است.

امیررضا خادم، مدیرعامل مؤسسه خیریه نفس آفتاب، می‌گوید: «استان هرمزگان در جنوب کشور از جمله استان‌هایی است که ساکنان آن در پی وقوع جنگ اخیر دچار آسیب و خسارت‌های زیادی شده‌اند. موسسه نفس آفتاب، با ارزیابی‌های میدانی، بیش از ۱۰۰ خانوار آسیب‌دیده از جنگ را در این استان شناسایی کرده که نیاز به حمایت دارند.» از میان این خانوارها، ۲۰ خانواده را زنان اداره می‌کنند. آسیب‌دیدن خانه، مشکلات معیشتی و نبود امکان مراقبت پایدار از فرزندان باعث شده است کودکان این خانواده‌ها به‌طور موقت خارج از محیط خانواده زندگی کنند. به همین دلیل، تأمین سرپناه در این طرح به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های بازگشت کودکان و بازپیوند اعضای خانواده در نظر گرفته شده است.

### خانه، نقطه آغاز بازگشت

بازسازی پس از جنگ معمولاً با شمار واحدهای مرمت‌شده، میزان مصالح مصرفی یا رقم اعتبارات سنجیده می‌شود؛ اما برای خانواده‌ای که اعضایش از یکدیگر جدا شده‌اند، معنای بازسازی بسیار گسترده‌تر است. خانه باید دوباره امکان زندگی جمعی، مراقبت از کودکان، دسترسی به آموزش و از سر گرفتن فعالیت اقتصادی را فراهم کند. دفتر اسکان بشر سازمان ملل در دستورالعمل‌های مربوط به بازسازی پس از بحران تأکید می‌کند که بازسازی مسکن زمانی به بازیابی پایدار منجر می‌شود که نیازهای اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها نیز در طراحی آن دیده شود. گزارش‌های سازمان ملل درباره بازسازی پس از جنگ و بلایای طبیعی نیز زنان سرپرست خانوار را در شمار گروه‌هایی قرار می‌دهند که ممکن است برای دسترسی به منابع مالی، اثبات مالکیت، دریافت کمک‌های بازسازی و بازگرداندن معیشت خود با موانع بیشتری روبه‌رو شوند. سازمان زنان ملل متحد نیز در ارزیابی نیازهای پس از بحران، بر بررسی هم‌زمان خسارت مسکن و از بین رفتن دارایی‌هایی تأکید دارد که زنان از طریق آن‌ها درآمد کسب می‌کنند.

این مسئله در هرمزگان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا اطلاعات منتشرشده از طرح نشان می‌دهد آسیب به خانه با مشکلات معیشتی و از دست رفتن منبع درآمد برخی خانواده‌ها همراه شده است. اگر زنی پس از بازسازی خانه همچنان درآمد پایداری نداشته باشد، پرداخت هزینه‌های آب، برق، خوراک، تحصیل و درمان می‌تواند دوباره خانواده را در موقعیتی شکننده قرار دهد. خانه ساخته می‌شود، اما امکان ماندن در آن هنوز قطعی نیست. به همین دلیل، موسسه نفس آفتاب اعلام کرده است که برنامه حمایت از این خانواده‌ها به مرمت فیزیکی خانه محدود نمی‌شود. ارزیابی نیازهای هر خانواده، حمایت روانی و اجتماعی و «مدیریت مورد» نیز بخشی از برنامه بازتوانی است. در مدیریت مورد، وضعیت هر خانواده جداگانه بررسی می‌شود و خدمات موردنیاز آن، از سرپناه تا معیشت و حمایت روانی، در یک مسیر مشخص پیگیری می‌شود. اهمیت این رویکرد زمانی بیشتر روشن می‌شود که کودکان خانواده ناچار به زندگی موقت در محیطی دیگر شده باشند. یونیسف در برنامه‌های حمایت از کودکان آسیب‌دیده از جنگ، بازپیوند خانواده را در کنار سرپناه امن، حمایت روانی و مدیریت مورد قرار می‌دهد. بازگشت کودک، تنها انتقال او از یک محل به محل دیگر نیست. محیط خانه باید امن باشد و خانواده نیز توان مراقبت پایدار از او را داشته باشد.

### سهم بخش خصوصی در بازسازی

محمد خلج، مدیرعامل اسنپ، درباره مشارکت این شرکت می‌گوید: «اسنپ در طرح «این راه به خونه می‌رسه» در تهیه دوباره یا بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده از جنگ ۲۰ زن سرپرست خانوار در هرمزگان با خیریه نفس آفتاب مشارکت می‌کند. این طرح در راستای طرح‌های حمایتی اسنپ از زنان و با هدف بازپیوند خانواده‌ها اجرا می‌شود.» ورود یک شرکت خصوصی به بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده می‌تواند بخشی از منابع موردنیاز برای بازتوانی خانواده‌ها را فراهم کند، به‌ویژه در شرایطی که دامنه خسارت از توان مالی خود خانواده‌ها بیشتر است. همکاری با یک سازمان مردم‌نهاد نیز امکان شناسایی میدانی خانواده‌ها و پیگیری وضعیت آن‌ها را فراهم می‌کند. بااین‌حال، مسئولیت اجتماعی زمانی از یک اقدام مناسبتی فراتر می‌رود که نتیجه آن قابل‌اندازه‌گیری و گزارش آن در دسترس عموم باشد. تقسیم ساده اعتبار سه میلیارد تومانی میان ۲۰ خانه، به‌طور میانگین ۱۵۰ میلیون تومان برای هر واحد به دست می‌دهد، اما روشن است که میزان خسارت و نیاز خانواده‌ها یکسان نیست. ممکن است خانه‌ای به تعمیر محدود نیاز داشته باشد و برای خانه‌ای دیگر، ساخت دوباره یا تأمین مسکن جایگزین ضروری باشد.

پیمان جهانی سازمان ملل، نقش شرکت‌ها در مناطق درگیر بحران را مکمل اقدام دولت می‌داند، نه جایگزین آن. این نهاد بر همکاری شرکت‌ها با دولت، سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه محلی و همچنین پایش و گزارش عمومی نتایج تأکید می‌کند. بر اساس چارچوب رهبری کسب‌وکار در اهداف توسعه پایدار، اقدام مسئولانه شرکت‌ها در بحران باید پاسخ‌گو باشد و آثار آن بر جامعه آسیب‌دیده به‌طور مستمر ارزیابی شود.

از این منظر، بازسازی ۲۰ خانه می‌تواند نمونه‌ای از تقسیم مسئولیت میان بخش خصوصی و جامعه مدنی باشد؛ گرچه مسئولیت تأمین مسکن و حمایت اجتماعی گسترده از خانوارهای آسیب‌دیده همچنان برعهده نهادهای عمومی است و خانواده‌های زیادی برای بازگشت به زندگی عادی نیاز به حمایت دارند.

### بازسازی زندگی، پس از بازسازی خانه

موسسه «نفس آفتاب» فعالیت خود را از سال ۱۴۰۳ با تمرکز بر نگهداری و حمایت از کودکان فاقد سرپرست مؤثر آغاز کرده است. بر اساس اطلاعات وب‌سایت رسمی مؤسسه، این نهاد با مجوز سازمان بهزیستی فعالیت می‌کند و در کنار اداره مراکز شبه‌خانواده، در زمینه بازپیوند کودکان با خانواده‌های زیستی نیز فعال است. پس از جنگ ۳۹ روزه، بخشی از فعالیت مؤسسه به خانواده‌های آسیب‌دیده هرمزگان اختصاص یافته است.

تجربه این موسسه در بازپیوند کودکان می‌تواند به طرح بازسازی خانه‌ها معنایی متفاوت بدهد. در چنین برنامه‌ای، تحویل کلید یک واحد مسکونی نقطه پایان نیست. نتیجه واقعی زمانی دیده می‌شود که کودک بتواند با امنیت به خانه بازگردد، مادر توان اداره زندگی را داشته باشد و خانواده چند ماه بعد دوباره در معرض جدایی قرار نگیرد. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای، موسسه نفس آفتاب نیز سایر حمایت‌های لازم از جمله تامین اشتغال و درآمد پایدار، دسترسی کودکان به مدرسه و خدمات درمانی، نیازهای روانی اعضای خانواده و ایمنی خانه‌های بازسازی‌شده پس از تحویل واحدها را پیگیر می‌کند. این طرح در مرحله آغاز قرار دارد و اسنپ پس از اجرای کامل آن، مانند سایر طرح‌های مسئولیت اجتماعی خود، نتایج طرح را اطلاع‌رسانی می‌کند.

هرمزگان

## برق اضطراری مانع توقف خدمات آرامستان بندرعباس شد

قاسمی- رئیس سازمان مدیریت آرامستان شهرداری بندرعباس از تجهیز واحد خدمات امور متوفیات به‌به برق اضطراری در راستای خدمات‌رسانی هرچه شایسته‌تر به مراجعین خبر داد.
به گزارش مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری بندرعباس به نقل از روابط‌عمومی سازمان مدیریت آرامستان شهرداری بندرعباس؛ علی نوردینی مقدم دراین‌ارتباط اظهارکرد: در پی اعلام اداره برق مبنی بر اجرای برنامه خاموشی اضطراری جهت مدیریت بار، سازمان مدیریت آرامستان شهرداری بندرعباس در راستای تداوم ارائه خدمات به شهروندان و جلوگیری از بروز هرگونه مشکل در امور متوفیات، اقدامات فوری انجام داد.
سرپرست سازمان مدیریت آرامستان شهرداری بندرعباس اعلام کرد: به‌منظور سرعت‌بخشیدن به فرایند ارائه خدمات در واحد امور متوفیات و اطمینان از عدم توقف فعالیت‌های اداری و سیستمی، یک دستگاه موتوربرق با ظرفیت ۹ کیلووات به این سازمان تجهیز شده است.
نوردینی مقدم با تأکید بر اهمیت حفظ آرامش شهروندان در شرایط حساس، خاطرنشان کرد: با راه‌اندازی این دستگاه، تمامی فرایندهای ثبت درخواست و ارائه خدمات به مراجعین در زمان خاموشی برق بدون هیچ‌گونه وقفه و با سهولت کامل انجام می‌شود و هدف ما این است که شهروندان در سخت‌ترین لحظات، با کمترین چالش اداری در بخش خدمات متوفی مواجه شوند.
این اقدام سریع سازمان مدیریت آرامستان، با استقبال مراجعین و جلوگیری از تجمع یا تأخیر در انجام امور قانونی متوفیان، موردتوجه قرار گرفته است.

کرمانشاه

## افزایش ظرفیت تولید برق کرمانشاه به ۲۳۰۰ مگاوات با بهره‌برداری از «نیروگاه دالاهو»

مصطفی رجبی مشهدی، معاون برق و انرژی وزارت نیرو، در آیین بهره‌برداری از پروژه‌های ۳۱۹ میلیارد تومانی استان کرمانشاه، از افزایش ظرفیت تولید برق این استان به بیش از ۲۳۰۰ مگاوات خبر داد. وی با اشاره به تکمیل نیروگاه سیکل ترکیبی دالاهو با سرمایه‌گذاری ۵۰ هزار میلیارد تومان، تأکید کرد که با بهره‌برداری کامل از این نیروگاه، راندمان تولید به بیش از ۵۸.۵ درصد افزایش یافته است.
معاون وزارت نیرو با بیان اینکه میزان مصرف برق کرمانشاه حدود ۱۰۰۰ مگاوات است، اظهار داشت: ظرفیت کنونی استان نه‌تنها نیاز داخلی را پوشش می‌دهد، بلکه می‌تواند به تأمین برق استان‌های هم‌جوار نیز کمک کند. وی افزود که توسعه زیرساخت‌ها، از جمله هفت طرح مهم در حوزه انتقال و فوق توزیع که به‌زودی به بهره‌برداری می‌رسند، زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش صنعت خواهد بود.
رجبی مشهدی همچنین با اشاره به ارتقای شبکه توزیع، از صرف ۳۸۰ میلیارد تومان برای بهبود کیفیت خدمات و رفاه مردم خبر داد. وی با تأکید بر پایداری شبکه، تصریح کرد که کرمانشاه در حال حاضر با مشکلاتی نظیر افت ولتاژ یا اضافه‌بار مواجه نیست. وی در پایان، با قدردانی از تلاش کارکنان صنعت برق در شرایط تنگناهای مالی، خاطرنشان کرد که امسال تأمین انرژی‌بخش صنعت ۱۴ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته و محدودیت‌های مصرف در شهرک‌های صنعتی نیز به حداقل رسیده است.

مازندران

## سرمایه‌گذاری ۲۳ هزار میلیاردی برای پایداری برق مازندران

نشست مشترک استاندار مازندران و مدیرعامل شرکت توانیر با هدف بررسی راهکارهای تقویت زیرساخت‌های انرژی و پایداری شبکه برگزار شد. در این دیدار، محورهای کلیدی شامل سرمایه‌گذاری ۲۳ هزار میلیارد تومانی (۲۳ همت) و بهره‌برداری از ۵۰ پروژه حیاتی مورد تأکید قرار گرفت.
محمد اله‌داد، مدیرعامل توانیر، با اشاره به اقدامات دولت چهاردهم در مازندران، از بهره‌برداری ۱۵ پروژه زیربنایی با اعتباری بالغ بر ۷ هزار میلیارد تومان در هفته دولت خبر داد. وی پایداری شبکه برق در تابستان ۱۴۰۵ را مرهون اجرای موفق پویش‌های مدیریت مصرف و همکاری گسترده صنایع دانست.
استاندار مازندران نیز با تأکید بر لزوم تنوع‌بخشی به سبد انرژی، از برنامه‌ریزی برای افزایش ۱۳۰۰ مگاواتی ظرفیت تولید برق استان خبر داد. وی تصریح کرد که طی دو سال اخیر ۵۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید اضافه شده و ۸۰۰ مگاوات دیگر نیز در دست اجراست. اولویت اصلی استان، بهره‌گیری از نیروگاه‌های مقیاس کوچک (DG) و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است. در همین راستا، عملیات ساخت نخستین نیروگاه خورشیدی شناور کشور به ظرفیت ۱.۲ مگاوات در منطقه گاودشت با جدیت در حال پیگیری است. این پروژه گامی راهبردی برای تأمین انرژی پایدار و حفظ محیط‌زیست تلقی می‌شود. در پایان، این نشست بر اهمیت نوسازی مستمر شبکه و استفاده از فناوری‌های نوآورانه تأکید کرد تا ضمن تأمین نیاز صنایع، رفاه مردم مازندران در پیک‌های مصرف تضمین شود.

قم

### تحول در کارکرد وقف قم

## از حمایت از علم تا مبارزه با ریزگردها

عباس نژاد- حجت‌الاسلام‌والمسلمین عباس اسکندری، مدیرکل اوقاف و امور خیریه استان قم، در نشست خبری به مناسبت هفته وقف، از چشم‌اندازهای نوین این نهاد در حوزه‌های علمی، زیست‌محیطی و زیرساختی خبر داد. وی با تأکید بر تغییر رویکرد وقف از نگاه سنتی به نگاه تمدنی، بر ضرورت حمایت از دو نیاز حیاتی کشور یعنی «توسعه علم» و «تعمیق ایمان» تأکید کرد و پیشنهاد ایجاد صندوق وقف برای حمایت از محققان و دانشمندان را مطرح نمود.
مدیرکل اوقاف قم با ارائه آمارهای جدید، اعلام کرد که از ابتدای سال جاری تاکنون، ۱۴ فقره وقف جدید به ارزش تقریبی ۲۵۰ میلیارد تومان در استان ثبت شده است. وی همچنین با تشریح خدمات گسترده اراضی موقوفه، اشاره کرد که بیش از ۱۲۹ هزار مترمربع از اراضی در اختیار ادارات قرار دارد که بخش قابل‌توجهی از آن به حوزه‌های بهداشت، درمان، آموزش‌وپرورش و ایجاد فضاهای سبز شهری اختصاص‌یافته‌است.
یکی از مهم‌ترین بخش‌های سخنان اسکندری، ورود اوقاف به عرصه‌های زیست‌محیطی بود. وی از برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در قالب طرح بیابان‌زدایی در ۲۰۰۰ هکتار از زمین‌های اطراف قم خبر داد. هدف از این پروژه، کاشت درخت و ایجاد مانعی طبیعی برای جلوگیری از انتشار ریزگردها و جلوگیری از ورود آن‌ها به استان‌های هم‌جوار از جمله اصفهان و مرکزی اعلام شد. علاوه بر این، وی از آمادگی اوقاف برای احداث یک اردوگاه بزرگ ۱۱۰ هکتاری برای دانش‌آموزان و دانشجویان در نزدیکی امامزاده فردو خبر داد.
در بخش پروژه‌های زیرساختی، اسکندری از پیشرفت ۹۵ درصدی مجتمع تفریحی و گردشگری منطقه «کرم‌جگان» خبر داد و با اشاره به چالش‌های پیش‌آمده، اظهار داشت مراحل حل مشکلات مربوط به طرح پنل‌های خورشیدی موقوفه در حال نهایی‌شدن است. وی همچنین در خصوص زیباسازی شهری تأکید کرد که اوقاف با انعقاد تفاهم‌نامه با شهرداری، از بازسازی‌ها حمایت می‌کند اما ماهیت اصلی اموال موقوفه را حفظ خواهد کرد.
در حوزه مدیریت شهری و مزار، مدیرکل اوقاف با تشریح طرح بازسازی «قبرستان نو»، بر حفظ حرمت قبور مؤمنین و شخصیت‌های علمی و شهدای بزرگ تأکید کرد و افزود ساماندهی تنها از طریق شمع‌کوبی در بخش‌های فاقد تراکم انجام می‌شود. وی همچنین مذاکرات برای ساماندهی قبرستان وادی‌السلام را نیز با همین رویکرد ادامه می‌دهد. در پایان، وی با پاسخ به ابهامات مالی، قم را پیشرو در سنددار کردن تمامی موقوفات دانست و مرز تفکیک اقتصادی بین اوقاف و آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) را شفاف‌سازی کرد.

همدان

### توسعه شبکه هوشمند برق در همدان

## قرارداد ۲۳۰ میلیارد تومانی برای کاهش خاموشی‌ها

پرویزی سالار - شرکت توزیع نیروی برق استان با گسترش تعمیرات خط گرم، افزایش تجهیزات برق اضطراری و توسعه کلیدهای هوشمند، برنامه‌های جدیدی را برای کاهش مدت خاموشی‌ها و افزایش تاب‌آوری شبکه در دستور کار قرار داده است. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان، علی سهرابی بیدار، در نشست خبری اظهار کرد: در راستای کاهش خاموشی مشترکان و افزایش پایداری شبکه، توسعه تعمیرات و نگهداری شبکه به روش خط گرم در دستور کار قرار گرفته و تا پایان سال گذشته حدود ۲۳۰ میلیارد تومان قرارداد با پیمانکاران این حوزه منعقد شده است. وی افزود: در روش خط گرم، عملیات تعمیر، نگهداری و اصلاح شبکه بدون قطع برق مشترکان انجام می‌شود و استفاده از این شیوه به‌ویژه در نقاط حساس که امکان قطع برق وجود ندارد، اهمیت زیادی دارد. اجرای این طرح در سال جاری نیز ادامه خواهد داشت.
افزایش ناوگان ژنراتورهای اضطراری به ۴۵ دستگاه سهرابی بیدار با اشاره به تقویت تجهیزات تأمین برق اضطراری گفت: سال گذشته ۱۷ دستگاه ژنراتور اضطراری به ناوگان شرکت توزیع نیروی برق اضافه شد و تعداد مجموع ژنراتورهای موجود به ۴۵ دستگاه رسید. وی ادامه داد: مجموع ظرفیت این ژنراتورها نزدیک به ۲ مگاوات است و در شرایط اضطراری، زمان وقوع حوادث، مدیریت بار و همچنین تأمین برق نقاط حساس و ضروری مورداستفاده قرار می‌گیرند. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان تصریح کرد: در صورت وقوع حادثه یا ضرورت قطع برق در برخی نقاط، امکان اعزام ژنراتورهای اضطراری برای تأمین برق موردنیاز وجود دارد. این ظرفیت همچنین در زمان برگزاری مراسم و برنامه‌های مختلف شهری، در صورت نیاز و درخواست، می‌تواند برای تأمین برق اضطراری مورداستفاده قرار گیرد. رشد قابل‌توجه کلیدهای هوشمند شبکه برق سهرابی بیدار در ادامه از توسعه زیرساخت‌های هوشمندسازی شبکه برق خبر داد و گفت: مرکز مدیریت هوشمند شبکه برق استان موسوم به اسکادا (SCADA) از سال ۱۴۰۱ فعالیت خود را با ۲۱ کلید هوشمند آغاز کرد و این تعداد تا پایان سال گذشته به ۳۶۰ کلید هوشمند افزایش‌یافته است. وی افزود: توسعه تجهیزات هوشمند شبکه در سال جاری نیز ادامه دارد و این تجهیزات امکان مدیریت سریع‌تر شبکه و کاهش زمان خاموشی مشترکان را فراهم می‌کنند. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان بیان کرد: با استفاده از سیستم اسکادا، بسیاری از عملیات قطع و وصل شبکه بدون نیاز به اعزام نیرو و خودرو به محل حادثه و از طریق مرکز مدیریت هوشمند انجام می‌شود. وی خاطرنشان کرد: هوشمندسازی شبکه علاوه بر کاهش هزینه‌های عملیاتی و کاهش نیاز به اعزام خودرو و نیروی انسانی، زمان بازگشت برق به مشترکان را نیز کاهش می‌دهد. سهرابی بیدار گفت: در صورت بروز حادثه و آسیب‌دیدگی بخشی از شبکه، تجهیزات هوشمند این امکان را فراهم می‌کنند که قسمت آسیب‌دیده در کوتاه‌ترین زمان از سایر بخش‌ها جدا شود و برق مشترکان در نقاط دیگر شبکه سریع‌تر برقرار شود.

اصفهان

### وعده پیگیری در سطح دولت

## گره‌گشایی از LC قطار اصفهان - تهران

بهمن توکلی‌فرد - رفع مشکل LC قطار سریع‌السیر اصفهان - تهران در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت به گزارش خبرنگار ما، علیرضا صلواتی، مجری کل طرح‌های زیربنایی استان اصفهان، به مناسبت هفته دولت، از پیگیری جدی برای رفع موانع مالی پروژه قطار سریع‌السیر اصفهان - تهران خبر داد و تأکید کرد که حل مشکل اعتبار اسنادی (LC) این طرح، در اولویت پیگیری‌های استانی و ملی قرار دارد. صلواتی با بیان اینکه این پروژه یکی از مهم‌ترین اولویت‌های زیربنایی استان محسوب می‌شود، اظهار کرد: در حال حاضر موضوع حل مشکل اعتبار اسنادی از طریق بانک مرکزی و سازمان برنامه‌وبودجه در حال پیگیری است و امیدواریم با رفع این گره، روند اجرایی پروژه شتاب گیرد. مجری کل طرح‌های زیربنایی استان اصفهان با اشاره به لزوم تأمین منابع مالی پایدار برای این طرح ملی، از دو مسیر تأمین مالی خبر داد و افزود: علاوه بر تخصیص منابع دولتی، استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، شرکت‌های استانی و همچنین سیاست مولدسازی دارایی‌های دولت نیز به‌طورجدی دنبال می‌شود. وی با یادآوری تجربه موفق مشارکت مجموعه‌های اقتصادی استان در پروژه انتقال آب، خاطرنشان کرد که تلاش داریم همان مدل همکاری را برای جذب سرمایه‌گذاران بومی در پروژه ریلی نیز به کار بگیریم. صلواتی، در بخش دیگری از سخنان خود، با تأکید بر ابعاد بزرگ و ملی این پروژه، از نگارش نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور و معاون اول وی با پیگیری مشترک از سوی شهرهای اصفهان، قم و تهران خبر داد و گفت: شورای شهر نیز پای‌کار آمده و برای به سرانجام رسیدن این طرح که می‌تواند تحولی بزرگ در حمل‌ونقل کشور ایجاد کند، به یک عزم همگانی نیاز داریم. گفتنی است که تا لحظه تنظیم این خبر، بانک مرکزی و سازمان برنامه‌وبودجه واکنشی به جزئیات نحوه حل مشکل اعتبار اسنادی این پروژه نشان نداده‌اند.

خوزستان

## بهره‌برداری و آغاز عملیات اجرایی ۱۰ پروژه آب‌رسانی در شهرستان «کارون»

مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب اهواز از بهره‌برداری و آغاز عملیات اجرایی ۱۰ پروژه آب‌رسانی در شهرستان کارون با اعتبار ۴۶۰ میلیارد ریال خبر داد.
حسین عبیداوی اظهار کرد: هم‌زمان با هفته دولت، ۱۰ پروژه آب‌رسانی در شهرستان کارون با اعتباری بالغ بر ۴۶۰ میلیارد ریال به بهره‌برداری می‌رسد و عملیات اجرایی تعدادی از پروژه‌های جدید نیز آغاز خواهد شد. وی افزود: این پروژه‌ها باهدف توسعه و تقویت زیرساخت‌های آب‌رسانی، افزایش پایداری شبکه، ارتقای کیفیت خدمات و پاسخگویی به نیازهای آبی شهروندان در مناطق مختلف شهرستان کارون اجرا شده‌اند. مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب اهواز از بهره‌برداری طرح افزایش ظرفیت تصفیه‌خانه شماره ۲ اهواز (کیان‌آباد) در روزهای آینده خبر داد و گفت: این طرح باهدف افزایش ظرفیت تولید و تأمین آب شرب، تقویت پایداری شبکه و پاسخگویی به نیاز آبی شهروندان اجرا شده و با تکمیل مراحل نهایی، به‌زودی وارد مدار بهره‌برداری خواهد شد. عبیداوی با تأکید بر ضرورت توسعه ظرفیت‌های تأمین آب شرب، ادامه داد: اجرای این طرح‌ها بخشی از برنامه‌های شرکت آب‌وفاضلاب اهواز برای افزایش تاب‌آوری شبکه، ارتقای سطح خدمات‌رسانی و تأمین پایدار آب در مناطق تحت پوشش است. وی خاطرنشان کرد: هفته دولت فرصت مناسبی برای ارائه گزارش اقدامات و خدمات انجام‌شده به مردم است و شرکت آب‌وفاضلاب اهواز تلاش می‌کند با اجرای پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای، زمینه ارتقای کیفیت و پایداری خدمات را بیش‌ازپیش فراهم کند.

مرکزی

## بهره‌برداری از فاز دوم طرح اضطراری تأمین آب شرب اراک در هفته دولت

آزاده فراهانی- فاز دوم طرح اضطراری تأمین آب شرب شهر اراک، هم‌زمان با هفته دولت و با حضور مهدی زندیه وکیلی، استاندار مرکزی، به بهره‌برداری رسید.
مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان مرکزی در این مراسم با اشاره به‌قرار گرفتن اراک در شمار شهرهای پیشانی بحران آب کشور گفت: اجرای طرح‌های اضطراری تأمین آب شرب این شهر از سال ۱۴۰۲ و باهدف تقویت منابع تأمین و عبور از شرایط تنش آبی در دستور کار قرار گرفت.
سعید سر آبادانی افزود: در فاز نخست طرح اضطراری تأمین آب اراک، ۲۲ حلقه چاه حفر و تجهیز شد که با بهره‌برداری از آن‌ها، بیش از ۷۰۴ لیتر بر ثانیه به ظرفیت منابع تأمین آب شهر افزوده شد.
وی ادامه داد: فاز دوم این طرح شامل حفر و تجهیز هشت حلقه چاه جدید با ظرفیت ۲۱۲ لیتر بر ثانیه، اجرای پنج کیلومتر خط انتقال آب و اجرای پنج کیلومتر خط برق‌رسانی است که بااعتبار ۲۲۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به بهره‌برداری رسید.
مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان مرکزی بیان کرد: این طرح باهدف تأمین آب شرب موردنیاز جمعیت بهره‌مند در تمامی مناطق شهر اراک اجرا شده است و نقش مهمی در تقویت پایداری منابع آب این شهر دارد.
سر آبادانی با اشاره به افت سریع آبدهی چاه‌های موجود اظهار کرد: بخشی از ظرفیت ایجادشده در طرح‌های اضطراری صرف جبران افت منابع قبلی می‌شود؛ ازاین‌رو مدیریت مصرف آب و برنامه‌ریزی برای تأمین منابع پایدار، ضرورتی انکارناپذیر است.
وی همچنین از اجرای طرح‌های هم‌زمان برای کاهش تنش آبی در روستاها خبر داد و گفت: آب‌رسانی پایدار به روستای سوسن‌آباد که سال‌ها با تانکر انجام می‌شد، در دستور کار قرار گرفت. همچنین با حفر یک حلقه چاه، مشکل تنش آبی روستاهای واقع در جاده تهران از جمله معصومیه، قلعه‌نو و مالک‌آباد پیگیری شد.
به گفته وی، حفر چاه در روستاهای جیریا و مشکان و اصلاح کامل شبکه آب روستاهای مرادآباد و حسن‌آباد نیز از دیگر اقدامات انجام‌شده برای کاهش تنش آبی در مناطق روستایی است.
استاندار مرکزی نیز در این مراسم ضمن قدردانی از تلاش کارکنان، کارشناسان، پیمانکاران و مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان مرکزی گفت: اجرای این طرح‌ها حاصل کار جهادی و تلاش شبانه‌روزی مجموعه‌های اجرایی و عملیاتی است و نقش مهمی در تقویت پایداری آب شرب شهر اراک دارد.
وی با اشاره به نقش کلیدی این پروژه در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه، خاطرنشان کرد که مدیریت هوشمندانه منابع و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین، از اولویت‌های اصلی دولت و مدیریت استان برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون مردم است.
استاندار مرکزی با اشاره به استمرار خشکسالی در استان اظهار کرد: در سال گذشته، باوجود بارندگی در برخی استان‌ها، اراک همچنان در شرایط خشکسالی قرار داشت و میزان ذخیره سد کمال صالح به کمتر از ۳۰ درصد رسید. به همین دلیل، برداشت از منابع این سد ابتدا محدود و در ادامه به طور کامل متوقف شد تا از ظرفیت موجود برای تأمین آب شرب استفاده شود.
وی ادامه داد: در راستای مدیریت منابع آب، سهم تخصیص آب سد کمال صالح به بخش صنعت به صفر رسید و سرشاخه‌ها و ورودی‌های سد نیز به‌منظور افزایش بهره‌وری و بهبود آب‌گیری لایروبی شد. همچنین اجرای پروژه‌های بازچرخانی پساب و طرح‌های زودبازده در حوزه آبریز اراک و شازند آغاز شده است.

**آب‌رسانی پایدار به روستای سوسن‌آباد که سال‌ها با تانکر انجام می‌شد، در دستور کار قرار گرفت همچنین با حفر یک حلقه چاه مشکل تنش آبی روستاهای واقع در جاده تهران از جمله معصومیه قلعه‌نو و مالک‌آباد پیگیری شد**

خبر

## بزرگراه شهید رئیسی محرک توسعه شرق اصفهان

بهمن توکلی‌فرد - شهردار اصفهان با اشاره به بهره‌برداری از کلان پروژه بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی، این طرح را فراتر از یک پروژه ترافیکی و محرکی برای توسعه مناطق کم‌برخوردار حصه شمالی و جنوبی دانست. علی قاسم‌زاده در مراسم بهره‌برداری از این پروژه گفت: این بزرگراه به طول سه هزار متر و عرض ۵۰ متر، شامل یک هزار و ۸۰۰ متر زیرگذر و هفت پل است که با اتصال به رینگ چهارم و کنارگذر شرق، نقش مؤثری در روان‌سازی ترافیک و کاهش زمان سفر ایفا می‌کند. وی با اشاره به اینکه این مسیر پیش‌ازاین سالانه محل جان‌باختن حدود ۲۰ نفر بود، افزود: اجرای این پروژه یکی از نقاط پرخطر تصادفات منجر به فوت را در اصفهان رفع کرده و ایمنی تردد را ارتقا داده است. شهردار اصفهان با بیان اینکه ۷۰ درصد بودجه ۵۷.۸ همتی سال جاری به بخش عمرانی اختصاص دارد، خاطرنشان کرد: از ۴۸۹ پروژه عمرانی آغازشده، ۱۰۳ پروژه به بهره‌برداری رسیده است. وی تأکید کرد: هدف مدیریت شهری، استفاده از زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای افزایش رفاه و کیفیت زندگی شهروندان و توسعه متوازن شهری است. گفتنی است: این پروژه به‌صورت ویدیو با حضور دکتر پزشکیان رئیس‌جمهور افتتاح گردید.

## «سد آناهیتا» با حضور وزیر نیرو آبگیری شد

هم‌زمان با هفته دولت، سد آناهیتا (کبوتر لانه) در شهرستان کنگاور با حضور وزیر نیرو، استاندار کرمانشاه، نماینده مردم هرسین و کنگاور در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مدیران و مسئولان استان به‌صورت رسمی آبگیری شد. سد آناهیتا با ظرفیت مخزن حدود ۲۵ میلیون مترمکعب و حجم تنظیمی ۳۲ میلیون مترمکعب، باهدف تأمین آب شرب، کشاورزی و نیازهای صنعتی منطقه کنگاور احداث شده است. این سد در فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتری شرق کرمانشاه و در غرب شهر کنگاور واقع شده و عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۸۹ آغاز شده است.
وسعت اراضی مخزن سد آناهیتا ۱۳۵ هکتار است و از مهم‌ترین اهداف بهره‌برداری از این طرح می‌توان به تأمین آب موردنیاز برای آبیاری یک هزار و ۱۰۰ هکتار از اراضی پایین‌دست، تأمین پنج میلیون مترمکعب آب شرب بلندمدت شهر کنگاور، تأمین پنج میلیون مترمکعب آب موردنیاز بخش صنعت و اختصاص ۶ میلیون مترمکعب حقابه زیست‌محیطی اشاره کرد.
با آبگیری سد آناهیتا، یکی از طرح‌های مهم زیرساختی حوزه آب در شرق استان کرمانشاه وارد مرحله بهره‌برداری می‌شود و زمینه برای تقویت زیرساخت‌های تأمین آب شرب، توسعه کشاورزی و پشتیبانی از فعالیت‌های صنعتی در شهرستان کنگاور فراهم خواهد شد.

## اصلاح و توسعه شبکه توزیع آب شهر «شاهنجرین» در شهرستان «درگزین»

مدیر امور آب‌وفاضلاب این شهرستان از اجرای عملیات اصلاح و توسعه ۳۵۰ متر از شبکه توزیع آب شهر شاهنجرین باهدف ارتقای کیفیت خدمات‌رسانی و تأمین پایدار آب شرب مشترکان خبر داد.
سید ناصر حسینی بیدار اظهار کرد: برای اجرای برنامه‌های بهسازی زیرساخت‌های آب‌رسانی و کاهش هدررفت آب، عملیات اصلاح و توسعه شبکه توزیع آب در شهر شاهنجرین با موفقیت به اجرا درآمد. حسینی بیدار افزود: در این عملیات، ۳۵۰ متر از شبکه توزیع آب با استفاده از لوله پلی‌اتیلن سایز ۶۳ میلی‌متر اصلاح و توسعه یافت و هم‌زمان ۲۰ فقره انشعاب آب نیز استانداردسازی شد.
او با تأکید بر تداوم اجرای طرح‌های نوسازی شبکه‌های فرسوده مطرح کرد: اصلاح و بازسازی شبکه‌های توزیع آب از اولویت‌های این امور است و با اجرای این پروژه‌ها، گامی مؤثر در افزایش پایداری شبکه، کاهش هدررفت آب و بهبود کیفیت خدمات به مشترکان برداشته می‌شود.

نوبت اول

**آگهی مفقودی**

جواز اسلحه گلوله‌زنی کالیبر ۲۷۰ پنج تیر گلنگدنی به شماره سلاح 15PUCC00056 بنام عنایت‌اله محمدی سلیمانی فرزند هدایت‌اله مفقود گردیده است.

**آگهی مفقودی**

کارت دانشجویی اینجانب فاطمه میرشکاری فرزند علی به شماره ملی ۶۰۶۰۱۹۷۹۲۲ در مقطع کارشناسی رشته حقوق صادره از واحد دانشگاهی زابل به شماره ۹۹۱۱۰۳۶۰۳ مفقود گردیده است.

**آگهی مفقودی**

برگ سبز خودرو، خودرو سواری: سواری، سیستم: پژو، تیپ: پارس به رنگ: سبز - بژ - متالیک، مدل: ۱۳۸۹ به شماره موتور: ۱۲۴۸۹۲۲۱۸۰۹ و شماره شاسی: NAAN01CA7BK479877 به شماره پلاک: ۲۶۳ ل ۵۸ ایران: ۶۵ به نام: حسین زینلی پاقلعه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
شهربابک

روزنامه پیام ما

www.payamema.ir

چهارشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۸۲

روزنامه سیاسی - اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتونیست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۴۲۲ ۷۱۰۵-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۲۵۶)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲

/ تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
/ تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

پیام ما دیروز

مد پایدار

## روایت «دوباره» از کسب‌وکاری که به لباس‌ها و وسایل فرصت استفاده مجدد می‌دهد

# کمدی که دوباره قصـــه می‌گوید

**در کمد بسیاری از خانه‌ها لباس‌هایی هست که سال‌هاست پوشیده نشده‌اند، کیف‌هایی هست که دیگر به کار نمی‌آیند و وسایلی که زمانی خریداری شده‌اند و حالا فقط بخشی از انباشتگی کمدهایند. «دوباره» کسب‌وکار کوچکی برای مقابله با دورریز لباس و ترویج استفاده مجدد از وسایلی است که شاید برای صاحبشان تمام شده‌اند، اما هنوز برای دیگری آغاز یک استفاده تازه باشند. «مرجان سلمان‌زاده»، بنیان‌گذار این کسب‌وکار، می‌خواهد لباس‌ها و وسایل را از گوشه کمدها بیرون بکشد و به چرخه استفاده برگرداند. او در گفت‌وگو با «پیام ما» می‌گوید دست‌دوم بودن مترادف کهنگی نیست و هر لباس یا کالا فرصتی برای ادامه‌یافتن قصه‌اش دارد.**

| صدف سرداری |
| روزنامه‌نگار |


مصرف‌گرایی فقط به خرید بیشتر و پر شدن کمدها و خانه‌ها محدود نیست. هر کالای تازه برای تولید به آب، انرژی و مواد اولیه نیاز دارد و وقتی خیلی زود کنار گذاشته می‌شود، منابعی که برای تولید آن صرف شده نیز عملاً هدر می‌رود. افزایش عمر کالاها و بازگرداندن آنها به چرخه استفاده می‌تواند بخشی از فشار بر منابع طبیعی و حجم دورریز را کاهش دهد.

مرجان سلمان‌زاده به «پیام ما» می‌گوید ایده راه‌اندازی این کسب‌وکار مدت‌ها در ذهنش بوده است. او دو ماه پیش تصمیم گرفته این ایده را از خودش شروع کند و به دوستان و اطرافیانش پیشنهاد دهد وسایلی را که دیگر استفاده نمی‌کنند، دوباره وارد چرخه مصرف کنند.

او پیش از راه‌اندازی «دوباره» نیز در جمع‌های دوستانه تجربه ردوبدل کردن لباس و وسایل را داشته است. آنچه برای او مهم بود، پیدا کردن مدلی بود که صاحب کالا نیز از آن منفعت ببرد و وسیله‌ای که دیگر برای او کاربردی ندارد، فرصت پیدا کند به دست فرد دیگری برسد: «در "دوباره" وسایل به‌شکل امانی دریافت و کالاها قیمت‌گذاری می‌شوند. اگر کالایی بعد از دو ماه فروش نرفته باشد، به صاحبش برگردانده می‌شود. این مدل قرار است فاصله میان خلوت کردن کمد و دور ریختن وسایل را پر کند.»

### هر لباس، ردپایی از مصرف آب و انرژی دارد

فرهنگ خرید و استفاده از لباس دست‌دوم در ایران هنوز با موانع مختلفی روبه‌روست. برای بخشی از جامعه، لباس دست‌دوم همچنان یادآور لباس کهنه است. حساسیت درباره اینکه چه کسی پیش از این لباس را پوشیده، یکی از دلایلی است که باعث می‌شود برخی افراد سراغ چنین کالاهایی نروند.

از سوی دیگر، شرایط اقتصادی باعث شده است استفاده از کالاهای دست‌دوم برای افراد بیشتری به یک انتخاب اقتصادی تبدیل شود. بازار لباس‌های موسوم به تاناکورا سال‌هاست در شهرهای مختلف ایران فعالیت دارد. سلمان‌زاده میان این بازار و ایده «دوباره» تفاوت مهمی می‌بیند: «در بازار تاناکورا، لباس‌ها معمولاً به‌شکل کیلویی وارد و بدون دسته‌بندی مشخص عرضه می‌شوند. "دوباره" می‌خواهد مسیر دیگری را معرفی کند؛ مسیری که در آن، لباس یا وسیله مشخصی که در خانه‌ای بدون استفاده مانده، دوباره دیده و برای استفاده فرد دیگری عرضه شود.»

در این میان، کیفیت کالا نیز اهمیت دارد: «بسیاری از لباس‌های موجود در "دوباره" برند هستند و بعضی از برندها حتی در ایران دیگر موجود نیستند. برخی لباس‌ها نیز کاملاً نو و دارای تگ هستند. هدف این است که دست‌دوم بودن یک کالا لزوماً به‌معنای فرسوده بودن آن تلقی نشود.»

پشت این انتخاب، یک دغدغه بزرگ‌تر نیز وجود دارد. لباس پیش از آنکه به کمد برسد، مسیر طولانی و پرمصرفی را طی کرده است. تولید پارچه، دوخت، حمل‌ونقل و نگهداری، هرکدام بخشی از منابع آب و انرژی را مصرف می‌کنند. سلمان‌زاده می‌گوید وقتی بیشتر درباره پیامدهای محیط زیستی صنعت پوشاک مطالعه کرده، به این نتیجه رسیده است که خرید کمتر و انتخاب آگاهانه‌تر می‌تواند بخشی از این فشار را کم کند: «تولید یک تی‌شرت معمولی حدود ۲ هزار و ۷۰۰ لیتر آب مصرف می‌کند و برای تولید یک شلوار جین حدود ۸ هزار لیتر آب مصرف می‌شود. بنابراین، لباسی که پس از چند بار استفاده کنار گذاشته می‌شود، فقط یک لباس بلااستفاده نیست. منابعی که برای تولید آن مصرف شده نیز همراه با آن بی‌استفاده می‌مانند.»

بنابراین، «دوباره» تلاش می‌کند مفهوم استفاده مجدد را وارد عادت‌های روزمره کند: «به همین دلیل می‌خواهیم این موضوع را جا بیندازیم که لباس را تعمیر کنیم، کمتر بخریم، بهتر انتخاب کنیم و وقتی دیگر به آن نیاز نداریم، راهی برای استفاده مجدد از آن پیدا کنیم.»

همچنین، «دوباره» فقط محل جابه‌جایی لباس‌های کمدها نیست؛ بخشی از فعالیت آن به حمایت از تولیدکنندگان و هنرمندان اختصاص پیدا کرده است. وسایلی که افراد مختلف ساخته‌اند، می‌توانند در این فضا عرضه شوند. کیف‌های دست‌ساز و آثار هنری بخشی از این مسیر هستند.

سلمان‌زاده می‌گوید: «سوزن‌دوزی‌های بلوچی که دختران عشایر بلوچ تولید کرده‌اند نیز در "دوباره" به امانت گذاشته شده‌اند تا امکان فروش پیدا کنند.»

### یک کسب‌وکار کوچک با یک چرخه بزرگ

او برای آینده «دوباره» حتی به لباس‌هایی فکر می‌کند که دیگر امکان استفاده روزمره ندارند: «پارچه لباس‌های کهنه می‌تواند دوباره بریده و دوخته شود و به توت‌بگ، جلیقه یا کوسن تبدیل شود. در تلاش هستم این کار را با همکاری چند خیاط پیش ببرم تا پارچه پیش از آنکه به دورریز تبدیل شود، شکل تازه‌ای پیدا کند. البته ایده بازیافت و استفاده مجدد نیازمند توجه به بهداشت و کیفیت است. لباس‌های دست‌دوم باید بررسی و ضدعفونی شوند.»

سلمان‌زاده ترجیح می‌دهد «دوباره» فضایی حضوری باقی بماند تا خریدار بتواند لباس را ببیند، جنس پارچه را لمس کند و از سلامت و کیفیت آن مطمئن شود. استقبال اولیه نیز برای او نشانه‌ای امیدوارکننده بوده است: «بعضی افراد با فروش وسایل بلااستفاده توانسته‌اند کمدشان را خلوت کنند و درعین‌حال، به‌لحاظ مالی نیز به درآمد برسند.»

به گفته او، تغییر نگاه به کالای دست‌دوم زمان می‌برد: «به‌خصوص در شهرهای کوچک‌تر که هنوز خرید دست‌دوم چندان پذیرفته نشده است.»

ایده‌ای که «دوباره» دنبال می‌کند، به یک کمد یا یک مغازه محدود نیست. پشت هر لباس، آب و انرژی و مواد اولیه‌ای مصرف شده و پشت هر وسیله، زمانی برای تولید آن صرف شده است. ادامه دادن عمر یک کالا، راهی برای استفاده بیشتر از همان منابع است. نام «دوباره» نیز از همین‌جا می‌آید. سلمان‌زاده می‌گوید: «دوباره، فرصت دوباره دیدن است و اینکه یک فرصت مجدد به وسایل بدهیم تا قصه‌شان را بار دیگر تعریف کنند.»

**سلمان‌زاده:**
**«دوباره»، فرصت دوباره دیدن است و اینکه یک فرصت مجدد به وسایل بدهیم تا قصه‌شان را بار دیگر تعریف کنند**

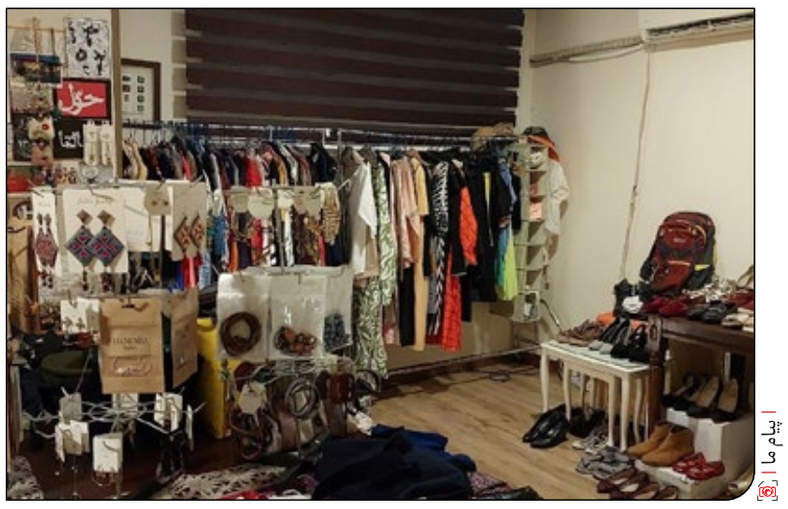

پیام ما

ادبیات

# آیا «هومر» واقعاً وجود داشته است؟

اگر بپرسید چه کسی «ایلیاد» یا «ادیسه» را سروده است، هرکسی که ذوق ادبی داشته باشد، بی‌شک به شما می‌گوید که این آثار متعلق به «هومر» هستند.

حتی ممکن است بگویند هومر شاعری یونانی‌تبار بوده که حدود قرن هشتم پیش از میلاد، هم‌زمان با اوج‌گیری محبوبیت دو اثر حماسی‌اش و ثبت مکتوب آن‌ها برای نخستین‌بار، شهرت و اعتبار پیدا کرده است. شاید حتی اشاره کنند که هومر احتمالاً نابینا بوده است؛ جزئیاتی عجیب و البته پرتکرار درباره زندگی او که بسیاری از توصیف‌ها و روایت‌های کهن، صحت آن را تأیید می‌کنند.

به گزارش سایت ادبی «منتال‌فراس»، اطلاعات درباره هومر آن‌قدر اندک است که حتی همان جزئیات معدود و رایج درباره زندگی، تاریخ تولد، محل تولد و نابینایی‌اش همچنان محل بحث و اختلاف‌نظر جدی است. از همین رو، مردم همواره درباره جزئیات واقعی زندگی هومر اندیشیده و نظریه‌پردازی کرده‌اند و ایده‌ها و گمانه‌زنی‌های خود را بر پایه سرنخ‌های اندکی بنا نهاده‌اند که در آثار او و همچنین نوشته‌های زندگی‌نامه‌نویسان و مورخان باستان یافت می‌شود.

برای نمونه، این واقعیت که متن‌های به‌جامانده از «ایلیاد» و «ادیسه» به‌طور کلی به گویش «ایونی» نوشته شده‌اند، به این فرضیه کاملاً منطقی دامن زده است که هومر خود باید اهل «ایونیا» بوده باشد؛ منطقه‌ای در بخش مرکزی‌غربی آسیای صغیر که امروزه در نوار ساحلی ترکیه واقع شده است. حتی در دنیای باستان، روایت‌هایی درباره گروهی از شاعران و نویسندگان بااستعداد وجود داشته است که در جزیره «خیوس» (Chios)، نه‌چندان دور از سواحل ایونیا، ساکن بوده‌اند و خود را «هومریده» (Homeridae) یا «فرزندان هومر» می‌نامیده‌اند.

در همین حال، براساس یک نظریه، نام «هومر» ممکن است با واژه یونانی «هوموروس» (Homeros)، به‌معنای «گروگان»، مرتبط باشد. از این رو، برخی مورخان احتمال داده‌اند که او شاید زمانی اسیر یا گروگان بوده است. البته نکته جالب‌توجه اینجاست که همین واژه می‌تواند به‌معنای «نابینا» نیز باشد و شاید همین مسئله منشأ شکل‌گیری داستان‌هایی درباره نابینایی احتمالی هومر بوده است.

با توجه به تمام این موارد، این‌گونه به نظر می‌رسد که گویی در حال کنار هم چیدن قطعات داستان زندگی کسی هستیم، درحالی‌که هیچ‌یک از این جزئیات قطعیت ندارند. در واقع، با وجود انبوهی از جزئیات مشکوک، متفاوت و اغلب متناقض درباره زندگی هومر در اسناد تاریخی، برخی مورخان نه‌تنها صحت چنین جزئیاتی را زیر سؤال برده‌اند، بلکه حتی در وجود خود شخص «هومر» نیز تردید کرده‌اند.

جزئیات موجود در متن‌های به‌جامانده از «ایلیاد» و «ادیسه» نشان می‌دهد که این آثار مدت‌ها پیش از آنکه کسی به فکر مکتوب‌کردنشان بیفتد، یعنی حدود ۲۵۰۰ سال پیش یا در همان حدود، به‌صورت شفاهی رواج داشته‌اند. ازآنجاکه این داستان‌ها پیش از ثبت مکتوب، دهه‌ها و شاید قرن‌ها سینه‌به‌سینه نقل می‌شدند، می‌توان فرض کرد که به‌مرور زمان شاخ‌وبرگ پیدا کرده و غنی‌تر شده‌اند؛ چراکه هر راوی داستان را از آن خود می‌ساخت و شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و جزئیات تازه‌ای به آن می‌افزود. | ایسنا

قفسه

## درباره کتاب «از نفس افتاده»؛ روایت‌هایی تراژیک از زندگی سرشناس‌ترین چهره‌های ورزش ایران

# ردپا در بـــرف

| صالح تسبیحی |
| طراح و نویسنده |


### نقره‌داغ روایت

روایت‌هایی دست‌اول که ابداً محدود به ورزشگاه نیستند. زمین سبز و تشک کشتی و خط‌های میدان دوومیدانی، زمینه‌های اجتماعی ظهور و زیست و شکست قهرمانانی هستند که یک روز در دل مردمان جای داشتند؛ بعضی در دل‌ها ماندند، بعضی دل‌سوخته از جهان رفتند و بعضی به حاشیه رانده شدند. روایت گم‌شدگان در برف و گولاک تپه‌ماهورهای زندگانی.

حاشیه در زندگی ایرانیان که ما باشیم، همیشه آن‌قدر پررنگ است و نزاع، اعتیاد، ازدواج و طلاق، فرزند، مهاجرت، معیشت و حتی خنده و اشک و غم و سوگ، همواره در حال انتقال از حاشیه به متن زندگانی هستند که زندگی ورژن ایرانی بیشتر می‌تواند حاشیه خوانده شود تا متن. در این کتاب، ابراهیم افشار با آن نثر رسا و زبان شیوای مخصوص به خود و با آن صمیمیتی که همیشه از او سراغ داشته‌ایم، سراغ روان و شمایل آدم‌هایی رفته است که عمدتاً زندگی پرتلاطمشان نه‌فقط الگوی جوان‌ها و مردم عادی نبود، بلکه یکی در میان، سرها به افسوس تکان داده می‌شود. او سرنوشت آن‌هایی را که از دست رفته‌اند یا کنج‌نشین شده‌اند، چنان نقره‌داغ روایت می‌کند که بغض به گلوی خواننده می‌آید.

### فارسی قند است

کتاب می‌خوانیم که چه بشود؟ آیا لذت‌های روح ناآرام و خسته کتاب‌دوستان در مواجهه با سرنوشت دیگران به‌تنهایی مرهم برمی‌دارد یا قصه مفصل‌تر است؟ ابراهیم افشار با زبان رسای خود میان مرز باریک محاوره و کلمات آدم‌های ساده کف خیابان و لحنی تاریخ‌نگارانه حرکت می‌کند. او در امتداد جد قلم‌به‌دستان، بیهقی، و پدربزرگ نویسندگان، سعدی، نثر اختراعی زمان ما، یعنی نثر مدرن متکی بر متون کهن، را به بهترین شکل به کار گرفته است.

زبان فارسی در قلم افشار تاس تخته‌ای است کارکرده و چوب‌ساییده که یا بخت یا اقبال جمله در آن آغاز می‌شود و در پایان، سر به باختی می‌گذارد که خودش در آن دخیل است. مجتبی محرمی هنوز زنده است؛ یا ناصر محمدخانی. اما شمایلی که نویسنده از آن‌ها در این کتاب می‌سازد، با آنچه در میادین و مطبوعات دیده‌ایم، زمین تا آسمان توفیر دارد و این از اعجازات قند پارسی است که مرگ نام را از مرگ تن جدا می‌سازد.

### شمایل ضدقهرمان

افشار در مقدمه آورده است که پل متروکِ برقرارشده میان روشنفکری و ورزش، راهی کمتررفته اما پر از میوه‌های پربار است. کمتر کسی شجاعت عبور از آن و چیدن محصول درخت خاطرات تنومند پنهان در جنگل حوادث را دارد؛ جنگل اجتماع ایرانی که در آن اغلب چهره‌ها شبیه به هم‌اند و در این میان، قهرمان‌های خودساخته نقاب را برداشته‌اند و رخ بی‌مثالی ستودنی از خود نشان می‌دهند که در این هیاهو می‌درخشد؛ شمایل کامل آدمی که از پیروزی به شکست می‌رود و از زندگی به مرگ.

در مقدمه از نادر افشار نادری مثال می‌آورد که هم فوتبالیست بود و هم مردم‌شناس. منیر مهران را می‌گوید که هم مترجم ادبی بود و هم ورزشی‌نویس حرفه‌ای. توصیف زنده و بدون اضافه‌گویی چشم‌ها و لهجه‌ها وقت حرف‌زدن یا خاموشی، کلمات، صفت‌ها و موصوفات نویسنده را ممتاز می‌کند. در پایان شرح آنچه بر اسطوره بی‌مثال ایران، قایقران، آن بچه سرتق، سرپایین و مهربان انزلی گذشت، نویسنده تاب از کف می‌دهد و شمایل خون‌آلود آبای خسته را در آن اتومبیل درهم‌شکسته کنج جاده رها می‌کند. شماره ۹ لباس کاپیتان تیم فوتبال ملوان را بهانه می‌کند و خاطرات و عشق رفاقت‌آمیزشان می‌جوشد. هرچه گفته و نگفته، وامی‌گذارد و در تکمیل شمایل قهرمان خود، بالشی را به یاد می‌آورد که سیروس سر روی آن می‌گذاشت و خوابا‌خواب می‌رفت به عالم خیال خود. احتمالاً با خط لرزان می‌نویسد:

«من ۹ بار به قربان کبودی زیر چشمت بروم. قربان آن بالش چیت پل‌دار کوچه میثاق...»

### رویارویی با قصه به‌عنوان سند دست‌اول

خب، میان‌تیتر بالا خودش یک مقاله شد! کتاب را که می‌خواندم، مدام یاد رفیقم علی‌خان، مرد پرشور، فوتبال‌دوست و فرهیخته، می‌کردم. کتاب را تهیه کردم و وقتی برایش ارسال شد، دقیقاً روز تولدش به دستش رسید. علی‌خان بعد از تورق زنگ زد و گفت: «روایات دست‌اول مثل سوراخی در تاریخ‌نویسی معاصر دهان باز کرده. این کتاب دست‌اول است.» یعنی نویسنده چندان به اخبار و رسانه‌ها اتکا نکرده و دست‌کم آن‌ها را کافی ندانسته است.

بله، برای شرح شخصیت مثلاً علی پروین یا ناصر حجازی نمی‌شود به روبنا اکتفا کرد. ابراهیم افشار شهرزاد قصه‌هایی است که خودش شاهد و مرجع آن‌ها بوده و اشیا و موها و خنده و خشم و نوع شمرده یا شتاب‌زده سخن‌گفتن و کرده‌ناکرده‌ها از خود اوست. این است که سند دست‌اول، تنها و یکه، مرجعی بی‌همتاست برای کسانی که می‌خواهند شخصیت‌پردازی کنند. در نوشتن قصه و فیلم‌نامه نیز «از نفس افتاده» از نقشه‌های مرغوب راه است.

### خواندن در یک نفس

نقشه‌هایی که برای وقت خواب و دورشدن از گوشی و هیاهوهای پرتکرار اخبار می‌کشیم، در خواندن زندگی‌نامه‌ها به گنج می‌رسند. چه زندگی‌نامه‌هایی؟ آن‌ها که بالاتر از «منم‌زدنِ» اتوبیوگرافی‌نویس یا گفت‌وگوشونده، آرام راه می‌روند و در صفحات کتاب، هر ورق به حکم ردپایی در برف، قابل ردیابی است و می‌توان پشت رهروی گم‌شده در تپه‌ماهورهای سفید افتاد. کتاب «از نفس افتاده» شرح جایی در تپه‌های سفید تودرتوست که قهرمانی سابق، از نفس افتاده است.

جهان

## فرانسه برای مقابله با تولید انبوه، عوارض جدیدی برای دو برند پوشاک وضع کرد

# علیـــه فست‌فشن

اپیام ما| فرانسه از روز سه‌شنبه دریافت عوارض از محصولات فست‌فشن را آغاز کرده است؛ اقدامی که بیش از همه شرکت‌هایی مانند «شین» و «تِمو» را هدف گرفته و قرار است به کاهش فروش لباس‌های ارزان و تولید انبوه کمک کند.

به گزارش رویترز، این عوارض بخشی از قانونی است که پارلمان فرانسه در ماه ژوئن تصویب کرد. هدف این قانون، مقابله با پیامدهای محیط‌زیستی تولید بیش از اندازه لباس و تشویق به مصرف پایدارتر است. مبلغ عوارض از ۲۵ سنت برای محصولاتی مانند جوراب و لباس زیر آغاز می‌شود و برای یک پالتو به ۱۲ یورو می‌رسد.

«سرژ پاپن»، وزیر بازرگانی فرانسه، درباره این قانون گفت: «این پلتفرم‌ها وانمود می‌کنند که از قدرت خرید مصرف‌کنندگان حمایت می‌کنند. آنها محصولاتشان را با قیمت پایین می‌فروشند، اما این محصولات اغلب استانداردهای لازم و دوام زیادی ندارند.»

این قانون در شرایطی فشار بیشتری بر شین وارد می‌کند که پایان معافیت گمرکی بسته‌های ارزان تجارت الکترونیک در اتحادیه اروپا و آمریکا، ارزش این شرکت را پیش از عرضه سهامش در بورس هنگ‌کنگ کاهش داده است.

شین و تِمو درباره عوارض جدید اظهارنظری نکرده‌اند. بااین‌حال، نماینده شین در فرانسه پیش‌تر گفته بود این هزینه‌ها در نهایت به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود و قیمت لباس‌ها را افزایش می‌دهد. چین نیز به این قانون اعتراض کرده است. وزارت بازرگانی این کشور، قانون فرانسه را تبعیض‌آمیز و مانعی برای تجارت دانسته و اعلام کرده است که ممکن است با اصول سازمان تجارت جهانی مغایرت داشته باشد.

### چرا «شین» بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟

فرانسه برای تعیین میزان عوارض فقط قیمت لباس را در نظر نمی‌گیرد. تعداد محصولاتی که یک برند عرضه می‌کند، قیمت آنها و حتی امکان تعمیرشان نیز در محاسبه عوارض نقش دارند. این عوارض قرار است از سال ۲۰۳۰ افزایش پیدا کنند. فرانسه نخستین کشور اتحادیه اروپا است که تعداد محصولات عرضه‌شده از سوی یک فروشگاه اینترنتی را در تعیین عوارض مدنظر قرار می‌دهد.

شین تا ۳۱ مارس امسال بیش از ۲ میلیون محصول در وب‌سایت خود داشت و هر روز حدود ۴۷۰۰ مدل جدید لباس عرضه می‌کرد. همین تنوع بالای محصولات باعث می‌شود این شرکت بیش از بسیاری از خرده‌فروشان سنتی اروپایی تحت تأثیر قانون جدید قرار بگیرد. در مقابل، شرکت‌هایی مانند زارا و H&M که تعداد کمتری محصول در وب‌سایت‌هایشان عرضه می‌کنند، احتمالاً با تأثیر قابل‌توجهی روبه‌رو نمی‌شوند. قانون فرانسه بخشی از روند گسترده‌تر اتحادیه اروپا برای مقابله با پسماندهای صنعت پوشاک است. براساس دستورالعملی در حوزه منسوجات، همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید تا ۱۷ آوریل ۲۰۲۸ نظام دریافت عوارض از تولیدکنندگان را اجرا کنند. این درآمد برای جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت لباس‌های دورریخته‌شده هزینه می‌شود. در فرانسه، انجمنی مسئول جمع‌آوری این عوارض است و مشخص می‌کند کدام شرکت‌ها باید آن را پرداخت کنند.

هلند نیز پیش‌تر نظام مشابهی راه‌اندازی کرده است؛ با این تفاوت که در این کشور، میزان عوارض براساس حجم لباس‌هایی محاسبه می‌شود که یک خرده‌فروش در بازار می‌فروشد، نه تعداد مدل‌هایی که در وب‌سایت خود عرضه می‌کند.


نوبت اول

## فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای

شرکت سهامی آب منطقه ای کرمان

**همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) انتخاب پیمانکار تامین، حمل، واسنجی، آموزش و ارائه خدمات پس از فروش دستگاه انحراف سنج برای سد مخزنی نساء به فرآیند شماره ۱۳/الف/۴۰۵**

شرکت آب منطقه‌ای کرمان در نظر دارد مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی (فشرده) انتخاب پیمانکار تامین، حمل، واسنجی، آموزش و ارائه خدمات پس از فروش دستگاه انحراف سنج برای سد مخزنی نساء بم به شماره ۱۳/الف/۴۰۵ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد ولازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: تاریخ ۱۴۰۵/۶/۱۴
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۱
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۷/۵
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۰:۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۷/۵
مدت اعتبار پیشنهادها: ۳ ماه
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانتنامه بانکی - فیش واریزی

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گر: جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه آدرس: کرمان، خیابان پاسداران، شرکت آب منطقه‌ای کرمان، ساختمان شماره دو، دفتر قراردادها و تلفن ۳۱۲۲۱۱۷۵-۰۳۴

ارائه پاکت‌های الف به آدرس: کرمان، خیابان پاسداران، شرکت آب منطقه‌ای کرمان ساختمان شماره یک، طبقه دوم، دبیرخانه محرمانه دفتر حراست

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۴

شرکت آب منطقه‌ای کرمان

شناسه آگهی: ۲۲۶۸۰۴۱



شهرداری رفسنجان

## (آگهی تجدید مناقصه عمومی)

شهرداری رفسنجان در نظر دارد بر اساس بودجه مصوب شماره ۱۳۸۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ شورای محترم اسلامی شهر، نسبت به کرایه جرثقیل جهت انجام امور حوزه معاونت خدمات شهری از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های واجد صلاحیت که توانایی لازم جهت شرکت در مناقصه را دارند، دعوت بعمل می‌آید نسبت به دریافت اسناد و اطلاع از شرایط شرکت در مناقصه به سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات از طریق سامانه مذکور تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۵
(لازم به ذکر است شهرداری رفسنجان در رد یا قبول تمام یا هر یک از پیشنهادات مختار است.)
مهلت تحویل ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه ۲ روز قبل از بازگشایی پاکات
تلفن تماس ۳۴۲۵۸۸۰۱ - ۰۳۴

اداره ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری رفسنجان